

را توشه
فصلنامه علمی- تخصصی ویژه مبلغان
پاییز ۱۳۹۹ - شماره سوم

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
معاونت فرهنگی و تبلیغی

صاحب امتیاز: معاونت فرهنگی و تبلیغی
دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
مدیر مسئول: سعید روستاآزاد
سر دبیر: علی اکبر مؤمنی
دبیر اجرایی: مهدی جباری

نشریه «را توشه» بر اساس پروانه انتشار به شماره ثبت ۸۶۲۴۴ تاریخ ۱۳۹۸/۱۲/۵ معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان فصلنامه تخصصی منتشر می شود.

اعضای هیئت تحریریه

سعید روستاآزاد	عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
سید محمد اکبریان	عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
عبدالکریم پاک نیا تبریزی	مدرس حوزه علمیه قم
علی نظری منفرد	مدرس حوزه علمیه قم
علی اکبر مؤمنی	پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
میرتقی قادری	مدرس حوزه علمیه قم
ناصر رفیعی محمدی	عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه

ویراستار: زهرا رضائیان
صفحه آرا: اکبر اسماعیل پور
نمونه خوان: نصرت الله نیکزاد
مسئول چاپ و نشر: سید محمود کریمی

آدرس:	قم، چهارراه شهدا، معاونت فرهنگی و تبلیغی، طبقه اول، کدپستی: ۳۷۱۵۷۹۱۸۱۱
تلفن:	۰۲۵ - ۳۱۱۵۱۲۴۷
پایگاه اینترنتی:	http://rahtoosheh.dte.ir
پست الکترونیک:	tabligh@dti.ir
شبکه مجازی اینتا:	@MaharateTabligh



امام خمینی (قدس سره):

«اگر یک روحانی پایش را کج بگذارد می گویند: «روحانین این طورند»، نمی گویند فلان آدم... اگر یک روحانی خدای نخواستہ، یک خطایی بکند، این طور الآن وضع شده است که می گویند روحانیون این جوری اند. مسئولیت، یک مسئولیت بزرگی است که یکی اگر پایش را غلط بگذارد این طور نیست که پای خودش حساب بشود، پای روحانیت اسلام حساب می شود، شکست روحانیت اسلام است. از این جهت هر خطایی که از ما و شما آقایان خدای نخواستہ، تحقق پیدا بکند... پای همه حساب می شود؛ حتی آن طلبه ای که در مدرسه دارد درس می خواند، آن هم وقتی که یک خطایی بکند پای خودش حساب نمی شود، پای دیگران هم حساب می کنند. مسئولیت بسیار بزرگ است.»

بیانات در جمع علما و روحانیون شیعه و سنی، ۱۳۶۴/۲/۱۶

رهبر معظم انقلاب اسلامی (مد ظله العالی):

«ما در محیط اجتماعی و محیط زندگی چطور می توانیم دل مردم را به منشأ گفتار خودمان مطمئن کنیم و اعتماد آنها را برانگیزیم؛ درحالی که از مذمت شهوات دنیوی حرف می زنیم و در عمل خدای نکرده خودمان طور دیگری عمل می کنیم! از مذمت دل سپردن به پول و حرکت کردن و مجاهدت کردن در راه زیاده خواهی های دنیوی حرف می زنیم؛ اما عمل ما طور دیگری باشد! چطور چنین چیزی ممکن است اثر بکند؟! یا اثر اصلاً نمی کند، یا اثر زودگذر می کند، یا اثری می کند که بعد با کشف واقعیت کار ما، درست به ضد اثر تبدیل می شود. بنابراین، عمل بسیار مهم است.»

بیانات در دیدار روحانیان و مبلغان، ۱۳۸۴/۱۱/۵

فهرست مطالب

- ۵ کرامت انسانی در قرآن کریم و سیره نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
محمدکاظم کریمی
- ۱۷ تغافل و خطاپوشی در سیره پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
کاظم دلیری
- ۲۹ نگرشی تطبیقی بر وضعیت دینی جامعه پیشاقیام امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام و امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام
محمد مهدی لطفی
- ۴۱ بایستگی های پرستاری با تأکید بر سیره حضرت زینب عَلَيْهَا السَّلَام
سمیه مال میر
- ۵۱ نقش اربعین حسینی در وحدت اسلامی
سید محمد اکبریان
- ۶۳ شاخص هایی از مکتب اخلاقی امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام
صادق مشکاتی
- ۷۵ نقش والدین در مدیریت استفاده کودکان از تلویزیون
معصومه سادات موسوی

کرامت انسانی در قرآن کریم و سیره نبوی ﷺ

محمدکاظم کریمی *

مقدمه

کرامت انسان، از آموزه‌های پایه‌ای اسلام است که با اصل آفرینش او عجین شده است. انسان در مقایسه با دیگر موجودات، دارای استعداد و امتیازهایی مانند عقل، تفکر، اراده، قامت استوار و عاطفه است که بر پایه آنها حقوق و اختیاراتی دارد که کرامت او نیز ناشی از همین حقوق و قدرت‌هاست. از آنجا که انسان دارای قدرت تفکر است، حق انتخاب دارد و کسی نباید این حقوق را از او سلب کند؛ چنانکه قرآن می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»^۱ به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌ها] بر نشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم». در جامعه آرمانی اسلام، هر انسانی محترم و دارای شخصیت و کرامت است. این تکریم دست‌کم از دو بُعد قابل توجه است: بُعد اول از جانب خود شخص؛ به این معنی که فرد با شناخت مقام خلیفه‌اللهی خویش و برتری وجودی بر بیشتر کائنات، قدر و منزلت خود را بداند و این گوهر گرانبایه را ارج نهد. دیگری از بُعد اجتماعی است؛ یعنی انسان‌ها به عنوان اعضای جامعه در تعاملات اجتماعی خویش موظف به حفظ کرامت و تکریم یکدیگر هستند و نباید آن را نادیده بگیرند.

* پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

قرآن، کتابی جهانی و مخاطب آن، حوزه ایمانی اعم از مسلمان و غیر مسلمان است؛ چنانکه خداوند فرمود: «وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ»^۱ این سخن جز اندرزی برای همه مردم نیست». از این رو دارای ظرفیت‌های سترگ برای هدایت و سعادت جامعه بشری، و پیامبر خدا ﷺ به عنوان آخرین فرستاده خداوند، اولین و برترین نمونه رفتار و اخلاق شایسته در همه دوران‌هاست؛ چنانکه قرآن کریم بر آن مهر تأیید نهاده است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»^۲ قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا، سرمشقی نیکوست». بررسی سیره و سنت آن حضرت، در حقیقت بررسی همه دیدگاه‌های اسلام درباره کرامت و منزلت انسان است. آیات متعدد و رفتار و منش اولیای بزرگ خداوند، به‌ویژه پیامبر اعظم ﷺ به موضوع کرامت انسانی توجه خاصی مبذول داشته‌اند که آگاهی از آن برای پیروانش، الهام‌بخش و در عمق‌بخشی به آموزه‌های دینی، راه‌گشاست.

مفهوم‌شناسی

اگر چه واژه کرامت در زبان فارسی معادل دقیقی ندارد، اما با واژه‌هایی چون بزرگواری، شرافت، فضیلت و بزرگی معادل و معنی شده است.^۳ اکرام و تکریم به این معناست که نفعی به انسان برسد که سختی و حرجی به دنبال آن نباشد یا آنچه به انسان می‌رسد، چیز با ارزشی باشد.^۴ از نظر اصطلاحی نیز به این معناست که انسان نوعی شرافت و بزرگواری را در خود احساس کند که به موجب آن، از پستی‌ها و فرومایگی‌ها دوری کند.^۵ طبق آیات قرآن و آموزه‌های اسلام، انسان دارای دو نوع کرامت ذاتی و اکتسابی است. منظور از کرامت ذاتی این است که هر انسان به مقتضای آفرینش، دارای این نوع کرامت و ارزش وجودی است. در برابر کرامت اکتسابی با اختیار انسان و با روش‌هایی که برای تحصیل آن وجود دارد، به دست

۱. مدثر: ۳۱.

۲. احزاب: ۲۱.

۳. عبدالله جوادی آملی؛ ادب فنای مقربان؛ ج ۱، ص ۲۰۳؛ علی اکبر دهخدا؛ لغت‌نامه؛ ذیل واژه «کریم».

۴. حسین بن محمد راغب اصفهانی؛ مفردات الفاظ القرآن؛ ص ۷۰۷.

۵. مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار؛ ج ۲۳، ص ۶۲۷.

می آید؛^۱ چنانکه قرآن می فرماید: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ»^۲ گرامی ترین شما نزد خدا، با تفاوت ترین شماس است». بنابراین کرامت اکتسابی، ملاک تفاوت و برتری انسان ها نسبت به یکدیگر است. گروهی در پرتو ایمان و عمل صالح و تقوای الهی، به کمالات انسانی می رسند؛ به گونه ای که مصداق «فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى»^۳ و گروهی با پشت کردن به ارزش های انسانی و الهی، مصداق «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ» می شوند.

منزلت انسان

بر اساس آموزه های قرآن خلافت و جانشینی انسان بر زمین، بالاترین جایگاهی است که از سوی مالک هستی به انسان ارزانی شده است:

وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَن يُفْسِدُ فِيهَا وَ يَسْفِكُ الدَّمَاءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ؛^۴ آن گاه که پروردگارت به فرشتگان فرمود: من در روی زمین جانشینی می گمارم. فرشتگان گفتند: «آیا در زمین کسی را می گماری که در آن فساد و خونریزی کند؟ در حالی که ما به ستایش تو تسبیح گوئیم و تقدیس می کنیم». خداوند فرمود: «من چیزی را می دانم که شما نمی دانید».

غرض اصلی از آفرینش انسان، تحقق خلافت و حکومت الهی روی زمین بوده است؛ یعنی خداوند اراده کرده است که جانشینی خود را در زمین به وسیله انسان تداوم بخشد و در پرتو این خلافت است که موضوع کرامت انسانی مطرح می شود. البته باید توجه داشت که جانشینی انسان برای خدا، به معنی تجلّی و ظهور قدرت خداوند در وجود انسان برای حاکمیت بر موجودات است، نه اصالت بخشی به انسان در مقابل هستی بخش.

الف) کرامت فردی

کرامت، مقوم انسانیت انسان است و مراد از کرامت انسانی، کرامت روح و نفس

۱. احمد بن فارس القزوینی الرازی؛ معجم مقاییس اللغة؛ ج ۲، ص ۴۴۰.

۲. حجرات: ۱۳.

۳. نجم: ۹.

۴. بقره: ۳۰.

انسان است. انسان به دلیل اینکه دارای روح الهی است، دارای ارزش و شایسته تکریم است.

۱. اختیار و اراده انسانی

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ذاتی انسان که موجب تحقق کرامت او و وجه تمایزش از دیگر موجودات می‌شود، «اختیار» است. قرآن در ارائه تصویری از انسان، از سویی عالی‌ترین مدح‌ها و بدترین مذمت‌ها را درباره او بیان کرده است؛ هم او را در بلندترین و بهترین نقطه دستگاه آفرینش قرار داده است: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ»^۱ انسان را به نیکوترین گونه آفریدیم» و هم او را بر بیشتر مخلوقات خویش برتری بخشیده و در موارد بی‌شماری بر توانایی‌ها و قابلیت‌های او تأکید کرده است.^۲ از سوی دیگر او را پایین‌تر از چارپایان توصیف کرده است: «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ»^۳ آنان چون چارپایان بلکه گمراه‌ترند، آنان همان غافلانند». این دو نوع تصویر از انسان، ناشی از وجود اختیار و اراده در انسان است.

بدون وجود اختیار هیچ کدام از تکالیف و مسئولیت‌هایی که از طرف خداوند متوجه انسان است، معنا و مفهوم پیدا نمی‌کند و چون انسان دارای اختیار است، حق انتخاب دارد. پیامبر خدا ﷺ نیز بر همین توانایی بشر صحنه گذاشته و آن را وجه کرامت او دانسته است: «هیچ چیز نزد خدا گرامی‌تر از فرزند آدم نیست». عرض شد: «ای پیامبر خدا! حتی فرشتگان؟». فرمود: «فرشتگان بسان خورشید و ماه، مجبورند».^۴

۲. آزادی

در میان تمام موجودات، انسان مفتخر به تعلیم اسمای حسناى الهی شده است؛ از همین روست که خداوند انسان را آزاد آفرید تا امکان گام نهادن در مسیر کسب علم و معرفت را به دست آورد: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي

۱. تین: ۴.

۲. اسراء: ۷۰.

۳. اعراف: ۱۷۹.

۴. علی بن حسام‌الدین متقی الهندی؛ کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال؛ ص ۳۴۶۲۱.

بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»^۱. چنین تعلیم و تأکیدی، توان عظیم انسان را منعکس می‌کند و به او این امکان را می‌دهد که تمامی موجودات و نیروهای را بشناسد که در دایره خلافت و تحت تصرف او قرار دارند.

اگر چه حد آزادی تا جایی است که باعث سلب آزادی و نارضایتی دیگران نشود، اما آزادی به خودی خود مقدمه‌ای برای اختیار انسان‌هاست که در صورت انتخاب صحیح، به کرامت انسانی سوق داده می‌شوند. در واقع آزادی، امری نسبی است؛ بدین معنی که از یک سو نباید به بهانه آزادی، کرامت انسان‌ها و حقوق آنها نادیده گرفته شود و از سوی دیگر، کرامت انسان‌ها اقتضا می‌کند که از حق انتخاب خود برای سامان‌دهی امور دنیا و آخرت‌شان بهره‌گیرند و کسی نمی‌تواند این حق انتخاب را از آنان سلب کند؛ زیرا حق آزادی، از مهم‌ترین موهبت‌های خداوندی است که در حرکت به سوی کمالات، انسان را یاری می‌رساند. البته انسان‌ها نیز حق ندارند عزت و شرافت انسانی خود را با رفتارهای پست و فرومایه زیر سؤال ببرند.

مرد فقیری خدمت آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته الله آمد و خواست تا چیزی به او بدهند. ایشان به چهره مرد نگاه کرد و متوجه شد که او مردی است که می‌تواند کار و کاسبی کند، ولی گدایی برایش حرفه شده است. او را با این سخن امام علی علیه السلام نصیحت کرد که فرمود: «أَعِدُّوا لِي عَزَّكُمُ»^۲ صبح زود به دنبال عزت و شرف خودتان بروید؛ یعنی دنبال کار و کسب و روزی‌تان بروید. وقتی انسان از خود درآمد داشته باشد و خودش زندگی‌اش را اداره کند، عزیز است.^۳

۳. تقوا و صیانت نفس

وضعیت پیچیده زیست اجتماعی در دنیای مدرن و تغییرات در سبک زندگی، شرایطی را فراهم ساخته است که دسترسی به ابزارها و امکاناتی مانند اینترنت، ماهواره و فضای مجازی برای همگان راحت شده و استفاده نادرست از آنها به تدریج، زمینه فاصله گرفتن از معنویات و تقلیل ظرفیت‌های وجودی انسان در حد

۱. بقره: ۳۱.

۲. محمد بن حسن حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۱۲، ص ۴، ح ۱۰.

۳. مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار؛ ج ۲۳، ص ۵۰۶.

نیازهای مادی و جسمی را رقم زده است. تلاش گسترده برای حذف معنویت و ارزش‌های والای انسانی از زندگی جوامع بشری، گسترش فساد اخلاقی، اعتیاد، بی‌بندوباری و ویرانی بنیان خانواده و در واقع بی‌اعتنایی به کرامت انسان، از آسیب‌هایی است که امروزه گرفتار زیست انسان مدرن گردیده است. از این رو ضرورت پرهیزگاری و رعایت حرمت ارزش‌های دینی در جامعه امروز دو چندان شده است. تقوا، صفتی درونی است که در وجود هر انسانی می‌تواند یافت شود. در آموزه‌های دینی، معیار سنجش واقعی انسان‌ها به میزان تقوای آنهاست^۱ و شدت و ضعف آن، تعیین‌کننده میزان برخورداری آنان از کرامات الهی یعنی کرامت اکتسابی است.

امام علی علیه السلام تقوا را پناهگاهی توصیف می‌کند که با نگهداری از وجود انسان در برابر گناهان و تبه‌کاری‌ها، به او عزت می‌بخشد و او را به ساحل امن نجات رهنمون می‌سازد: «عِبَادَ اللَّهِ إِنَّ التَّقْوَى دَارٌ حِصْنٌ عَزِيزٌ وَالْفُجُورُ دَارٌ حِصْنٌ ذَلِيلٌ لَا يَمْنَعُ أَهْلَهُ وَلَا يُحْرِزُ مَنْ لَبَّأَ إِلَيْهِ»^۲ بندگان خدا بدانید که پرهیزگاری، پناهگاهی محکم و استوار است و ناپرهیزگاری، پناهگاهی پست و ناستوار که ساکنان خود را از خطر ننگه نمی‌دارد و هر که بدان پناه برد، از آسیب در امان نخواهد بود».

ب) کرامت اجتماعی

اسلام نه تنها به کرامت فردی انسان توجه دارد؛ بلکه از کرامت اجتماعی او نیز غفلت نکرده و اعضای جامعه را به رفتار درست با همدیگر و تعامل مناسب دعوت کرده است. نیکوکاری به یکدیگر، کمک به حل مشکل اعضای جامعه، بر طرف کردن غم و اندوه از انسان‌ها، نیکی به پدر و مادر، ارتباط با خویشاوندان (صله رحم) و نظایر آن در اسلام مورد تأکید قرار گرفته است^۳ که این موضوع از توجه اسلام به جامعه و نیازهای اعضای آن برای تأمین کرامت‌شان حکایت دارد.

۱. حجرات: ۱۳

۲. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج‌البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ خطبه ۱۵۷، ص ۲۲۱.

۳. محمدباقر مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۷۴، ص ۴۰۲.

۱. درد انسانیت

انسان صاحب کرامت تنها به خود نمی‌اندیشد؛ بلکه برای جامعه و مردم نیز اندیشناک است. مشکلات مردم او را بی‌تاب، و رنج و بیماری آنان وی را متأثر می‌کند. پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُونَ فِي تَبَاؤِهِمْ وَتَرَاحِيهِمْ وَتَعَاطِفِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى تَدَاعَى لَهُ سَائِرُهُ بِالسَّهْرِ وَالْحُمَّى»^۱ مؤمنان در نیکوکاری، مهربانی و عاطفه‌ورزی همانند یک پیکرند که اگر عضوی از آن دچار درد شود، بقیه اعضا با تب و بی‌خوابی با آن همدردی می‌کنند».

علی بن یقطین، وزیر هارون الرشید، از دوستان اهل بیت علیهم‌السلام بود و مخفیانه از طرف امام کاظم علیه‌السلام اجازه داشت که در مقام وزارت دستگاه هارون باشد و به مسلمانان خدمت کند. روزی یکی از شیعیان به نام ابراهیم که شترچران بود، برای حاجتی نزد علی بن یقطین رفت؛ ولی مقام وزارت باعث شد که علی بن یقطین به او توجه نکند و اجازه ورود ندهد. همان سال علی بن یقطین عازم حج شد و در مدینه خواست خدمت امام کاظم علیه‌السلام مشرف شود، ولی امام به او اجازه ورود نداد و هر چه تلاش کرد، موفق نشد. سرانجام روز دوم بیرون خانه با حضرت ملاقات کرد و از علت بی‌اعتنایی پرسید. حضرت به او فرمود: «به دلیل آنکه به برادرت ابراهیم ساریان بی‌اعتنایی کردی و به او اجازه ورود ندادی! به خاطر این گناه، خداوند حج تو را قبول نمی‌کند، مگر اینکه ابراهیم را راضی کنی». علی بن یقطین به کوفه برگشت و به منزل ابراهیم رفت و گفت: «مولایم مرا نپذیرفت، مگر اینکه تو مرا ببخشی». ابراهیم گفت: «عَفْرَاللَّهُ لَكَ؛ خداوند تو را ببخشد». علی بن یقطین صورتش را بر خاک گذاشت و گفت: «پا روی صورتم بگذار». ابراهیم امتناع کرد، اما او را سوگند داد که پایش را روی صورتش بگذارد. ابراهیم پا به صورتش گذاشت و علی بن یقطین می‌گفت: «اللَّهُمَّ اشْهَدْ؛ بارالها تو شاهد باش!» و به این ترتیب از ابراهیم رضایت گرفت. آنگاه به مدینه بازگشت و به محضر امام علیه‌السلام رسید و امام علیه‌السلام او را به حضور پذیرفت.^۲

۱. همان؛ ج ۷۱، ص ۲۳۴.

۲. عباس قمی؛ کلیات مفاتیح الجنان؛ باب سوم در زیارات، فصل اول: آداب زیارت.

کرامت انسانی اقتضا می‌کند آدمی پرتو مهرش را برای همه انسان‌ها بگستراند و بین دیانت و انسانیت مرزی قائل نشود. سیره مستمر نبی خاتم سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همواره بر همراهی و همدردی با درد و رنج مردم، حتی در امر دینداری‌شان استوار بوده است تا آنجا که به شهادت قرآن کریم، از غم ایمان مردم تا سر حد جان دادن پیش می‌رود: «لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ»^۱ شاید از اینکه ایمان نمی‌آورند، خود را هلاک سازی».

۲. تواضع

بنای رفتار آدمیان بر اخلاق، ضامن تأمین سلامت روحی و روانی آنان در همه ابعاد زیست فردی و اجتماعی است. تواضع به معنی فروتنی و خضوع معقول که نشانه‌های آن در رفتار و کردار و گفتار فرد آشکار می‌شود، به عنوان کلید فضایل و مادر ارزش‌ها تلقی می‌شود. قرآن کریم در بیان نصیحت‌های لقمان به پسرش می‌فرماید: «وَلَا تَصَعَّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ»^۲ با بی‌اعتنایی از مردم روی مگردان و با غرور بر زمین راه مرو که خداوند خودپسندان را دوست ندارد». در این آیه شریفه لقمان حکیم به دو صفت بسیار ناپسند «تکبر و بی‌اعتنایی» و «غرور و خودپسندی» که مایه از هم پاشیدن روابط صمیمانه اجتماعی است، اشاره می‌کند. این دو صفت ناپسند از سویی انسان را در عالمی از توهم و پندار و خودبرتربینی فرو می‌برند و از سوی دیگر رابطه او را با دیگران محدود می‌کنند.^۳

هیچ چیز به اندازه کوچک شمردن بندگان خدا، آدمی را نزد خداوند کوچک نمی‌کند و کسی که نزد خداوند کوچک شد، از عنایتش محروم می‌شود. خداوند در قرآن به پیامبر سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دستور می‌دهد که تکریم ویژه خود را به مؤمنان اختصاص دهد: «وَاحْفَظْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»^۴ در برابر مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند، مهربان و فروتن باش». مقصود از گستراندن بال در این آیه، تواضع همراه با محبت و مهر و

۱. شعراء: ۳.

۲. لقمان: ۱۸.

۳. ناصر مکارم شیرازی؛ تفسیر نمونه؛ ج ۱۷، ص ۵۴.

۴. شعراء: ۲۱۵.

ملاطفت است. همان گونه که پرندگان هنگامی که می خواهند به جوجه‌های خود اظهار محبت کنند، بال‌های خود را می‌گسترانند، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز مأمور است مؤمنان راستین را زیر بال و پر خود بگیرد و تکریم ویژه خود را به آنان اختصاص دهد.^۱ در سیره رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده است وقتی وارد مجلسی می‌شدند، در پایین مجلس می‌نشستند؛ زیرا تواضع در مقابل مؤمنان، تکریم آنان به شمار می‌آید.^۲ امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام در پاسخ به پرسشی درباره حد تواضع، آن را دارای درجاتی دانسته و فرموده است: «هر گاه بدی از کسی ببیند، آن را با نیکی پاسخ دهد؛ خشم خود را فرو برد، از گناهان مردم در گذرد و آنها را مورد عفو قرار دهد».^۳

افتادگی آموز اگر طالب فیضی هرگز نخورد آب، زمینی که بلند است اگر چه میان تواضع، ذلت‌پذیری و تملق، مرز باریکی است که اگر به درستی رعایت نشود؛ به ضد ارزش تبدیل می‌شود. مؤلف تفسیر قمی ذیل آیه ۸۸ سوره حجر به نقل از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چنین آورده است: «مَنْ أَتَى ذَا مَيْسِرَةٍ فَتَخَشَّعَ لَهُ طَلَبَ مَا فِي يَدَيْهِ ذَهَبٌ ثَلَاثًا دِينَهٍ؛ کسی که نزد ثروتمندی برود و در برابر او به خاطر به دست آوردن آنچه نزد اوست، فروتنی کند؛ دو سوم دینش از بین می‌رود».

۳. تکریم خلق

هدف از تشکیل جامعه انسانی، قرار گرفتن در مسیر سعادت برای دستیابی به عالی‌ترین مراحل کمال است. کمال انسانی تنها در پرتو همدلی، همراهی و مهربانی اعضای جامعه با یکدیگر و نگاه مثبت به همه اجزا و عناصر جهان هستی میسر است. احترام به مخلوقات خداوند، ریشه در انتخاب درست مسیر سعادت دارد و در این بین توجه به نوع انسانی، مسیر سعادت و کمال را تسریع می‌بخشد. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «أَلَا وَمَنْ أَكْرَمَ أَخَاهُ الْمُسْلِمِ فَإِنَّمَا يُكْرِمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ؛ کسی که

۱. ناصر مکارم شیرازی؛ تفسیر نمونه؛ ج ۱۵، ص ۳۶۷.

۲. حسن بن فضل طبرسی؛ مکارم الاخلاق؛ ص ۲۵.

۳. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۱۲۴.

۴. محمد باقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۷۰، ص ۸۹؛ علی بن ابراهیم قمی؛ تفسیر قمی؛ ج ۱، ص ۳۸۱.

۵. محمد باقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۷۱، ص ۳۰۳.

برادر مسلمانش را گرامی بدارد، خداوند را گرامی داشته است». خدمت به خلق در هر مرتبه و مقامی، عالی‌ترین نمود تکریم انسان برای تحقق جامعه مطلوب است؛ اما کیفیت مواجهه با آن، تابع نوع نگاه افراد به این موضوع است. قرآن کریم می‌فرماید: «لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى؛^۱ بخشش‌های خود را با منت و آزار باطل نکنید». هدف از خدمت و بخشش، به دست آوردن رضایت خداوند و پاداش اخروی است و آزار و اذیت خلق از طریق منت‌گذاری، برجسته‌سازی، در چشم بودن و توقع پاداش دنیوی، با هدف مذکور منافات دارد و اثر آن را نابود می‌کند.

بزرگی داد یک درهم گدا را	که هنگام دعایاد آر ما را
یکی خندید و گفت این درهم خُرد	نمی‌ارزید این بیع و شرا را
چه دادی جز یکی درهم که خواهی	بهشت و نعمتِ ارض و سما را
تو نیکی کن به مسکین و تهیدست	که نیکی، خود سبب گردد دعا را
به وقت بخشش و انفاق، پروین	نباید داشت در دل جز خدا را ^۲

۴. مشورت

یکی از مهم‌ترین مصادیق توجه به کرامت انسانی در سیره سیاسی رسول‌خدا ﷺ، مشورت آن حضرت با اصحاب در جنگ‌هاست. از نمونه‌های مشورت آن حضرت با اصحاب، رفتارشان در جنگ بدر است. زمانی که مسلمانان به قصد مصادره اموال کاروان تجاری قریش که از شام برمی‌گشت، از مدینه بیرون آمدند؛ خبر رسید که سپاه قریش عازم آن منطقه است. با این خبر اوضاع به کلی دگرگون شد و مسلمانان که خود را برای حمله به کاروان تجاری آماده کرده بودند، در مقابل یک لشکر مسلح که از نظر تعداد نیز سه برابر بودند؛ روبرو شدند. در این هنگام رسول‌خدا ﷺ از همراهان پرسید که آیا حاضرند در این شرایط در برابر قریش بایستند یا خیر؟ برخی اصحاب سخنان پراکنده‌ای بیان کردند، اما مخاطب حضرت در اصل انصار بود؛ زیرا

۱. بقره: ۲۶۴.

۲. پروین اعتصامی؛ دیوان اشعار؛ ص ۴۹.

آنها در بیرون مدینه نسبت به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تعهدی نداشتند. در نهایت با اعلام حمایت انصار، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دستور حرکت داد و پرچم جنگ برافراشته شد.^۱ مشورت با اصحاب در جریان جنگ احد، نمونه دیگری از مشورت‌های پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. وقتی خیر لشکرکشی قریش در مدینه به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و مسلمانان رسید، حضرت با مسلمانان مشورت کرد. عده‌ای که تعدادشان اندک بود، معتقد بودند که در مدینه بمانند و از شهر دفاع کنند و گفته‌اند که نظر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز همین بود؛ اما عده‌ای از جوانان و کسانی که در بدر نبودند و برخی بزرگسالان مانند حضرت حمزه و سعد بن عباده اصرار داشتند که در بیرون مدینه با دشمن روبرو شوند تا مبادا متهم به ترس شوند. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نظر اکثریت را قبول کرد و زره جنگ پوشید.^۲ پس از اتمام جنگ و شکست مسلمانان، شبهه‌ای مطرح شد که در این امر، جای مشورت نبوده است. آیه «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ»^۳ در کارها با آنان مشورت کن»، نازل شد تا این شبهه را دفع کند؛ زیرا در هر صورت فایده مشورت، بالا بردن شخصیت مردم و تکریم آنهاست.^۴

۱. عبدالملک بن هشام معافری مصری (ابن هشام)؛ سیره النبویه؛ ج ۱، ص ۶۱۵.

۲. همان، ص ۶۴۴.

۳. آل عمران: ۱۵۹.

۴. ناصر مکارم شیرازی؛ تفسیر نمونه؛ ج ۳، ص ۱۴۲.

فهرست منابع

۱. اعتصامی، پروین؛ دیوان اشعار؛ چاپ هشتم، تهران: ایران زمین، ۱۳۷۹ ش.
۲. جوادی آملی، عبدالله؛ ادب فنای مقربان؛ به کوشش محمد صفایی؛ قم: اسراء، ۱۳۸۲ ش.
۳. حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه؛ چاپ اول قم: مؤسسه آل‌البتیة، ۱۴۱۴ق.
۴. دهخدا، علی‌اکبر؛ لغت‌نامه؛ چاپ اول (دوره جدید)، دانشگاه تهران، تهران: ۱۳۷۳ش.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات الفاظ القرآن؛ تحقیق صفوان عدنان داودی؛ بیروت - دمشق: دارالقلم - دارالشامیه، ۱۴۰۶ق.
۶. طبرسی، حسن بن فضل؛ مکارم الاخلاق؛ قم: شریف رضی، ۱۴۱۲ق.
۷. القزوینی الرازی (ابن فارس)، احمد بن فارس؛ معجم مقاییس اللغه؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق.
۸. قمی، عباس؛ کلیات مفاتیح الجنان؛ چاپ اول قم: اسوه، بی‌تا.
۹. قمی، علی بن ابراهیم؛ تفسیر القمی؛ تحقیق طیب موسوی جزایری؛ چاپ سوم، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۳ ش.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ چاپ اول قم: دارالحديث، ۱۴۲۹ ق.
۱۱. المتقی‌الهندی، علی بن حسام‌الدین؛ کنز العمال فی سنن الأقال و الأفعال؛ الطبعة الخامسة، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۱ق.
۱۲. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار؛ چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۳. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار؛ چاپ هفتم، قم: صدرا، ۱۳۷۶ش.
۱۴. معارفی مصری (ابن هشام)، عبدالملک بن هشام؛ السیرة النبویة؛ تصحیح مصطفی السقا، ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلیبی، بیروت: دارالوفاق، ۱۳۷۵ق.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ با همکاری جمعی از محققان؛ تهران: دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۶۲ ش.

تغافل و خطاپوشی در سیره پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

حجت الاسلام والمسلمین کاظم دلبری*

مقدمه

تغافل، از ارزش‌های اخلاق اسلامی است که در جامعه ما چه از نظر علمی و چه از نظر عملی، به مقدار کافی به آن توجه نشده است. این واژه به معنای چشم‌پوشی از خطاهای دیگران و از بالاترین مراتب عفو و گذشت است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که صاحب خُلق عظیم بود، با بهره‌گیری از این خصلت به تربیت مردم همت گماشت و در عرصه‌های مختلف خانوادگی و اجتماعی و سیاسی از آن بسیار بهره برد. در این نوشتار پس از تبیین مفهوم تغافل و اقسام آن و اشاره‌ای به اهمیت و آثار تغافل، برخی عرصه‌های تغافل در سیره پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را با ذکر نمونه‌های آن بازگو می‌کنیم.

الف. مفهوم تغافل

۱. تغافل در لغت

تغافل، مصدر از ماده «غفل» است. مصدر «غَفَلت»، به معنای سهوی است که به سبب کمی حفظ و هشیاری بر انسان عارض می‌شود.^۱ مراد از غافل در اصطلاح قرآنی، کسی است که به توحید و مسیر هدایت و هدف آفرینش و سرانجام کار خود

* دانش‌آموخته سطح ۳ حوزه علمیه قم.

۱. حسین بن محمد راغب اصفهانی؛ مفردات ألفاظ القرآن؛ ص ۶۰۹.

و آخرت بی‌اعتنا باشد.^۱ بر خلاف غفلت، تغافل به معنای «غفلت عمدی»^۲ و در زبان فارسی با ترکیب‌هایی همچون «خود را به غفلت زدن»،^۳ «نادیده‌انگاری» و «چشم‌پوشی عمدی» برابر است. تغافل، غفلت‌ورزی آگاهانه و از روی مصلحت است؛^۴ مانند تجاهل که به معنای تظاهر به جهل است.

۲. تغافل در اصطلاح

تغافل در اصطلاح، بر «چشم‌پوشی از خطاها و لغزش‌های دیگران» گفته می‌شود.^۵ به عبارتی تغافل، یعنی شخص چیزی را بداند؛ ولی از روی مصلحت، خود را غافل و بی‌خبر نشان دهد یا آن چیز را نادیده انگارد. برای مثال وقتی فرزندان یعقوب نبی علیه السلام، برادرشان یوسف علیه السلام را در چاه انداختند و نزد پدر، گرگ را مقصر شناختند؛ آن حضرت نه با آنان به درستی سخن گفت و نه تکذیب‌شان کرد؛ بلکه فرمود: «بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً فَصَبِرْ جَمِیلاً؛^۶ بلکه نفس شما کاری را برایتان جلوه داده است. اکنون من صبوری نیکو پیشه می‌کنم» و از خداوند یاری خواست. وقتی پیمان‌ه زرین پادشاه را در بار بنیامین یافتند، برادران یوسف علیه السلام بی‌درنگ گفتند: «إِنْ يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ؛ اگر دزدی کرده، پیش از این هم برادرش دزدی کرده است».^۷ در این هنگام یوسف صدیق علیه السلام دلخوری‌اش را از آنان پنهان کرد و با خود گفت: «أَنْتُمْ سَرُّ مَكَاناً وَاللَّهِ أَغْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ؛^۸ شما جایگاه بدتری دارید و خداوند به آنچه توصیف

۱. رک: عبدالله بن عمر بیضاوی؛ *انوار التنزیل*؛ ج ۳، ص ۲۴۲؛ محمد بن شاه مرتضی فیض کاشانی؛ *تفسیر الصافی*؛ ج ۳، ص ۱۵۸.
۲. علی بن اسماعیل ابن سیده؛ *المحکم و المحيط الاعظم*؛ ج ۵، ص ۵۳۰.
۳. فناد افرام بستانی؛ *فرهنگ ابجدی*؛ ص ۲۴۱.
۴. رک: محمد بن حسن ابن‌درید؛ *جمهرة اللغة*؛ ج ۲، ص ۹۵۸؛ اسماعیل بن حماد جوهری؛ *الصحاح*؛ ج ۳، ص ۹۵۳.
۵. رک: ناصر مکارم شیرازی؛ *الاخلاق فی القرآن*؛ ج ۲، ص ۳۳۲.
۶. یوسف: ۱۸.
۷. این اتهام به خاطر آن بود که پیشتر و در ایام کودکی یوسف علیه السلام، عمه‌اش وی را به ناحق به دزدی دستبندی از یعقوب علیه السلام متهم کرده بود.
۸. یوسف: ۷۷.

می‌کنید، دانایتر است»^۱.

۳. رابطه مفهوم تغافل با صفح و حِلْم

واژه روایی تغافل به واژه قرآنی «صَفْح» به معنای ترک سرزنش، نزدیک است.^۲ خداوند متعال در موارد متعددی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و مؤمنان را به عفو و صفح یا به صفح امر کرده است؛^۳ از جمله در آیه ۸۵ سوره حجر می‌فرماید: «فَاَصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ؛ پس به زیبایی چشم‌پوشی کن». صفح جمیل در روایات نیز به عفو بدون عتاب، یعنی سخنان تند و سرزنش‌آمیز تفسیر شده است؛^۴ چنانکه در داستان حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَام وقتی برادران به مقام شامخ برادرشان پی بردند و به اشتباهات گذشته‌شان اعتراف کردند، حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَام نه تنها مجازاتشان نکرد؛ بلکه حتی آنان را سرزنش و توبیخ نیز نکرد و کریمانه فرمود: «لَا تُتْرَبَ عَلَيْكُمْ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ»^۵ امروز بر شما سرزنشی نیست، خداوند شما را می‌آمرزد و او مهربان‌ترین مهربانان است». بنابراین تغافل یا صفح، از مراتب بالای عفو است. از سوی دیگر حقیقت تغافل از جنس حِلْم (یا بردباری) به معنای مهار خشم است؛ چنانکه در روایتی از امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام آمده است: «لَا حِلْمَ كَالْتَّغَاؤِ؛^۶ هیچ بردباری مانند تغافل نیست».

ب. اقسام تغافل

تغافل به دو قسم «تغافل پسندیده» و «تغافل ناپسند» تقسیم می‌شود. تغافل پسندیده، آن است که بجا و در مسیر حق باشد و تغافل ناپسند، آن است که موجب ترک حق و پایمال شدن آن شود. عفو و چشم‌پوشی در جایی پسندیده است که پای حقوق

۱. رک: محمد بن شاه مرتضی فیض کاشانی؛ تفسیر الصافی؛ ج ۳، ص ۳۶؛ علی بن ابراهیم قمی؛ تفسیر القمی؛ ج ۱، ص ۳۴۹.

۲. حسین بن محمد راغب اصفهانی؛ مفردات الفاظ القرآن؛ ص ۴۸۶.

۳. رک: بقره: ۱۰۹؛ مائده: ۱۳؛ نور: ۲۲؛ تغابن: ۱۴؛ زخرف: ۵؛ زخرف: ۸۹.

۴. محمد بن علی صدوق؛ الأمالی؛ ص ۳۳۶ و نیز ص ۷۳؛ فضل بن حسن طبرسی؛ مجمع البیان؛ ج ۶، ص ۵۳۰؛ عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی؛ الدر المنثور؛ ج ۴، ص ۱۰۴.

۵. یوسف: ۹۲.

۶. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی؛ غرر الحکم؛ ص ۷۶۹.

خصوصی افراد در میان باشد و فرد خطاکار مرتکب حرام‌های خدا مثل فحشا، شرابخواری، دزدی و آدم‌کشی نشده باشد که در این صورت، مجال گذشت و نادیده‌انگاری گناه و منکر نیست. امیرالمؤمنین علیه السلام در شرح حالات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مَا انْتَصَرَ لِنَفْسِهِ مِنْ مُظْلَمَةٍ حَتَّى يُنْتَهَكَ مَحَارِمُ اللَّهِ فَيَكُونُ حَيْثُ يُدِ غَضَبُهُ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى؛^۱ برای خودش از ستمی که بر او رفته بود، انتقام نگرفت تا اینکه محارم خدا هتک شود؛ پس در این هنگام غضبش برای خداوند تبارک و تعالی بود». پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگام اعزام معاذ بن جبل به یمن، به او فرمود: «عَلَيْكَ بِالرَّفْقِ وَالْعَفْوِ فِي غَيْرِ تَرْكِ لِلْحَقِّ؛^۲ بر تو باد به مدارا و عفو در غیر مورد ترک حق».

بی‌تفاوتی مرد نسبت به رفتارهای زشت همسر خود^۳ و بی‌تفاوتی کارگزاران سیاسی نسبت به گزارش‌های رسیده درباره ستم‌هایی که بر مردم می‌شود و ارتکاب منکرات از سوی نزدیکانشان، نمونه‌هایی از تغافل ناپسند است که در روایات از آن یاد شده است.^۴ به عبارتی تغافل ناپسند ناشی از عَفْل است که از رذائل اخلاقی است. از آنجا که موضوع این مقاله درباره تغافل پسندیده است، در ادامه مقاله تنها درباره این قسم از تغافل سخن خواهیم گفت.

ج. اهمیت و آثار تغافل

تغافل، از مهم‌ترین پایه‌های همزیستی مسالمت‌آمیز در جامعه است. امام سجاد علیه السلام به فرزندش امام باقر علیه السلام فرمود: «وَاعْلَمْ يَا بَنِيَّ أَنَّ صَلَاحَ الدُّنْيَا بِحَدِّافِيرِهَا فِي كَلِمَتَيْنِ: إِصْلَاحِ شَأْنِ الْمَعَايِشِ مِائَةً مِائَاتٍ ثَلَاثَةٌ وَ ثَلَاثَةٌ فُطْنَةٌ وَ ثَلَاثَةٌ تَعَاْفُلٌ؛^۵ بدان پسر من که صلاح همه دنیا در دو

۱. حسن بن فضل طبرسی؛ مکارم الأخلاق؛ ص ۲۳؛ نیز ر.ک: مسلم بن حجاج؛ صحیح مسلم؛ ج ۴، ص ۱۸۱۴.
۲. علی بن حسن ابن‌شعبه حرانی؛ تحف العقول؛ ص ۲۵.
۳. منسوب به امام رضا علیه السلام؛ فقه الرضا علیه السلام؛ ص ۲۵۲: «الْمُتَعَاْفَلُ عَنْ زَوْجَتِهِ وَ هُوَ الذِّيْوْتُ».
۴. ر.ک: محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغة؛ ص ۴۴۴؛ عبدالحمید بن هبة الله ابن ابی‌الحدید؛ شرح نهج البلاغة؛ ج ۱۷، ص ۱۱۶.
۵. علی بن محمد خزاز قمی؛ کفایة الأثر؛ ج ۱، ص ۲۳۹؛ نیز ر.ک: محمد بن علی صدوق؛ کتاب من لایحضره الفقیه؛ ج ۴، ص ۳۸۷.

جمله است: سامان یافتن اوضاع زندگی‌ها، پیمانۀ پُری است که دو سوم آن زیرکی و یک سومش چشم‌پوشی و غفلت‌نمایی است».

تغافل به عنوان یکی از روش‌های تربیتی، کارایی بسیاری در اصلاح دیگران دارد و در عرصه‌های مختلف مانند تربیت فرزند و متعلّم و نیز در محیط کار و اشتغال می‌توان از آن بهره برد تا فرد به صورت غیر مستقیم به اشتباه خود پی ببرد. این کار مانع تحقیر شدن از سوی دیگران می‌شود و پیامدهایی مانند لجاجت متری و پرده‌داری وی را ندارد. خواجه نصیرالدین طوسی در بحث مراحل تربیت فرزند پس از توصیه به مدح و اکرام فرزند که سبب بروز خواهی نیکی از او می‌شود، توییح و سرزنش صریح فرزند به سبب کار زشت را به شدت نهی و تأکید می‌کند که باید با او به شیوه تغافل رفتار شود تا بر تکرار کارهای زشت جسور نشود.^۱

تغافل سبب خوش‌نامی و افزایش اعتبار و موقعیت اجتماعی انسان نیز می‌شود؛ چنانکه امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «تَغَافَلُ يُحْمَدُ أَمْرُكَ؛^۲ تغافل کن تا کآرت ستایش شود».

د. عرصه‌های تغافل در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به اقتضای خُلق عظیم و قرآنی خود، همواره با نظر پاک خطاپوش خود به دیگران می‌نگریست و با عفو و اغماض و مدارا با آنان رفتار می‌کرد و این، شاه‌کلید موفقیت ایشان در عرصه تبلیغ دین بود. یکی از همسران ایشان می‌گوید:

«كَانَ أَحْسَنَ النَّاسِ خُلُقًا، لَمْ يَكُنْ فَاجِحًا، وَلَا مُتَفَحِّشًا، وَلَا سَخَّابًا بِالْأَسْوَاقِ، وَلَا يُجْزِي بِالسَّيِّئَةِ مِثْلَهَا، وَلَكِنْ يَعْفُو وَيَصْفَحُ؛^۳ پیامبر صلی الله علیه و آله خوش‌خوترین مردم بود. فحش‌دهنده و بیهوده‌گو نبود و در بازارها فریاد نمی‌کشید و پاداش بدی را با ماندش نمی‌داد، لکن گذشت و چشم‌پوشی می‌کرد». با این توضیح، نمونه‌هایی از تغافل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در عرصه‌های گوناگون زندگی بیان می‌کنیم.

۱. رک: نصیرالدین محمد بن محمد طوسی؛ اخلاق ناصری؛ ص ۱۸۴.

۲. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی؛ غرر الحکم؛ ص ۳۲۴.

۳. احمد بن حنبل؛ مسند احمد؛ ج ۴۳، ص ۱۳۱؛ محمد بن عیسی ترمذی؛ الجامع الصحیح؛ ج ۴، ص

۱۳۶؛ نیز رک: محمد بن اسماعیل بخاری؛ صحیح البخاری؛ ج ۸، ص ۲۲-۲۳.

۱. تغافل با اعضای خانواده

تغافل در عرصه روابط خانوادگی و تدبیر منزل، بسیار مهم و ارزشمند و ضامن استحکام و بقای کانون مقدس خانواده است. قرآن کریم از یک سو به مؤمنان هشدار می‌دهد: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَرْوَاحِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! برخی از همسران و فرزندانان، دشمنان شما هستند. از آنان بر حذر باشید»؛ یعنی مبادا همسران و فرزندان با گفتارها و کردارهایشان، خواسته یا ناخواسته شما را از مسیر هدایت دور کنند. از سوی دیگر بی‌درنگ می‌فرماید: «وَإِنْ تَعَفُّوا وَتَصَفَّحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛^۱ و اگر گذشت و چشم‌پوشی کنید و ببخشید، پس خداوند آمرزنده مهربان است»؛ یعنی حتی نسبت به همسران و فرزندان که در واقع دشمن شما هستند، اگر رویکرد گذشت و خطاپوشی را در پیش گیرید؛ بهتر است.

یکی از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی امروز، افزایش طلاق و اختلافات خانوادگی است که ریشه بسیاری از این اختلافات و جدایی‌ها، ترک تغافل و خطاپوشی در روابط خانوادگی است. بی‌شک اگر زن و شوهر آستانه تحمل خود را بالا ببرند و عینک بدبینی و ذره‌بینی را از چشم خود بردارند، دیگر از دیدن کوچک‌ترین اشتباهات شریک زندگی و عمر خود بر آشفته نمی‌شوند و شیوه خطاپوشی و مدارا را در پیش می‌گیرند و بدین‌سان با محبت، خارهای زندگی خود را به گل مبدل می‌کنند. همسر شهید یوسف کلاهدوز - قائم مقام سپاه پاسداران در اوایل جنگ ایران و عراق - می‌گوید:

مشغول کار منزل بودم. حواسم از پسرم حامد پرت شد. یک دفعه از روی صندلی افتاد زمین و سرش غرق خون شد. او را به دکتر رساندم و سرش را پانسمان کردیم. خیلی می‌ترسیدم که مبادا یوسف با من دعوا کند و ناراحت شود که چرا مواظب بچه نبودی؟ وقتی آمد، مثل همیشه سراغ حامد را گرفت. گفتم: «خواهی». بعد هم قضیه را برایش تعریف کردم. فقط گوش داد. آرام آرام چشم‌هایش خیس شد. لبش

۱. تغابن: ۱۴.

را گاز گرفت. بعد گفت: «تقصیر من است که تو را با حامد تنها می گذارم. چاره‌ای ندارم. مرا ببخش!». وقتی این جملات را گفت، خیلی شرمنده شدم.^۱

یکی از برخوردهای کرامت‌آمیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در برخورد با حسادت‌های زنانه‌ای بود که گاه از سوی برخی از همسران‌شان نسبت به برخی دیگر سر می‌زد. برای مثال روزی آن حضرت در خانه یکی از همسرانش بود^۲ که یکی از امهات مؤمنین کاسه طعامی را برای ایشان فرستاد. آن زن - که پیامبر صلی الله علیه و آله در خانه‌اش بود - به جای آنکه خوشحال شود، ناراحت شد و آن‌چنان به دست خدمتکار زد که کاسه از دستش افتاد و دو تکه شد. پیامبر صلی الله علیه و آله بی آنکه عصبانی شود و با آن زن حسود تندی کند، خم شد و قطعات کاسه شکسته را برداشت و در کنار هم گذاشت. سپس در حالی که طعام ریخته را در آن جمع می‌کرد، فرمود: «غَارَتْ أُمَّكُمْ؛ مادرتان [نسبت به هووی خودش] غیرت [حسادت] ورزید!». سپس خادم را نگه داشت و کاسه‌ای سالم از خانه آن زن آورد و به جای کاسه شکسته به خدمتکار داد.^۳

گفتنی است طعام در زبان عربی در درجه اول به نان و گندم و پس از آن به هر چیز خوردنی گفته می‌شود.^۴ در اینجا نیز گویا طعام اهدایی آن زن، همان نان یا چیزی شبیه آن بوده است تا اشکال نشود که چرا پیامبر صلی الله علیه و آله غذای ریخته را در ظرف جمع کرده است؟ البته در این روایت نیز تصریح نشده است که حضرت از آن غذای ریخته تناول کرد؛ بلکه فقط این مطلب آمده است که حضرت غذای ریخته را در کاسه شکسته جمع کرد.

۲. تغافل با زبردستان

تغافل نسبت به خدمتکاران و زبردستان، بخش دیگری از تغافل ارزشمند است که در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نمود بارزی داشته است. برای مثال انس بن مالک ده سال در منزل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خدمت کرد و به گفته خودش، در طول این مدت حتی

۱. زهره شریعتی؛ نیمه پنهان ماه؛ ج ۸، ص ۳۰.

۲. در این روایت، نام این همسر پیامبر صلی الله علیه و آله ذکر نشده است.

۳. رک: محمد بن اسماعیل بخاری؛ صحیح البخاری؛ ج ۸، ص ۱۹۷.

۴. رک: خلیل بن احمد فراهیدی؛ کتاب العین؛ ج ۲، ص ۲۵.

کوچک‌ترین توهینی مانند «أَفْ» - که دلالت بر آزرده‌گی و دلخوری می‌کند - نیز از ایشان نشنید و یا تویخ نشد که چرا چنین کردی یا چرا چنان نکردی؟^۱ وی می‌گوید:

شبی پیامبر ﷺ دیر کرد و من به گمان اینکه ایشان در جایی میهمان است، افطاری ایشان را خوردم. وقتی حضرت آمد، از یکی از همراهانش پرسیدم: «آیا پیامبر ﷺ در جایی افطار کرده یا کسی دعوتش کرده است؟». گفتم: «نه». پیامبر ﷺ فردای آن روز را روزه گرفت و نه از افطارش چیزی از من پرسید و نه پس از آن ذکری از آن به میان آورد.^۲

این الگوی رفتاری را می‌توان به رفتار مدیران با کارگران و کارمندان خود نیز تعمیم داد. مدیران باید به جای سوءاستفاده از قدرت و ستم به زیردستان، به آنان با دیده عفو و اغماض بنگرند و تا حد امکان از خطاهایشان بگذرند؛ زیرا این کار نوعی قدردانی از زحمات آنان است.

۳. تغافل با کفار و منافقان

بخش عظیمی از گذشت و چشم‌پوشی پیامبر اکرم ﷺ در عرصه سیاسی و در برخورد با کفار و منافقان رخ داده است. آن حضرت ضمن برخورد قاطع و سخت با کفار و مشرکان در مواضع متعدد و جهاد با آنان، در برخی مواضع دیگر نیز به حسب مصلحت و به مقتضای اخلاق کریمانه خود، با آنان به شیوه عفو و خطاپوشی برخورد کرده است که در اینجا دو نمونه از آنها را نقل می‌کنیم.

نمونه اول: چشم‌پوشی از مشرکان مکه

رسول‌خدا ﷺ پس از فتح مکه، مشرکان مکه را - که عمری با آن حضرت دشمنی و کینه‌توزی کرده بودند و از هیچ نوع آزار و اذیت زبانی و عملی همچون اصرار بر بت‌پرستی، تهمت، توهین، شکنجه یاران، حصر اقتصادی، نقشه ترور، جنگ تحمیلی و ... در حق آن حضرت کوتاهی نکرده بودند - فرا خواند و ابتدا از خودشان

۱. همان، ج ۹، ص ۲۳۰.

۲. حسن بن فضل طبرسی؛ مکارم الأخلاق؛ ص ۳۲.

نظرخواهی کرد و فرمود: «چه می گوید و چه گمان می برید؟!» آنان گفتند: «ما به تو گمان نیک می بریم و سخن نیک می گوئیم. برادر بزرگوار، پسر برادر بزرگوار و بر ما مسلط هستی». پیامبر صلی الله علیه و آله به آنان فرمود: «فَإِنِّي أَقُولُ كَمَا قَالَ أَخِي يُوسُفُ لَا تَثْرِبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ»^۱ من هم چنانکه برادرم یوسف گفت، می گویم: امروز بر شما سرزنشی نیست، خدا شما را می آمرزد و او مهربانترین مهربانان است». بدین سان پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله نه خونشان را ریخت و نه آنها را حبس و شکنجه و نه حتی ملامت و مؤاخذه کرد؛ بلکه با بزرگواری از صدها و هزاران خطای آنان چشم پوشید و باشکوهترین جلوه عفو و اغماض از اشتباه را در تاریخ آفرید و پاسخ همه بدی‌هایشان را با خوبی داد. مشابه همین برخورد را امیرالمؤمنین علیه السلام نیز با بیعت‌شکنان جمل کرد^۲ و پس از پایان جنگ و پیروزی، حتی آنان را توبیخ و سرزنش نیز نکرد.

نمونه دوم: چشم‌پوشی از منافقان

پس از مشرکان مکه، بخش عظیمی از تغافل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت به منافقان مدینه رخ داد که پیوسته کارشکنی می کردند و با گفتار و رفتار خود پیامبر صلی الله علیه و آله را می آزرندند.^۳ قرآن در مواضع متعددی از جمله در سوره‌های بقره، نساء، توبه، منافقون و احزاب، جریان کارشکنی‌های آنان را بازگو کرده است که خود، عرصه گسترده‌ای است که در این مختصر مجال پرداختن به آن نیست.

۴. تغافل با مردم

بخشی از تغافل پیامبر صلی الله علیه و آله با عموم مردم بود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رفتارهای جاهلانه مردم زمانه خود را تحمل می کرد و با روی گشاده و باز از کنار بسیاری از بی‌ادبی‌ها و بی‌احترامی‌های آنان می گذشت. نقل است روزی پیامبر صلی الله علیه و آله در حال راه رفتن بود و

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ *الکافی*؛ ج ۴، ص ۲۲۵، ترجمه آزاد روایت امام صادق علیه السلام.

۲. ر.ک: قاضی نعمان بن محمد مغربی؛ *شرح الأخبار فی فضائل ائمة الاطهار علیهم السلام*؛ ج ۱، ص ۳۹۳.

۳. برای مثال ر.ک: محمد بن اسماعیل بخاری؛ *صحیح البخاری*؛ ج ۹، ص ۱۱۳؛ احمد بن حنبل؛ *مسند احمد*؛ ج ۳۶، ص ۱۰۲.

ردایی نجرانی با حاشیه‌ای زبر بر دوش داشت. یکی از بادیه‌نشینان عرب، خود را به ایشان رساند و ردایشان را به شدت کشید؛ به‌گونه‌ای که اثر حاشیه ردا بر گردن مبارک آن حضرت ماند. آن بادیه‌نشین گفت: «امر کن از مال خدا که در نزد توست، به من هم بدهند». حضرت بی‌آنکه به آن شخص به دور از ادب و فرهنگ توهینی کند یا بر سرش نهبی زند یا برایش چهره ترش کند، به او توجه کرد؛ خندید و فرمود که عطایی به او بدهند.^۱

۱. محمد بن اسماعیل بخاری؛ صحیح البخاری؛ ج ۵، ص ۲۳۴؛ احمد بن حنبل؛ مسند أحمد؛ ج ۲۰، ص ۲۱.

فهرست منابع

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله؛ شرح نهج البلاغة؛ قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن حنبل، احمد؛ مسند أحمد؛ بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۶ق.
۳. ابن درید، محمد بن حسن؛ جمهرة اللغة؛ بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۷م.
۴. ابن سیده، علی بن اسماعیل؛ المحکم و المحيط الأعظم؛ بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۱ق.
۵. ابن شعبه حرانی، علی بن حسن؛ تحف العقول؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۶. بخاری، محمد بن اسماعیل؛ صحیح البخاری؛ قاهره: وزارت اوقاف مصر، ۱۴۱۰ق.
۷. بستانی، فواد افرام؛ فرهنگ ابجدی؛ چاپ دوم، تهران: اسلامی، ۱۳۷۵ش.
۸. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین؛ دلائل النبوة؛ بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۵ق.
۹. بیضاوی، عبدالله بن عمر؛ أنوار التنزیل؛ بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
۱۰. ترمذی، محمد بن عیسی؛ سنن الترمذی؛ قاهره: دارالحديث، ۱۴۱۹ق.
۱۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ غرر الحکم؛ قم: دارالکتاب الإسلامی، ۱۴۱۰ق.
۱۲. جوهری، اسماعیل بن حماد؛ الصحاح؛ بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۴۰۴ق.
۱۳. خزاز قمی، علی بن محمد؛ کفایة الأثر؛ قم: بیدار، ۱۴۰۱ق.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات ألفاظ القرآن؛ بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
۱۵. سجستانی، ابوداود سلیمان بن اشعث؛ سنن أبی داود؛ قاهره: دارالحديث، ۱۴۲۰ق.
۱۶. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر؛ الدر المنثور؛ قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ق.
۱۷. شریف الرضی، محمد بن حسین؛ نهج البلاغة؛ تحقیق صبحی صالح؛ قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۱۸. شریعتی، زهره؛ نیمه پنهان ماه؛ تهران: روایت فتح، ۱۳۸۴ش.
۱۹. صدوق، محمد بن علی؛ الأمالی؛ چاپ ششم، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ش.
۲۰. _____؛ کتاب من لا یحضره الفقیه؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
۲۱. طبرسی، حسن بن فضل؛ مکارم الأخلاق؛ قم: شریف رضی، ۱۴۱۲ق.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان؛ تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۲۳. طوسی، نصیرالدین محمد بن محمد؛ اخلاق ناصری؛ تهران: علمیه اسلامیة، ۱۴۱۳ق.
۲۴. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ کتاب العین؛ چاپ دوم، قم: هجرت، ۱۴۱۰ق.
۲۵. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی؛ تفسیر الصافی؛ تهران: مکتبة الصدر، ۱۴۱۵ق.

٢٦. قمى، على بن ابراهيم؛ تفسير القمى؛ چاپ سوم، قم: دارالكتاب، ١٤٠٤ق.
٢٧. كلينى، محمد بن يعقوب؛ الكافى؛ چاپ چهارم، تهران: دارالكتب الإسلامية، ١٤٠٧ق.
٢٨. مرتضى زبيدى، محمد بن محمد؛ تاج العروس؛ بيروت: دارالفكر، ١٤١٤ق.
٢٩. مسلم بن حجاج؛ صحيح مسلم؛ تصحيح محمدفؤاد عبدالباقي؛ قاهره: دارالحديث، ١٤١٢ق.
٣٠. مغربى، قاضى نعمان بن محمد؛ شرح الأخبار فى فضائل ائمة الاطهار عليهم السلام؛ قم: جامعه مدرسين، ١٤٠٩ق.
٣١. مكارم شيرازى، ناصر؛ الأخلاق فى القرآن؛ چاپ سوم، قم: مدرسة الإمام على بن أبى طالب عليه السلام، ١٤٢٨ق.
٣٢. منسوب به امام رضا عليه السلام؛ فقه الرضا عليه السلام؛ مشهد: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ١٤٠٦ق.
٣٣. نسائى، احمد بن على؛ سنن النسائى؛ چاپ اول، اردن: بيت الأفكار الدولية، [بى تا].

نگرشی تطبیقی بر وضعیت دینی جامعه پیشا قیام امام حسین علیه السلام و

امام مهدی علیه السلام

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد مهدی لطفی*

مقدمه

در طول تاریخ بشریت، در جوامع دینی همیشه کسانی بوده‌اند که به دلایل گوناگون در برابر تعالیم الهی تاب نیاورده و به دنبال مطامع نفسانی خود رفته‌اند. جامعه اسلامی نیز از این آفت به دور نبوده و گروهی به دنبال فرهنگ جاهلی و احیای آن بودند. علی‌رغم زحمات بسیاری که پیامبر صلی الله علیه و آله برای بنیان نهادن جامعه اسلامی و گسترش آن متحمل شدند، با وفات ایشان وضعیت دین‌داری مردم سیر قهقرایی داشت. از آنجا که حفظ کیان دین و هدایت جامعه به سوی تعالیم حیات‌بخش آن، از وظایف امام است؛ ائمه معصومین علیهم السلام همواره تا حد امکان کوشیده‌اند بنا بر مقتضیات زمانه، به روش‌های گوناگون به این مهم عمل کنند.

در فرهنگ شیعه، «قیام و حماسه حسینی» (عاشورا) و «قیام و انقلاب مهدوی» (ظهور)، از نقاط عطف حیات دینداران و بلکه بشریت به شمار می‌رود. «قیام سرخ حسینی» در پیشینه حیات اسلام، باعث آبیاری شجره طیبه دین و رشد و تعالی آن گردید و «قیام سبز مهدوی» در آینده حیات اسلام، موجب ثمردهی این شجره خواهد شد. یکی از مسائلی که در بررسی این دو جریان تاریخ‌ساز توجه انسان را به خود جلب می‌کند، اشتراکات و شباهت‌های این دو قیام و رهبران آن است که

* دکتری مطالعات تطبیقی ادیان، کارشناس ارشد مهدویت.

پرداختن به آن، به مجالی بیش از حوصله یک مقاله نیاز دارد. از این رو در این نوشتار، به بررسی اجمالی وضعیت دینی جامعه پیش از وقوع این دو قیام می‌پردازیم و آسیب‌ها و آفت‌های جامعه اسلامی در این دو دوره را از جهت دین‌گریزی و دین‌ستیزی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱. حاکمان و خواص فاسد در جامعه پیش‌اقیام حسینی

بعد از آنکه امامت به خلافت تبدیل شد، غیر از زمان محدود حکومت علوی، جامعه اسلامی شاهد رنگ باختن سیره نبوی در طبقه حاکمیت شد تا آنجا که خاندان منفور ابوسفیان بر مسند خلافت نشست. امام حسین علیه السلام درباره آنها فرمود: «از جدم رسول‌خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: خلافت بر خاندان ابوسفیان حرام است».^۱

معاویه، کسی بود که به شیوه پادشاهان بر جامعه اسلامی حکومت می‌کرد، اموال مردم را به ناحق مصادره می‌نمود و مسلمانان و محبان امیرالمؤمنین علیه السلام را به شهادت می‌رساند. بعد از معاویه، فرزندش یزید که فردی فاسق، سگ‌باز^۲ و عیاش بود، خلیفه مسلمین شد.^۳ وقتی یزید به حاکم مدینه دستور داد تا از امام حسین علیه السلام بیعت بگیرد، ولید شخصی را نزد امام فرستاد تا او را برای بیعت به مقر حکومت بیاورد. عبدالله بن زبیر که همراه امام بود، از عکس‌العمل حضرت پرسید و امام علیه السلام در بیان علت عدم بیعت با یزید، او را چنین معرفی فرمود: «یزید مردی فاسق، شراب‌خوار، قاتل انسان‌های بی‌گناه و کسی است که به صورت عیان و آشکار فسق و فجور می‌کند. پس کسی چون من با شخصی مثل یزید بیعت نمی‌کند».^۴

بنا بر گزارش‌های تاریخی، امام حسین علیه السلام برای یاران خود و حرّ خطبه خواند، حکام زمان خود را معرفی کرد و فرمود: «شما می‌دانید این قوم [رژیم اموی] اطاعت شیطان را برگزیده و از طاعت خدای رحمان رویگردان شده‌اند. آشکارا فتنه و فساد می‌کنند.

۱. محمد بن علی صدوق؛ الامالی؛ ص ۱۵۲.

۲. این سخن امام علیه السلام می‌تواند مستندی بر مذمت نگهداری از حیواناتی مثل سگ در خانه که امروزه تبدیل به یک ارزش شده، باشد.

۳. احمد بن یحیی بلاذری؛ أنساب الأشراف؛ ج ۵، ص ۳۱۹.

۴. علی بن موسی ابن طاووس؛ اللهوف علی قتلی الطفوف؛ ص ۲۳.

حدود و احکام خدا را تعطیل نموده‌اند. ثروت ملی و بیت‌المال مسلمین را به انحصار خویش در آورده و حرام خدا را حلال و حلال خدا را حرام کرده‌اند.^۱ افزون بر حاکمان، در میان خواص جامعه نیز افراد بسیاری بودند که به خاطر مقام و منصب و دنیا، از راه و روش پیامبر ﷺ و دستورات قرآن فاصله گرفته بودند. با توجه به تأثیر خواص جامعه بر رفتار عوام و خط سیر جامعه، نمی‌توان از نقش آنان به عنوان یکی از عوامل انحراف جامعه اسلامی و پیدایش مصیبت‌ها در دینداری مردم چشم‌پوشی کرد.

شریح قاضی

وقتی هانی بن عروه را با سر و روی مجروح به زندان افکندند، سربازان و افراد قبیله او قصر عبیدالله بن زیاد را محاصره کردند. ابن‌زیاد که از این مسأله ترسیده بود، شریح را مأمور کرد تا از وضعیت هانی به یارانش خبر دهد. شریح نیز به خاطر ترس از جاسوس عبیدالله و از دست دادن موقعیتش، به افراد قبیله هانی گزارش وارونه داد و از خطر بزرگ حمله به قصر جلوگیری کرد.^۲ شاید اگر شریح این کار را نمی‌کرد، با توجه به اینکه عبیدالله هنوز قدرت نگرفته بود، مردم دارالاماره را تسخیر می‌کردند و بر اوضاع کوفه مسلط می‌شدند. با تسلط انقلابیون نیز زمینه برای ورود و رهبری امام حسین علیه السلام آماده، و مسیر تاریخ عوض می‌شد.

شبهت بن ربیع

شبهت، از مردان هزار چهره تاریخ است که گاهی در جبهه حق و گاهی در جبهه باطل نقش آفرینی کرده است. وی به امام حسین علیه السلام نامه نوشت و از آن حضرت دعوت کرد به کوفه بیاید، اما با تسلط ابن‌زیاد بر اوضاع کوفه نقش بسزایی در متفرق کردن اهالی کوفه از اطراف مسلم بن عقیل ایفا کرد. در روز عاشورا نیز فرماندهی نیروهای پیاده سپاه عمر بن سعد را بر عهده داشت. او پس از واقعه عاشورا به شکرانه شهادت امام علیه السلام، مسجدش در کوفه را که امام علی علیه السلام از نماز خواندن در آن

۱. محمد بن جریر طبری؛ تاریخ الأمم و الملوک؛ ج ۵، ص ۴۰۳.

۲. محمد بن محمد مفید؛ الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد؛ ج ۲، ص ۵۰.

نهی کرده بود، تجدید بنا کرد. او در قیام مختار نیز از سوی عبدالله بن مطیع، به مقابله با مختار پرداخت.^۱

۲. حاکمان و خواص فاسد در جامعه پیشاقیام مهدوی

پیامبر گرامی اسلام ﷺ، حاکمان و خواص جامعه آخرالزمان^۲ را این‌گونه توصیف کرده است:

در این موقع [آخرالزمان] امیران ستمگر، وزیران فاسق، امنای خائن متصدی امور می‌شوند... در این وقت زمام امور آنها به دست کسانی می‌افتد که اگر سخن بگویند، آنها را می‌کشند و اگر خاموش بمانند، کشتن آنها را مباح می‌دانند. برای آنکه حقوق آنها از بیت‌المال را تصاحب کنند و احترام آنها را پایمال سازند و خون‌هایشان را بریزند و دل‌های آنان را پر از دغل و ترس کنند.^۳

امروزه شاهدیم که در برخی جوامع - مخصوصاً جوامع غربی - حقوق اولیه افراد رعایت نمی‌شود و جان انسان‌ها بسیار کم‌ارزش است. در آمریکا یک انسان به جرم رنگ پوستش باید بمیرد و جواب اعتراض به این عمل وحشیانه، چیزی جز کشتار نیست.

۳. انحراف عامه در جامعه پیشاقیام حسینی

جامعه پیشاقیام روزه‌روز از شریعت محمدی دور می‌شد؛ چنانکه امام حسین علیه السلام

۱. ر.ک: ابوالقاسم خویی؛ معجم رجال‌الحديث؛ ج ۹، ص ۱۱؛ ابوحنیفه دینوری؛ اخبار الطوال؛ ص ۲۱۰، ۲۲۹، ۲۵۴ و ۳۰۱.

۲. تذکر سه نکته مهم: الف) روایاتی که درباره آخرالزمان آمده است، به کل جهان نظر دارد و فقط کشورهای اسلامی ملاک نیست. ب) وضعیت ترسیم شده در روایات، وجه غالب جوامع را بیان می‌کند و بدان معنا نیست که همه انسان‌ها و جوامع به این وضع در خواهند آمد. ج) در توضیح بعضی از روایات، مثال‌هایی از وضعیت جهان معاصر زده شده است. این بدان معنا نیست که نویسنده قصد تطبیق علائم ظهور با حوادث جاری را دارد؛ بلکه فقط از باب ملموس شدن روایات است.

۳. علی بن ابراهیم قمی؛ تفسیر القمی؛ ج ۲، ص ۳۰۳؛ محمد بن شاه مرتضی فیض کاشانی؛ تفسیر الصافی؛ ج ۵، ص ۲۴؛ عبدعلی بن جمعه حویزی؛ تفسیر نور‌التقلین؛ ج ۵، ص ۳۴.

فرمود: «آیا نمی بینید که به حق عمل نمی شود و از باطل جلوگیری نمی گردد؟»^۱. حضرت در نامه ای که به جمعی از بزرگان بصره نوشت، به وضعیت نابسامان جامعه اشاره و مردم را به بازگشت از مسیر انحراف و حرکت در صراط مستقیم دعوت کرد و فرمود: «من شما را به خدا و پیامبرش فرا می خوانم. همانا [در جامعه شما] سنت [نبوی] مرده است»^۲.

این روایات حاکی از آن است که عموم مردم گرفتار انحرافات، بدعت ها و دسیسه ها شده و دانسته یا نادانسته از اسلام ناب محمدی فاصله گرفته بودند. دغدغه های مسلمانان تغییر کرده بود و دیگر نسبت به رفتارهای ضد دینی حساسیتی نداشتند.

۴. انحراف عامه در جامعه پیشا قیام مهدوی

در آخرالزمان با دنیایی وارونه مواجه هستیم که ارزش های دینی، به ضد ارزش تبدیل می شوند. روایاتی که ترسیم کننده جهان پیشا ظهور است، بسیارند که از این میان به بخش هایی از یک روایت بسنده می کنیم. ابن عباس می گوید:

در حجة الوداع همراه رسول خدا ﷺ بودیم. ایشان حلقه در کعبه را گرفت، رو به ما کرد و فرمود: «آیا از مقدمات قیامت^۳ به شما خبر بدهم؟». در آن زمان نزدیک ترین فرد به حضرت، سلمان بود که عرض کرد: «آری؛ ای رسول خدا». حضرت فرمود: «نمازها ضایع می شود؛ قلب مؤمن به خاطر منکراتی که می بیند و نمی تواند آن را تغییر دهد، همانند ذوب شدن نمک در آب ذوب می شود؛ جسم آنها جسم انسان ولی قلب هایشان، قلب شیاطین است؛ شخص خائن، امین و امین، خائن شمرده می شود؛ دروغگو را تصدیق و راستگو را تکذیب می نمایند؛ مردان به مردان و زنان به زنان اکتفا می کنند؛ مردان به زنان و زنان به مردان شباهت می یابند و زنان سوار زین ها می شوند. بر این گونه از زنان امتم، لعنت خدا باد»^۴.

۱. حسن بن علی ابن شعبه حرانی؛ تحف العقول عن آل الرسول؛ ص ۲۴۵.

۲. جعفر بن محمد ابن نما حلی؛ مشیر الأحرار؛ ص ۲۷.

۳. در بعضی روایات، علائم ظهور نشان دهنده وضعیت دنیا در آخرالزمان با اصطلاح «اشراط الساعة» (مقدمات قیامت) بیان شده است.

۴. حسین بن محمد تقی نوری؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ ج ۱۱، ص ۳۷۲.

این روایت به خوبی وضعیت دینی و اخلاقی جامعه آخرالزمانی را روشن کرده است. روزه‌خواری علنی، کم‌رنگ شدن نمازهای جماعت، تمسخر مؤمنان، ضرب و شتم و حتی به شهادت رساندن آمران به معروف و ناهیان از منکر، رواج موسیقی و محبوبیت خوانندگان در میان مردم، استقبال از کنسرت‌ها، استفاده نامشروع از ماهواره، بدحجابی و بی‌حجابی، مجالس مختلط عروسی و تولد، پارتنی‌های شبانه، سرو شراب در بعضی از مجالس و هتل‌ها، همجنس‌گرایی و ...، مصداق‌هایی است که امروزه در جامعه ما قابل مشاهده است.

۵. بدعت و تحریف دین در جامعه پیشا‌قیام حسینی

یکی از راه‌های دین‌ستیزی، ایجاد بدعت و تحریف در دین است. بدین ترتیب در حالی که ظاهر و پوسته دین برجاست، از باطن و روح دین خبری نیست. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره بدعت‌گذاران می‌فرماید: «هر گاه پس از من اهل شک و بدعت را دیدید، بیزاری خود را از آنها آشکار کنید ... و مردم را از آنها بر حذر دارید تا از بدعت‌های آنان (چیزی) نیاموزند»^۱. شهرستانی، صاحب کتاب *ملل و نحل* می‌گوید: «تمام مشکلات و گرفتاری‌هایی که بر تاریخ اسلامی گذشته است، چه در عقیده باشد چه در سیاست، سرچشمه آن را در حوادث صدر [اسلام] می‌یابیم»^۲. با کنار گذاشته شدن امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام از جانشینی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که بزرگ‌ترین بدعت و تحریف در دین بود، زمینه مناسبی برای روی کار آمدن امویان ایجاد شد و آنها موفق شدند جایگاهی در دستگاه حکومت اسلامی پیدا کنند. معاویه ابتدا والی سرزمین زرخیز شام و سوریه شد و پس از کشته شدن عثمان به دست مردم، این حادثه را دستاویزی برای رسیدن به مطامع خود قرار داد. وی عثمان را خلیفه شهید نامید و با عَم کردن پیراهن خونین خلیفه، وجهه مظلومیت او را تقویت کرد و بدین ترتیب او که دو عامل ثروت و قدرت را در اختیار داشت، توانست عامل نیرومند دیانت را نیز به دست آورد. معاویه با دروغ‌پردازی، امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام را مقصر ماجرای قتل عثمان

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ *الکافی*؛ ج ۲، ص ۳۷۵.

۲. مرتضی مطهری؛ *حماسه حسینی*؛ ج ۳، ص ۶۶.

جلوه داد و بذر انتقام از امام علی علیه السلام را در دل مردم شام کاشت که ثمره عظیم‌اش را در کربلا^۱ برداشت کرد.^۲

حوادث نخستین بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و نیز جولان بنی امیه، راه را برای دگرگون ساختن تعالیم و ارزش‌ها باز کرد. این انحرافات ادامه یافت تا آنجا که یزید در مقام خلیفه مسلمین محرمان الهی را مرتکب می‌شد،^۳ اما کسی به او اعتراض نمی‌کرد.

۶. بدعت و تحریف دین در جامعه پیشاقدام مهدوی

علی‌رغم اینکه فهم دین، امری مشکل است و درک صحیح آیات و روایات به تخصص‌های زیادی نیاز دارد؛ بسیاری از مردم، روشنفکر مآبانه از مراجعه به علمای دین خودداری، و بنا بر فهم و سلیقه شخصی دین را تفسیر و تأویل می‌کنند. از همین روست که امام صادق علیه السلام رنجی را که امام مهدی علیه السلام برای مقابله با جاهلان متحمل می‌شود، بسیار سخت‌تر از رنج رسول‌خدا صلی الله علیه و آله در دوران جاهلیت معرفی کرده است؛ زیرا «رسول‌خدا صلی الله علیه و آله زمانی برانگیخته شد که مردم سنگ، صخره و مجسمه‌های چوبی را می‌پرستیدند، اما مهدی علیه السلام هنگامی قیام می‌کند که همه مردم برای مقابله با او، به تأویل کتاب خدا و احتجاج به آن متوسل می‌شوند».^۴

از سوی دیگر برخی نیز به نام دین و در لباس دین و به قصد براندازی دین و نظام دینی، تعالیم الهی را وارونه، و آن را مطابق با اهداف خود تفسیر می‌کنند. برای مثال احمد حسن البصری با ساخت، تحریف و تقطیع روایات، خود را فرزند، سفیر و جانشین امام مهدی علیه السلام معرفی می‌کند. جریان تشیع انگلیسی به مقدسات سایر مسلمانان (نه سایر ادیان!) توهین می‌کند و از این طریق موجب اختلاف و تفرقه میان مسلمانان می‌شود. این گروه که به ظاهر مانند همه شیعیان محب اهل بیت علیهم السلام برای امام حسین علیه السلام اشک می‌ریزند، عزاداری می‌کنند، کربلا می‌روند و...؛ اما به جای

۱. البته این کینه و دشمنی افزون بر حادثه کربلا، ثمرات دیگری چون صفین را هم به دنبال داشته است.

۲. مرتضی مطهری؛ حماسه حسینی؛ ج ۳، ص ۱۶ و ۲۲.

۳. جلال‌الدین سیوطی؛ تاریخ الخلفاء؛ ص ۱۶۷؛ سیدمرتضی فیروزآبادی؛ فضائل الخمسة من الصحاح الستة؛ ج ۳، ص ۳۱۹.

۴. محمد بن ابراهیم نعمانی؛ الغیبه؛ ص ۲۹۷.

شعور حسینی، بر شور بدون شعور تأکید می‌کنند و به جای تبلیغ و اشاعه اهداف امام حسین علیه السلام که همان مبارزه با ظلم و فساد بود، کاری با سیاست و اعلام برائت از دشمنان اصلی اسلام و قدرت‌های استکباری ندارند؛ بلکه شعائر حسینی را اموری وهن‌انگیز مانند قمه‌زنی، لطمه‌زنی و... معرفی می‌کنند. آنچه جالب توجه و مهم است اینکه ملکه انگلیس و سران این دولت با صرف هزینه‌های هنگفت و اعطای امکانات به رهبر و طرفداران این فرقه، از آنان حمایت می‌کنند.

۷. انزوای خوبان در جامعه پیشاقیام حسینی

وقتی ارزش‌های یک جامعه به ضد ارزش تبدیل شود و بالعکس، معیارهای سنجش افراد و جای خوب و بد عوض می‌شود؛ چنانکه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «هر گاه دو گروه از امت من صالح شوند، مردم [دیگر هم] صالح می‌شوند و هر گاه فاسد گردند، مردم فاسد می‌گردند: یکی حکام و دیگری علما». ^۱ آن حضرت برای جلوگیری از ورود جریان نفوذ در این دو قشر، در روز غدیر (و البته در موارد متعدد دیگر) زمام حکومت پس از خود را به امام علی علیه السلام سپرد و بارها با گفتن جملاتی مانند «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا»، ^۲ امام علی علیه السلام را مرجع علم و چراغ هدایت قرار داد؛ ولی امت، امام علی علیه السلام را خانه‌نشین کردند. فاطمه علیها السلام که پیامبر صلی الله علیه و آله در حقش فرمود: «از خشنودی فاطمه علیها السلام خدا خشنود، و به واسطه خشم او خدا خشمگین می‌شود. او بزرگ زنان جهان است»، ^۳ شهید شد. امام حسن علیه السلام مجبور شد با طاغوتی همچون معاویه صلح کند و امام حسین علیه السلام نیز به غربتی غمبارتر از غربت پدر، مادر و برادرش گرفتار شد. بعد از آنکه یزید دستور قتل امام حسین علیه السلام را به ولید داد، شبی امام علیه السلام کنار قبر جدش رفت و با آن حضرت این چنین درد دل کرد: «من حسینم پسر فاطمه و پسر تو و پسر دختر تو. من همان سبط تو هستم که مرا در میان امت خود به جای گذاشتی. یا رسول الله! شهادت می‌دهم که این‌ها از من دست برداشتند، مرا

۱. حسن دیلمی؛ *إرشاد القلوب إلى الصواب*؛ ج ۱، ص ۷۰.

۲. محمد بن علی صدوق؛ *عیون أخبار الرضا علیه السلام*؛ ج ۲، ص ۶۶.

۳. حسن دیلمی؛ *إرشاد القلوب إلى الصواب*؛ ج ۲، ص ۲۳۲.

ضایع نمودند و از من محافظت نکردند. این شکایتی بود که من به تو کردم تا هنگامی که تو را ملاقات نمایم»^۱.

این مهجوریت فقط در خاندان وحی خلاصه نشد و همواره مؤمنان راستین و یاران صدیق و باوفای اهل بیت علیهم السلام مورد اذیت و آزارهای فراوانی قرار گرفتند. «معاویه به تمام عاملان خود در تمام بلاد نوشت که شهادت و گواهی هیچ یک از شیعیان امام علی علیه السلام و اهل بیتش را نپذیرند و به دنبال شیعیان عثمان و محبین او و اهل بیت و اهل ولایتش باشند»^۲. بدن میثم تمار را به دار کشیدند و بعد از سه روز که زنده بالای دار بود، از بینی و دهانش خون جاری شد و به شهادت رسید.^۳ سمرة بن جندب، فرماندار بصره، هشت هزار نفر را کشت و می گفت اگر هشت هزار نفر دیگر را نیز به قتل برسانم، باکی ندارم.^۴

۸. انزوای خوبان در جامعه پیشاقدام مهدوی

در روایتی که امیرالمؤمنین علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند، وضعیت جامعه آخرالزمانی به گونه ای ترسیم شده است که دینداران حتی جرأت ندارند آشکارا نام خدا را بر زبان بیاورند: «زمین از ظلم و ستم پر شود تا جایی که نام خدا را در پنهانی به زبان آورند»^۵. در چنین شرایطی است که بنا به فرموده پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله: «افراد با ایمان و صاحبان تقوا در میان ایشان ضعیف خواهند بود، اما افراد فاسق در میان آنها با شخصیت و محترم حساب می شوند»^۶.

نتیجه گیری

جامعه اسلامی پس از پیامبر صلی الله علیه و آله به دلایل گوناگون که از مهم ترین آنها منزوی کردن

۱. محمدباقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۴۴، ص ۳۲۷.

۲. احمد بن علی طبرسی؛ الإحتجاج علی أهل اللجاج؛ ج ۲، ص ۲۹۵.

۳. محمد بن محمد مفید؛ الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد؛ ج ۱، ص ۳۲۵.

۴. احمد بن یحیی بلاذری؛ انساب الاشراف؛ ج ۵، ص ۲۱۱.

۵. محمد بن حسن طوسی؛ الامالی؛ ص ۳۸۲.

۶. تاج الدین شعیری؛ جامع الأخبار؛ ص ۱۲۹.

اهل بیت علیهم السلام بود، دچار انحرافات شد. این کزی‌ها به روند افزایشی خود ادامه داد تا جایی که امام حسین علیه السلام برای اصلاح امت اسلام قیام کرد و در این راه از جان خود، خانواده و یاران صدیق خویش گذشت. اگر چه خون امام حسین علیه السلام و یارانش، حیات اسلام را بیمه کرد و «در این ماه محرم و صفر که ماه برکات اسلامی است و ماه زنده ماندن اسلام است، باید ما محرم و صفر را زنده نگه داریم»،^۱ اما علف‌های هرز بدعت و تحریف همچنان تهدیدی برای جامعه اسلامی به شمار می‌رود؛ به گونه‌ای که «هر روز فاصله مردم از دین خدا و قرآن و روش پیامبر صلی الله علیه و آله بیشتر شده، بسیاری از آموزه‌ها به فراموشی سپرده می‌شود و یا تغییر پیدا می‌کند؛ به طوری که در روایات، قائم آل محمد صلی الله علیه و آله به عنوان زنده‌کننده کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی شده است... امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ... *يُحْيِي السُّنَّةَ وَالْفَرَصَ*؛^۲ احکام اسلام اعم از واجب و مستحب را زنده می‌کند و یا می‌فرماید: *وَيُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ*؛^۳ و او تعالیم فراموش شده قرآن و سنت را زنده می‌سازد».^۴

این شباهت وضعیت دو جامعه پیشا قیام حسینی و پیشا قیام مهدوی و نیز فراهم بودن شرایط، حرکتی انقلابی را به دست این دو امام بزرگوار رقم می‌زند. اگر چه قیام امام حسین علیه السلام به حسب ظاهر شکست خورد، اما با قیام امام مهدی علیه السلام، خون امام حسین علیه السلام و یارانش ثمر بخشیده، «ابره‌های خرافه و انحراف از مقابل خورشید پر فروغ دین کنار زده شده و آموزه‌های اصیل الهی به مردم عرضه می‌گردد [تا جایی که] برخی گمان می‌کنند که ایشان دین جدیدی آورده است».^۵

۱. ر.ک: سیدروح‌الله موسوی خمینی؛ صحیفه امام؛ ج ۱۵، ص ۳۳۰.

۲. علی یزدی حائری؛ *النزام الناصب*؛ ص ۲۴۱؛ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی؛ *ینابیع الموده*؛ ج ۳، ص ۱۹۱.

۳. محمد بن حسین شریف الرضی؛ *نهج البلاغه*؛ تصحیح صبحی صالح؛ خطبه ۱۳۸.

۴. محمد مهدی لطفی؛ *دین جدید در عصر ظهور*؛ ص ۸۰.

۵. همان، ص ۲۳۱.

فهرست منابع

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی؛ تحف العقول عن آل الرسول؛ چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابن طاووس، علی بن موسی؛ اللهوف علی قتلی الطفوف؛ چاپ اول، تهران: جهان، ۱۳۴۸ ش.
۳. ابن نما حلی، جعفر بن محمد؛ مثير الأحران؛ چاپ سوم، قم: مدرسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۶ ق.
۴. بلاذری، احمد بن یحیی؛ أنساب الأشراف؛ چاپ اول، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ ق.
۵. حویزی، عبدعلی بن جمعه؛ تفسیر نورالتقلین؛ تصحیح هاشم رسولی؛ چاپ چهارم، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
۶. خویی، ابوالقاسم؛ معجم رجال الحدیث؛ [بی جا]: مرکز نشر آثار الشیعه، [بی تا].
۷. دیلمی، حسن؛ إرشاد القلوب إلی الصواب؛ چاپ اول، قم: شریف رضی، ۱۴۱۲ ق.
۸. سیوطی، جلال الدین؛ تاریخ الخلفاء؛ چاپ اول، بیروت: دار ابن حزم، ۱۴۲۴ ق.
۹. شریف الرضی، محمد بن حسین؛ نهج البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ چاپ اول، قم: نشر هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۱۰. شعیری، تاج الدین؛ جامع الأخبار؛ چاپ اول، قم: رضی، ۱۴۰۵ ق.
۱۱. صدوق، محمد بن علی؛ الأمالی؛ چاپ پنجم، بیروت: الاعلمی، ۱۴۰۰ ق.
۱۲. _____؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام؛ چاپ اول، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.
۱۳. طبرسی، احمد بن علی؛ الإحتجاج علی أهل اللجاج؛ چاپ اول، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۱۴. طبری، محمد بن جریر؛ تاریخ الأمم و الملوک؛ چاپ دوم، بیروت: دار التراث العربی، ۱۳۸۷ ق.
۱۵. طوسی، محمد بن حسن؛ الأمالی؛ قم: دارالثقافة، ۱۴۱۴ ق.
۱۶. فیروز آبادی، سیدمرتضی؛ فضائل الخمسة من الصحاح الستة؛ [بی جا]: اسلامیه، [بی تا].
۱۷. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی؛ تفسیر الصافی؛ مقدمه و تصحیح حسین اعلمی؛ چاپ دوم، تهران: مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ ق.
۱۸. قمی، علی بن ابراهیم؛ تفسیر القمی؛ تحقیق طیب موسوی جزایری؛ چاپ سوم، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۳ ش.

۱۹. قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم؛ *ینابیع الموده*؛ چاپ اول [بی‌جا]: دارالاسوه، ۱۴۱۶ ق.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب؛ *الکافی*؛ چاپ دوم، تهران: اسلامیه، ۱۳۶۲ ش.
۲۱. لطفی، محمدمهدی؛ *دین جدید در عصر ظهور*؛ چاپ اول قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، ۱۳۹۱ ش.
۲۲. مجلسی، محمدباقر؛ *بحار الأنوار*؛ تهران: اسلامیه، [بی‌تا].
۲۳. مطهری، مرتضی؛ *حماسه حسینی*؛ چاپ بیست و سوم، [بی‌جا]: صدرا، ۱۳۷۴ ش.
۲۴. مفید، محمد بن محمد؛ *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*؛ چاپ اول قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۲۵. موسوی خمینی، سیدروح‌الله؛ *صحیفه امام*؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۸ ش.
۲۶. نعمانی، محمد بن ابراهیم؛ *الغیبه*؛ چاپ اول تهران: صدوق، ۱۳۹۷ ق.
۲۷. نوری، حسین بن محمدتقی؛ *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*؛ قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ق.
۲۸. یزدی حائری، علی؛ *الزام الناصب*؛ [بی‌جا]: مکتبه الرضی، [بی‌تا].

بایستگی‌های پرستاری با تأکید بر سیره حضرت زینب علیها السلام

سمیه مالمیر*

مقدمه

پرستاری، جایگاه با ارزشی در جامعه اسلامی دارد؛ زیرا خدمت به بیمار و تلاش برای سلامتی او از نظر وجدان‌های بشریت، امری ستودنی است. در جامعه اسلامی پرستار صرفاً به خاطر وظیفه شغلی، از بیمار پرستاری نمی‌کند؛ بلکه خدمت به بیمار را وظیفه‌ای الهی می‌داند که خداوند متعال بر دوش وی نهاده است. امام خمینی علیه السلام درباره جایگاه و ارزش پرستار می‌فرماید: «متوجه باشید که این شغل را به جهات مادی آلوده نکنید که هم کار کرده باشید و هم اجر نبرده باشید». ^۱ در طول تاریخ اسلام شخصیت‌های بسیاری مشتاقانه از بیماران مراقبت می‌کردند که نمونه بارز آن، وجود مقدس حضرت زینب علیها السلام است که در واقعه عاشورا، ضمن پرستاری از امام سجاد علیه السلام، از ارزش‌های اسلامی پاسداری کرد و این معنا را نهادینه نمود که پرستاری صرفاً مراقبت از جسم بیمار نیست؛ بلکه در مرتبه بالاتر، مراقبت از ارزش‌های الهی نیز است. در این مقاله با نگاهی به سیره حضرت زینب علیها السلام، به برخی وظایف پرستاران اشاره می‌کنیم.

۱. مسئولیت‌پذیری

پرستار وظیفه‌شناس همواره در تلاش است تا آسایش و راحتی بیمار را فراهم کند.

* دانش‌آموخته حوزه علمیه خواهران و کارشناس ارشد فلسفه و کلام اسلامی.
۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی؛ صحیفه امام؛ ج ۱۲، ص ۲۸۵.

از این رو می‌کوشد تا با گفتارها و رفتارهای نسنجیده، باعث اذیت و آزار بیمار نشود؛ زیرا بیمار به سبب بیماری، مشکلات خاصی دارد که ممکن است با کوچک‌ترین ناراحتی دچار اضطراب و تشویش خاطر شود. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره توجه به بیمار و نهی از آزار و اذیت او می‌فرماید: «ثَلَاثُ دَعَوَاتٍ مُسْتَجَابَةٌ دُعَاءُ الْحَاجِّ فِي تَخَلُّفِ أَهْلِهِ وَدُعَاءُ الْمَرِيضِ فَلَا تُؤْذُوهُ وَلَا تُصِجِرُوهُ وَدُعَاءُ الْمَظْلُومِ»^۱ سه دعا مستجاب است: دعای حاجی برای بازماندگان، دعای مریض؛ پس او را اذیت نکنید و دلتنگ و غمگین مسازید و دعای مظلوم».

تبلور وظیفه‌شناسی و حس مسئولیت نسبت به بیمار در رفتار حضرت زینب عَلَيْهَا السَّلَام، در عصر عاشورا است که وقتی به خیمه‌ها حمله کردند، بانوی کربلا با فداکاری امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام را از میان آتش نجات داد. یکی از سپاهیان لشکر عمر سعد می‌گوید:

هنگام غارت خیم، بانوی بلندقامتی را دیدم که مثل پروانه به گرد یک خیمه آتش گرفته دور می‌زند، گاهی به داخل خیمه می‌رود و گاهی بیرون می‌آید. با سرعت نزد او رفتم و گفتم: ای بانو! مگر شعله آتش را نمی‌بینی؟! چرا مانند سایر بانوان فرار نمی‌کنی؟ با صدایی بغض‌آلود گفت: ای مرد! شخص بیماری در این خیمه داریم که توان نشستن و برخاستن را ندارد. چگونه او را رها کنم، در حالی که آتش از هر سو به طرف او شعله می‌کشد؟^۲

تعهد و مسئولیت‌پذیری حضرت زینب عَلَيْهَا السَّلَام در آن شرایط سخت و طاقت‌فرسای عصر عاشورا و پس از شهادت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام نسبت به امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام، بی‌نظیر است. این رفتار بی‌مانند حضرت زینب عَلَيْهَا السَّلَام درس بزرگی برای پرستاران است که در برخورد با بیمار ضمن حفظ سلامت روانی خود، باید بسیار مسئولانه عمل کنند و مراقبت از بیمار را در اولویت قرار دهند. شخصی به نام مرازم بن حکیم می‌گوید:

با محمد بن مصادف در سفر حج بودم که در مدینه بیمار شدم. وی مرا تنها رها می‌کرد و به مسجد می‌رفت. من نزد پدرش، از وی گله کردم و او نیز ماجرا را با امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در میان گذاشت. آن حضرت به محمد بن مصادف پیغام داد که اگر

۱. سعید بن هبة الله قطب‌الدین راوندی؛ *الدعوات*؛ ص ۳۱.

۲. جمعی از نویسندگان؛ *وفیات الائمه علیهم السلام*؛ ص ۱۵۹.

در خانه می ماندی و از بیمار پرستاری می کردی، ثوابش از عبادت در مسجد بیشتر بود.^۱

تاریخ دفاع مقدس، لبریز از فداکاری پرستارانی است که در وظیفه شناسی و مسئولیت پذیری به بانوی کربلا اقتدا کرده بودند. یکی از پرستاران نمونه دفاع مقدس می گوید: «گاه ضرورت نجات رزمندگان به حدی بود که بانوان امدادگر در هفته سه بار خون می دادند، بدون آنکه غذای کافی برای جبران خون از دست رفته داشته باشند».^۲ پرستاران در دفاع مقدس، نه تنها در ارتباط با رزمندگان اسلام بسیار متعهدانه و مسئولیت پذیر بودند؛ بلکه نسبت به درمان اسرای بیمار و مجروح عراقی نیز با اخلاق انسانی و رأفت اسلامی عمل می کردند.

۲. تقویت روحیه بیمار

بیماری، سبب بروز نگرانی و احساسات منفی در انسان و گاه از بین رفتن روحیه امید در بیمار و تشدید بیماری می شود. برای مثال شیوع ویروس کرونا، باعث خسارت های اقتصادی، ترس در بیماران و آسیب های روانی بسیاری در جامعه شده است؛ چنانکه بنا بر نقل مراجع رسمی، برخی به علت از دست دادن روحیه امیدواری و غلبه افسردگی، از نظر جسمی و روحی دچار آسیب های جدی شده اند. در حالی که امیددهی به بیماران و تأمین آرامش روانی آنان، روند درمان را آسان تر و مدت زمان بیماری را کوتاه تر می کند. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره اهمیت تقویت روحیه بیمار فرموده است: «إِذَا دَخَلْتُمْ عَلَى الْمَرِيضِ فَنَفْسُوا لَهُ فِي الْأَجَلِ فَإِنَّ ذَلِكَ لَا يَرُدُّ شَيْئاً وَهُوَ يُطَيِّبُ النَّفْسَ»^۳ هر گاه بر بیمار وارد شدید، او را به سلامتی و طول عمر امیدوار سازید؛ گر چه این امیدوار ساختن در قضا و قدر مؤثر نیست، ولی بیمار را دلخوش می کند و باعث تسکین و آرامش او می شود».

سیره حضرت زینب عَلَيْهَا السَّلَام در جریان کربلا، الگویی ناب در ایجاد حس امید، بیش

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ *الکافی*؛ ج ۴، ص ۵۴۵.

۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی؛ «تبیین نقش راهبردی پرستاران در دفاع مقدس»؛ ۱۳۹۸/۱۰/۱۱.

<https://www.irna.ir/news/83615331>

۳. محمدباقر مجلسی؛ *بحار الأنوار*؛ ج ۷۸، ص ۲۲۵.

متعالی و تقویت روحیه است. مجلس ابن‌زیاد در کوفه و سخنان کوبنده حضرت زینب علیها السلام در پاسخ به او، نمونه بارز ایجاد حس امید و تقویت روحیه است. وقتی ابن‌زیاد با گستاخی خطاب به حضرت زینب علیها السلام گفت: «حمد و سپاس خداوندی را که شما را رسوا کرد و دورغ شما را آشکار نمود»،^۱ حضرت زینب علیها السلام با صلابت به او فرمود: «وَ إِنَّمَا يَتَّبِعُ الْفَاسِقُ وَيَكْذِبُ الْفَاجِرُ وَ هُوَ غَيْرُنَا؛^۲ فقط شخص فاسق رسوا می‌شود و بدکار دورغ می‌گوید و او، دیگری است؛ نه ما». سپس فرمود: «مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا؛^۳ جز زیبایی چیز دیگری ندیدم».

حضرت با پاسخ‌های کوبنده خود در قصر ابن‌زیاد، ضمن کامل کردن اهداف قیام حسینی، هجمه‌های روحی و روانی دشمن را خنثی کرد و روحیه امیدواری در میان بازماندگان و نگاه ارزشی به جریان کربلا را زنده نگه داشت.

۳. شکیبایی و صبوری

صبوری و حوصله داشتن در برابر مشکلات، همواره در اسلام مورد تأکید ویژه قرار گرفته است؛ چنانکه خداوند خطاب به پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أَوْلُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرُونَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبُثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ بَلَاغٌ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ؛^۴ پس همان‌گونه که پیامبران نستوه صبر کردند، صبر کن و برای آنان شتابزدگی به خرج مده. روزی که آنچه را وعده داده می‌شوند، بنگرند؛ گویی که آنان جز ساعتی از روز را [در دنیا] نمانده‌اند. [این] ابلاغی است؛ پس آیا جز مردم نافرمان هلاکت خواهند یافت؟

تأکید خداوند متعال بر صبر در این آیه و آیات مشابه، به سبب اهمیت این صفت در عرصه زندگی فردی و اجتماعی است؛ زیرا این صفت افزون بر تکامل روح انسانی، لازمه حیات اجتماعی است.

۱. محمد بن جریر طبری؛ تاریخ طبری؛ ج ۶، ص ۲۶۳.

۲. محمد بن محمد مفید؛ الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد؛ ج ۲، ص ۱۱۵.

۳. همان.

۴. احقاف: ۳۵.

منشین ترش از گردش ایام که صبر تلخ است، ولیکن بر شیرین دارد^۱
 صبور بودن در هر شغل و حرفه‌ای، لازم و بایسته است. وجود این صفت در حرفه پرستاری به سبب ارتباط مستمر پرستاران با بیماران، بیش از سایر مشاغل حائز اهمیت است؛ زیرا اگر پرستار در مراقبت از بیمار صبور نباشد، هم به خود و هم به بیمار آسیب می‌رساند و هم در روند درمان وی خلل ایجاد می‌کند. مقام معظم رهبری مدظله‌العالی در توصیف صبر حضرت زینب علیها السلام می‌فرماید:

حضرت زینب علیها السلام فقط این نبود که برادرش را از دست داده بود یا دو فرزندش را یا همه عزیزان و اصحاب را؛ این هم بود که شاید اهمیتش کمتر از آن نباشد که در میان آن همه دشمن، باید بار سنگین اداره و حراست خیمه‌گاه شکست‌خورده، متفرق شده را به عهده گیرد؛ حتی امام سجاد علیه السلام را هم باید اداره کند.^۲
 حضرت در آن شرایط سخت و طاقت‌فرسا، با صبر و شکیبایی کاروان مصیبت‌زده را مدیریت کرد؛ ای بسا اگر صبر و آرامش حضرت در آن شرایط نبود، جمع‌آوری دخترانی که از ترس گریزان بودند، آرام کردن دل مادران داغ‌دیده، ناله‌های کودکان زخمی و از همه مهم‌تر حفظ جان حجت‌خدا، امام سجاد علیه السلام که بیمار بود، امکان‌ناپذیر می‌شد. حضرت زینب علیها السلام از این جهت، الگویی بی‌نظیر برای جامعه پرستاران است؛ زیرا اغلب بیمار به خاطر وضعیت جسمانی، صبر و طاقت معمول را ندارد و ممکن است با بداخلاقی یا برخورد های سرد و تند، پرستاران را تحت تأثیر قرار دهد. در چنین شرایطی است که پرستاران باید با حفظ آرامش و شکیبایی، بیماران را تیمار و محیط سخت و طاقت‌فرسای بیمارستان را به محیطی امن و سرشار از آرامش تبدیل کنند.

۴. رعایت حدود شرعی در ارتباط با بیمار

رعایت ارزش‌های اخلاقی مانند عفاف و حجاب، نه تنها خواسته دین است؛ بلکه فطرت انسانی آن را طلب می‌کند. مطالعه حیات انسانی، گویای آن است که بشریت

۱. مصلح‌الدین سعدی شیرازی؛ گلستان سعدی؛ باب اول در سیرت پادشاهان، حکایت ۱۶.

۲. سیدعلی خامنه‌ای؛ انسان ۲۵۰ ساله؛ ص ۱۶۵.

در طول تاریخ، همواره ارزش‌های فطری را مورد ستایش و تمجید قرار داده است. متأسفانه در عصر حاضر وضعیت انسان امروزی با توجه به اصالت دادن به فضای مجازی، لذت‌محوری، سیالیت ارزش‌های اجتماعی و ...، به‌گونه‌ای شده است که هویت خویشتن را نه در نظام ارزشی متکی بر فطرت، بلکه در جامعه جستجو می‌کند. این مسأله، ارزش‌های فطری و اخلاقی را دستخوش تحولات کرده است که به تدریج، جایگاه متعالی خود را از دست داده است. نتیجه این امر، شیوع آسیب‌های اخلاقی و گسترش ناهنجارهای اجتماعی در جامعه است. ضرورت حل این آسیب‌ها، گویای اهمیت اصول اخلاقی و بازگشت به اخلاق الهی است؛ زیرا سلامت و دوام زندگی اجتماعی، متکی به اصول اخلاقی است. وقتی حضرت موسی علیه السلام علت کنار ایستادن دختران حضرت شعیب علیه السلام از چاه آب را پرسید، آنان گفتند: «لَا نَسْقِي حَتَّى يُصَدِرَ الرِّعَاءُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ»^۱ ما آب نمی‌کشیم تا آنکه چوپان‌ها گوسفندان خود را ببرند و پدر ما، پیری سالخورده است». علامه طباطبایی علت کناره‌گیری دختران شعیب علیه السلام را تعفف و تحجب آنها بیان کرده است.^۲ در تفسیر سوره قصص ضمن تأکید بر این امر، در بیان علت کناره‌گیری دختران شعیب علیه السلام آمده است: «نکات موجود در این آیه نشان می‌دهد که اولاً حریم میان زن و مرد، یک ارزش است که دختران شعیب علیه السلام آن را مراعات می‌کردند. ثانیاً با مردان اختلاطی نداشته باشد و مردی که توان کار داشته باشد، در خانواده نباشد».^۳

بنا بر این آیه شریفه و دیگر آیات مشابه، رعایت اصول اخلاقی و حدود الهی در تعامل میان افراد جامعه، امری لازم و ضروری است. این مسأله به‌ویژه برای گروه‌هایی که به لحاظ شغلی با جنس مخالف در ارتباط هستند، بیشتر مورد تأکید است. پرستاران، یکی از این گروه‌های شغلی هستند که باید دقت کنند تا در شرایطی قرار نگیرند که چه برای خود و چه برای بیمار، خلاف شرعی را ایجاد نمایند. بنابراین باید از برداشتن حجاب یا بیرون آوردن لباس بیمار در حضور نامحرم پرهیز

۱. قصص: ۲۳.

۲. سیدمحمدحسین طباطبایی؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*؛ ج ۱۶، ص ۳۱.

۳. محسن قرآنتی؛ *تفسیر سوره قصص*؛ ص ۴۱ - ۴۰.

کنند. همچنین رعایت ارتباط پرستار هم‌جنس با بیمار بسیار اهمیت دارد؛ زیرا رعایت این مسأله با توجه به اعتقادات مردم، موجب آرامش روانی بیمار می‌شود. یکی از سپاهیان عمر سعد درباره غارت خیمه‌ها می‌گوید:

بارها دیدم که زنی از زنان یا دختران اهل بیت امام حسین علیه السلام را که چادرش از پشت سر گرفته و کشیده می‌شد تا بالاخره زن مغلوب می‌شد. چادر یا لباسش به غارت می‌رفت تا سرانجام به علی بن الحسین علیه السلام که مریض بود، رسیدیم ... و عمر بن سعد آمد. زنان در مقابل او فریاد کشیدند و گریه کردند. او به یارانش گفت: هیچ کدام حق ندارید متعرض این جوان مریض شوید. زنان از او درخواست کردند که لباس‌های غارت شده آنان را بازگرداند تا خود را بپوشانند. عمر بن سعد دستور داد که هر کس چیزی از وسایل ایشان را برده، برگرداند؛ ولی به خدا سوگند هیچ کس چیزی برنگرداند.^۱

اگر چه غارت چادر زنان به معنای نمایان شدن مو و بدن آنان در واقعه کربلا نیست؛ زیرا آنان افزون بر رو اندازهایی شبیه چادر، لباس زیرین دیگری نیز داشتند که موی سر و بدن را می‌پوشاند، اما آنچه مهم است، تقاضای آنان در آن شرایط سخت و طاقت‌فرسا برای حفظ حجاب و عفاف است تا بدین وسیله از حریم خویش محافظت کنند. حضرت زینب علیه السلام در واقعه عاشورا، در نهایت حفظ حدود الهی در مقابل سپاه کفر ایستاد و هیچ کدام از مصیبت‌های جانکاه کربلا، مانعی برای رعایت اصول اخلاقی از سوی ایشان نشد.

۵. فداکاری و ایثار

تحولات معرفتی ناشی از مدرنیته، باورها و اعتقادات انسان‌ها را دگرگون کرده و به رفتارهای اجتماعی رنگ و صبغه دیگری داده است؛ به گونه‌ای که رفتارهای اجتماعی رنگ و صبغه‌ای دیگر به خود گرفته، حفظ منافع شخصی اصالت یافته و در عرصه اجتماع، مبنای عمل قرار گرفته است. این در حالی است که اسلام با توجه به فطرت انسان و سعادت واقعی او، اصول اخلاقی خاصی را تجویز می‌کند که با منافع

۱. محمد بن محمد مفید؛ الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد؛ ج ۲، ص ۱۱۲ و ۱۱۳.

شخصی در تضاد قرار می‌گیرد. حضرت زینب علیها السلام در واقعه کربلا، فداکاری و ایثار را به اوج خود رساند؛ آن‌گونه که در ادامه مسیر امام، یک امام حسین دوم بود؛ اما در پوشش یک زن.^۱ از سویی فرزندان را در راه اسلام و امام زمان خود فدا کرد و پس از واقعه کربلا نیز از ارزش‌های نهضت حسینی پاسداری نمود و از سوی دیگر مراقبت و پرستاری از بازماندگان را به عهده گرفت. این‌گونه رفتارهای ایثارگرانه پر صلابت، از این نظام معرفتی صادر می‌شود که انسان را در زندگانی چند روزه دنیا محصور نمی‌بیند و ارزش او را در تقرب به خداوند متعال می‌داند. اکنون نیز چه بسیارند انسان‌های فداکاری که با تأسی به حضرت زینب علیها السلام رفتارهای مجاهدانه‌ای را در تاریخ ثبت کرده‌اند؛ شهدای مدافع حرم که حتی با وجود جوان بودن، متأهل بودن، فرزند داشتن و ... راهی دفاع از حریم اهل بیت علیهم السلام شدند و در این مسیر از جان خود گذشتند، اما اجازه تجاوز به انسانیت را ندادند. همچنین شهدای مدافع سلامت که با گذشت از تعلقات خویش، با تمام توان در مقابل ویروس کرونا ایستاده‌اند. خانم دکتر شیرین روحانی، یکی از شهدای سلامت است که به علت کمبود نیروی انسانی، شبانه‌روز در بیمارستان شهدای پاکدشت مشغول خدمت بود؛ به‌گونه‌ای که با وجود ضعف و خستگی و در حالی که سرم به دست داشت، بیماران را ویزیت می‌کرد. وقتی از ایشان پرسیدند چرا با وجود این وضعیت، بیماران را ویزیت می‌کنید؟ در پاسخ گفته بود: «همه کارکنان بیمارستان مشغولند و چون نیروی جانشینی نیست، باید می‌آمدم». سرانجام ضعف و خستگی، ایمنی بدنش را تهدید و مبارزه‌اش را با ویروس کرونا سخت‌تر کرد و در نهایت، در راه حفظ سلامت مردم به مقام رفیع شهادت رسید.^۲

نتیجه‌گیری

تحولات فکری و معرفتی که تحت تأثیر جریان‌های غرب‌گرا شکل گرفته است، تغییرات متناسب با فرهنگ خود را در عرصه‌های مختلف جامعه ایجاد کرده است

۱. سیدعلی خامنه‌ای؛ *انسان ۲۵۰ ساله*؛ ص ۱۶۲

۲. خبرگزاری تسنیم؛ «پزشکی که تا آخرین لحظه عمر، خودش را وقف مردم کرد»؛ ۱۳۹۹/۰۱/۱۴

که ارتباط وثیقی با مبانی دینی و بومی ندارد. یکی از این عرصه‌ها، عرصه پرستاری است که با توجه به مبانی غربی، از ارزش‌های متعالی تهی شده و صرفاً شغلی در ارتباط با مراقبت از بیماران در نظر گرفته می‌شود. این در حالی است که اسلام با توجه به اصالت روح و قرار دادن انسان در جایگاه خلیفه‌اللهی، پرستاری را نه یک شغل، بلکه مقامی الهی می‌داند. از این رو شغل مقدس پرستاری با شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی مانند از خودگذشتگی، عفت و پاک‌دامنی، توجه به جسم و روح بیمار، مسئولیت‌پذیری نسبت به سلامت بیماران و رعایت حدود شرعی در نظر گرفته می‌شود. الگوی کامل و بی‌نظیر این شاخص‌ها را می‌توان در وجود مقدس حضرت زینب علیها السلام مشاهده کرد. چه نیکوست که پرستاران، در تمامی لحظه‌ها سیره و روش بانوی بزرگ کربلا را سرمشق و الگوی خود قرار دهند.

فهرست منابع

کتاب

۱. جمعی از نویسندگان؛ *وفیات الائمة علیهم السلام*؛ قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان، ۱۳۸۷ش.
۲. خامنه‌ای، سیدعلی؛ *انسان ۲۵۰ ساله*؛ چاپ اول، قم: مؤسسه فرهنگی هنری ایمان جهادی، ۱۳۹۰ش.
۳. سعدی شیرازی، مصلح‌الدین؛ *گلستان سعدی*؛ تصحیح محمدعلی فروغی؛ تهران: نشر ققنوس، ۱۳۹۸ش.
۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*؛ ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی؛ قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ش.
۵. طبری، محمد بن جریر؛ *تاریخ طبری*؛ ترجمه ابوالقاسم پاینده؛ تهران: اساطیر، ۱۳۶۲ش.
۶. قرائتی، محسن؛ *تفسیر سوره قصص*؛ تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۹۰ش.
۷. قطب‌الدین رواندی، سعید بن هبة‌الله؛ *الدعوات*؛ قم: نشر مدرسه‌الامام المهدی علیه السلام، ۱۴۰۷ق.
۸. کلینی، محمد بن یعقوب؛ *الکافی*؛ تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی؛ چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۹. مجلسی، محمدباقر؛ *بحارالانوار*؛ تصحیح جمعی از محققان؛ چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۰. مفید، محمد بن محمد؛ *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*؛ ترجمه محمدباقر ساعدی خراسانی؛ چاپ اول، تهران: اسلامیه، ۱۳۸۰ش.
۱۱. موسوی خمینی، سیدروح‌الله؛ *صحیفه امام*؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۶۸ش.

سایت‌ها:

۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی؛ «تبیین نقش راهبردی پرستاران در دفاع مقدس»؛ ۱۳۹۸/۰۱/۱۱، کد خبر: ۸۳۶۱۵۳۳۱.
۲. خبرگزاری تسنیم؛ «پزشکی که تا آخرین لحظه عمر، خودش را وقف مردم کرد»؛ ۱۳۹۹/۰۱/۱۴، کد خبر: ۲۲۳۴۳۴۰.

نقش اربعین حسینی در وحدت اسلامی

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سیدمحمد اکبریان*

مقدمه

وحدت اسلامی، یکی از مسائل بنیادین دین اسلام است که بسیاری از ارزش‌های اخلاقی، فقهی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بر پایه آن بنا شده، در آیات^۱ و روایات دینی مورد تأکید قرار گرفته و برخی احکام و تکالیف دینی بر مبنای آن تشریح شده است. همچنین برخی احکام فقهی بر اساس آن، قابلیت تغییر و تبدل می‌یابد. رفع نزاع میان مسلمانان و ظلم بر آنها از سوی دشمنان، جز با چنگ زدن بر ریسمان وحدت میسر نیست. برای رسیدن به وحدت اسلامی باید عناصر ایجاد آن را در میان احکام، تعالیم و مسائل تاریخی جهان اسلام جستجو کرد. یکی از این عناصر، استفاده از ظرفیت‌های شخصیتی امام حسین علیه السلام و قیام آن حضرت و همه حرکات‌ها و نشانه‌های وابسته به آن حضرت است که یکی از مهم‌ترین آنها در زمان حاضر، راهپیمایی عظیم اربعین است. راهپیمایی اربعین در جهت وحدت‌بخشی جهان اسلام، ضمن آنکه می‌تواند بستری برای بهره‌برداری آگاهان و اندیشمندان اسلامی باشد، دشمنان وحدت اسلامی را وحشت‌زده می‌کند؛ از همین روست که دشمنان

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. آل‌عمران: ۱۰۳: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا؛ همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و پراکنده نشوید و به یاد آرید نعمت الهی بر خود را که دشمن بودید و خداوند در دل‌های‌تان آشتی آورد؛ پس با این نعمت الهی برادر یکدیگر شدید».

می‌کوشند با بایکوت خبری این حادثه بزرگ یا بی‌اهمیت جلوه دادن و نیز به انحراف کشاندن آن، از تأثیر آن بر قلوب و روان انسان‌ها بکاهند. اگر چه عظمت این حادثه با حضور ملیت‌های مختلف از سراسر جهان تا آنجاست که علی‌رغم تلاش برای بایکوت خبری، گاهی عظمت این حادثه بزرگ تیر اول خبررسانی‌ها می‌شود؛ برای مثال نشریه آمریکایی «هافینگتون پست» می‌نویسد: «اگر می‌خواهی اسلام حقیقی را بشناسی، به زیارت اربعین برو؛ زیرا مراسم ارزش‌ها و الگوهاست. شمار زائران این تجمع، پنج بار بیشتر از مراسم بزرگ و مهم "کومبه‌میلای" هندوهاست که هر سه سال یک بار برگزار می‌شود. در زلزله هائیتی، وزارت دفاع آمریکا فقط چهار میلیون وعده غذایی داد و در اربعین بیش از دویست میلیون وعده غذایی تهیه می‌شود و همه را خیرین به عهده گرفته‌اند»^۱.

الف. راهپیمایی اربعین در تاریخ و سنت دینی

واژه اربعین در برخی آیات قرآن^۲ آمده و در تمام آنها به معنای چهل یا چله به کار رفته است و در مواردی نیز از نوعی تقدس برخوردار است.^۳ در حدیثی از رسول خدا ﷺ اربعین به معنای چهل آمده است: «إِنَّ الْأَرْضَ لَتَبْكِي عَلَى الْمُؤْمِنِ إِذَا مَاتَ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا»^۴ زمین تا چهل روز از مرگ مؤمن گریان است.

در سنت دینی اسلام، زیارت امام حسین علیه السلام و ثواب و پاداش آن و نیز پیاده‌روی اربعین مورد توجه خاص قرار گرفته است. از سویی در روایات بسیاری بر زیارت خاص امام حسین علیه السلام در مناسبت‌های مختلف مذهبی مانند عید فطر، عید قربان، نیمه شعبان، ماه رجب و رمضان تأکید، و زیارت خاص در روز اربعین فقط برای امام حسین علیه السلام وارد شده است؛ چنانکه امام حسن عسکری علیه السلام فرموده است: «نشانه‌های مؤمن پنج چیز است: نماز پنجاه و یک رکعت (واجب و نافله در طول شبانه روز)،

۱. باشگاه خبرنگاران جوان؛ «بازتاب اربعین در نشریه آمریکایی هافینگتون پست»؛ ۱۲/۰۹/۱۳۹۳.
<https://www.yjc.ir/fa/amp/news/5060989>

۲. رک: بقره: ۵۱؛ مائده: ۲۶؛ احقاف: ۱۵.

۳. اعراف: ۱۴۲.

۴. محمد بن حسن طوسی؛ *الامالی*؛ ص ۵۳۵.

زیارت اربعین امام حسین علیه السلام، انگشتر در دست راست نمودن، پیشانی بر خاک گذاردن و بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحيم در نمازهای جهریه (صبح، مغرب و عشاء)»^۱.

از سوی دیگر ثواب و پاداش بسیاری برای پیاده روی جهت زیارت در روایات بیان شده است؛ چنانکه امام صادق علیه السلام درباره ثواب و پاداش زیارت خانه خدا با پای پیاده که سابقه تاریخی آن به حضرت آدم علیه السلام می‌رسد،^۲ می‌فرماید: «یک حج با پای پیاده، برابر هفتاد حج است».^۳ در بیش از ۱۰ روایت، پاداش بسیاری برای زیارت امام حسین علیه السلام با پای پیاده بیان شده است که از جمله می‌توان به آمرزش گناهان، تنزه و تهذیب در برداشتن هر قدم، از بین رفتن بدی‌ها و گناهان در قدم اول و نوشتن نیکی‌ها و خوبی‌ها در قدم دوم، دفع بلا در دنیا و آخرت، رفع حوائج دنیوی، مصونیت از آتش جهنم^۴ و ... اشاره کرد. به تاسی از این احادیث، زیارت با پای پیاده میان علما، بزرگان، حکام و مردم مرسوم شد. مرحوم آخوند خراسانی، مرحوم شیخ انصاری، میرزا حسین نوری رحمته الله علیه و...، از جمله عالمانی هستند که به تشریف با پای پیاده، اهتمام خاصی داشتند. حاکمان حکومت‌های شیعی از جمله جلال‌الدوله آلبویه نیز بوده‌اند که از خندق شهر کوفه تا قبر امیرمؤمنان علیه السلام را پیاده پیمودند.^۵

ارزش و پاداش زیارت خاص اربعین و ارزش زیارت با پای پیاده به سوی قبر مطهر امام حسین علیه السلام سبب شده هر سال در ایام اربعین، اجتماع عظیم و باشکوهی از میلیون‌ها انسان عاشق به وجود بیاید که ریشه تاریخی آن به ۱۴ قرن پیش باز می‌گردد؛ زمانی که جابر بن عبدالله انصاری به عنوان اولین زائر قبر سیدالشهداء علیه السلام در روز اربعین، نام خود را در تاریخ ثبت کرد و اسیران آزاد شده کربلا نیز در روز اربعین به آنجا رسیدند.

۱. محمد بن محمد مفید؛ مناسک المزار؛ ص ۵۳.

۲. فاضل دربندی؛ أسرار الشهاده؛ ص ۱۳۶.

۳. محمد بن علی صدوق؛ کتاب من لا یحضره الفقیه؛ ج ۳، ص ۵۳.

۴. جعفر بن محمد ابن قولویه؛ کامل الزیارات؛ ص ۱۴۵-۱۴۲.

۵. عبدالرحمن بن علی ابن جوزی؛ المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم؛ ج ۸، ص ۱۱۵.

ب. ظرفیت قیام حسینی در ایجاد وحدت اسلامی

قیام امام حسین علیه السلام، دارای ظرفیت‌های ویژه‌ای در تاریخ اسلام برای ایجاد وحدت اسلامی است که مشابه آن در دیگر جریان‌های تاریخی وجود ندارد. برخی از این ظرفیت‌ها عبارتند از:

۱. قیام امام حسین علیه السلام، قیامی حق‌طلبانه و عدالت‌خواهانه و مبارزه با ستم، فساد، منکر، تحریف دین و بر محور تعالیم قرآن بوده است. این عناصر نه تنها مورد تأکید دین، بلکه با فطرت پاک انسانی نیز همسو و مطلوب همه انسان‌هاست. بنابراین قیام امام حسین علیه السلام، بر محور دین اسلام و مطلوب تمام مسلمانان و بلکه تمام ادیان و مذاهب آسمانی و حتی انسانی است؛ از این رو می‌تواند همه مسلمانان را به سوی خود جلب کند.

۲. امام حسین علیه السلام همراه برادر و خواهرش، تنها نوادگان پیامبر صلی الله علیه و آله و بلکه بر طبق روایات صحیح، فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله بودند.^۱ محبت ویژه پیامبر صلی الله علیه و آله به آنان در روایات شیعه و اهل سنت، از ظرفیت‌هایی است که تنها مخصوص به آنهاست.

۳. نوع ظلم و ستم و جفایی که بر امام حسین علیه السلام و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله روا شده است، در تاریخ اسلام بی‌سابقه است. توجه به بُعد رثا و مظلومیت آن حضرت، همواره مورد تأکید پیشوایان دینی بوده است؛ از همین روست که آگاهی از مظلومیت آن حضرت، ظلم‌های بر ایشان و نیز پایداری و مقاومت آن حضرت در مقابله با ظلم، توجه و همدلی بسیاری از مسلمانان و انسان‌های حق‌پرست را به خود جلب کرده است.

۴. یکی از موارد اتفاق نظر در میان شیعیان و بسیاری از بزرگان اهل سنت در طول تاریخ، تعظیم و بزرگداشت قیام امام حسین علیه السلام و لعن و تخطئه قاتلان و دشمنان آن حضرت بوده است؛ آن‌گونه که برخی از بزرگان اهل سنت آن را اجماعی دانسته‌اند.^۲ برگزاری مراسم عزاداری برای آن حضرت هم در میان شیعیان و هم در میان اهل سنت در بسیاری از کشورها و در طول تاریخ، به عنوان یک سنت مردمی و دینی

۱. محمد بن علی ابن شهر آشوب؛ مناقب آل ابیطالب علیهم السلام؛ ج ۲، ص ۱۶۹.

۲. سعدالدین تفتازانی؛ شرح العقائد النسفیة؛ ص ۱۰۳.

جریان داشته است؛^۱ اگر چه گاه تقابل‌هایی در طول تاریخ در این مراسم نیز به وجود آمده است. امروز نیز دشمنان می‌کوشند با توطئه و هزینه‌کرد تبلیغاتی، رسانه‌ای و تزریق ثروت و نیز ایجاد و پرورش عناصری در میان شیعیان و اهل سنت و با بهره‌گیری از ناآگاهی و تحریک برخی شیعیان در مراسم‌های مختلف از جمله عزاداری‌ها، این تقابل را بیشتر کنند که طرد و از بین بردن این نوع حرکت‌ها و تحریک‌ها، هوشیاری تمام مسلمانان را می‌طلبد.

این ظرفیت‌ها و عناصر و موارد دیگر مانند آنها در نهضت عاشورا، امام حسین علیه السلام را در کانون توجه تمام مذاهب اسلامی و حتی غیر اسلامی قرار داده است و اجتماع اربعین، یادآور آن قیام و آزادگی انسان‌ها و تبلور ارزش‌های عاشورایی و برآورنده وحدت اسلامی، بلکه وحدت انسانی و فرا ادیانی است.

ج. عناصر وحدت در راهپیمایی اربعین

پیاده‌روی اربعین به دلیل شاخصه‌ها و عناصر متعددی که در آن وجود دارد، همانند حج ابراهیمی از پتانسیل بسیار زیادی برای ایجاد همدلی، همبستگی و وحدت جهان اسلام برخوردار است. اگر چه حج ابراهیمی به دلیل وجوب دینی، مرکزیت توحید، تصریح آیات قرآن، وجود کعبه و بیت‌الله، دارای جایگاه و ویژگی انحصاری است؛ اما امروزه راهپیمایی اربعین به گونه‌ای توسعه یافته که انسان‌های بیشتری را از ادیان و مذاهب مختلف در خود جای داده است و از این زاویه می‌توان آن را همانند مسأله اعتقاد به ظهور منجی دانست که خواسته فراگیر اغلب مذاهب و ادیان است.

ظرفیت‌ها و عناصر اربعین را می‌توان در موارد متعددی بر شمرد. رهبر معظم انقلاب در اجتماع دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین علیه السلام، برخی از این ظرفیت‌ها را چنین بیان کرده است:

امروز هم در دنیای پیچیده پُر تبلیغات و پُر هیاهویی که بر بشریت حاکم است، این حرکت اربعین یک فریاد رسا و یک رسانه بی‌همتا است. چنین چیزی وجود ندارد دیگر در دنیا، اینکه میلیون‌ها انسان راه می‌افتند؛ نه فقط از یک شهر یا یک کشور

۱. ر.ک: سیدمحمد اکبریان و محمدرضا بهروز؛ پرسمان محرم؛ ص ۱۲۴ - ۱۳۷.

[بلکه] از کشورهای مختلف و نه فقط از یک فرقه اسلامی [بلکه] فرقی مختلف اسلامی و حتی بعضی ادیان غیر اسلامی. این وحدت حسینی [است]. شما به درستی گفتید: «الحسین یجمعنا»، حقیقتاً این جور است. حسین علیه السلام، اجتماع عظیمی را درست می‌کند. این دل‌ها با هزاران گام در راه است، همه حرکت می‌کنند، همه راه می‌افتند به سمت آن معدن و سرچشمه معنویت و آزادگی و این را به رخ دنیای مادی امروز می‌کشند.^۱

برخی عناصر مورد اشاره در این سخنان، عبارتند از: حسینی بودن حرکت؛ مردمی بودن آن؛ فرا مذهبی؛ معنویت و خلوص.

۱. عشق حسینی

ظرفیت قیام حسینی با همه عناصر بیان شده، موجب بروز عشق حسینی در دل تمام عاشقان و آزادگان از تمام ادیان و مذاهب می‌شود. این عشق در قوا و نیروهای محرکه انسان به جریان می‌افتد و موجب حرکت و جنبش عظیم می‌شود که راهپیمایی عظیم اربعین، در واقع تبلور آن عشق و آفرینش آن جنبش عظیم و یکپارچه است. این همان معنای «عشق حسینی» است که انسان‌های مختلف را دور هم جمع کرده است (حب الحسین یجمعنا).

این ظرفیت‌ها نقش اساسی در ایجاد حرکت اربعین دارند؛ یعنی عنصر حق‌طلبی، آزادگی، مبارزه با ظلم و انتساب آن به خاندان رسالت، انگیزه‌های اصلی در حرکت اربعین است؛ افزون بر ثواب و پاداش الهی و رستگاری در دنیا و آخرت که همگان را بر محور حسین علیه السلام دور یکدیگر جمع، و میان آنان همبستگی ایجاد کرده است. نهضت حسینی با عناصر خود، موجب آفرینش عشق حسین علیه السلام در دل عاشقان شده و این عشق، همه را در آن راهپیمایی عظیم دور هم جمع کرده است.

۲. مردمی بودن

یکی از ویژگی‌های حرکت اربعین، مدیریت و اجرای آن توسط خود مردم است. در

۱. بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین علیه السلام، ۱۳۹۸/۰۷/۲۱.

مناسک عزاداری و حرکت اربعین، خودجوش بودن، چرخه اقتصادی مردم‌نهاد و توزیع نقش‌ها میان کنشگران مردمی سبب شده تا نوع این آیین، مردمی باشد^۱ که برخی نیز آن را «مدیریت هیأتی» نامیده‌اند. این نوع مدیریت دارای ویژگی‌هایی همچون خودجوشی، عاطفی، داوطلب‌پذیر، توانایی محور، ثواب‌طلب، هماهنگی و تعهد است.^۲ مدیریت این اجتماع توسط خود مردم و مسئولیت‌پذیری آنان، ضمن فراهم کردن امکان و پایداری این حرکت عظیم، موجب همدلی و همبستگی بیشتر میان آنان می‌شود؛ زیرا مردم این حرکت عظیم و شرکت‌کنندگان در آن را جزئی از زندگی خود می‌دانند. این مسأله موجب نزدیک‌تر شدن بیشتر دل‌های مردم به یکدیگر و وحدت و همدلی و عشق میان انسان‌ها می‌شود.

۳. فرامذهبی بودن

میراث جهان اسلام، متعلق به تمام جهان اسلام است و نباید آن را در فرقه یا مذهب خاصی منحصر کرد. برای آنکه اربعین در وحدت جهان اسلام ایفای نقش کند، باید آن را از حالت انحصاری مذهب شیعی بیرون آورد و متعلق به تمام جهان اسلام دانست. فرامذهبی بودن شعائر و مراسم دینی را می‌توان اساسی‌ترین عنصر برای ایجاد همبستگی میان مذاهب مختلف جهان اسلام دانست که این مسأله در مورد گردهمایی حج، کاملاً آشکار است. اکنون راهپیمایی اربعین نیز علی‌رغم برخی حرکت‌ها و رفتارهای ناآگاهانه از سوی برخی عناصر شیعی برای انحصارطلبی مذهبی در آن و ایجاد ذهنیت منفی برای مذاهب دیگر اسلامی نسبت به آن، شکل حرکتی فرامذهبی و حتی فرادینی به خود گرفته و پیروان مذاهب دیگر اسلامی و حتی ادیان دیگر را نیز در خود جمع کرده است.

محور قرار گرفتن امام حسین علیه السلام و الگوی آن حضرت در مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی، این امکان را فراهم آورده است تا برخی ادیان و مذاهب دیگر نیز این حرکت عظیم

۱. سیدمحمد موسوی و رضا بیات؛ «کاوشی در آیین پیاده‌روی اربعین حسینی و اثرگذاری کارکردهای

اجتماعی و سیاسی»؛ دوفصلنامه نامه فرهنگ و ارتباطات؛ ص ۱۰۱.

۲. همان.

را حرکتی از خود بدانند و در این راهپیمایی عظیم شرکت کنند. انحصارطلبی و آشکار کردن اختلاف‌های شیعی با مذاهب و ادیان، به وحدت‌آفرین بودن این حرکت عظیم ضربه می‌زند؛ چنانکه برخی رفتارهای تفرقه‌انگیزی که به ندرت نیز رخ می‌دهد، مورد توجه رسانه‌ای تبلیغاتی دشمنان قرار گرفته است و آنها کوشیده‌اند با برجسته کردن این رفتارها، زمینه‌های دشمنی و اختلاف در میان امت اسلامی را فراهم کنند. این انحصارطلبی و رفتارهای تفرقه‌نگیز موجب می‌شود این حرکت عظیم به جای آنکه عامل مهمی برای ایجاد همبستگی جهان اسلامی باشد، به عاملی برای تخریب وحدت اسلامی تبدیل شود.

۴. فراملی بودن

یکی از عناصر مهم در ایجاد وحدت میان انسان‌ها و مذاهب، نادیده شدن هر گونه رنگ انحصار و تعلق است؛ خواه رنگ مذهبی باشد یا رنگ نژاد، کشور، ملت، زبان و... . این عنصر در حرکت جهانی اربعین نیز وجود دارد. وجود همه فرهنگ‌ها، ملت‌ها، نژادها و مذاهب، آن را به صورت یک راهپیمایی عظیم وحدت‌آفرین در آورده است. تعلق نداشتن این حرکت عظیم به ملت یا دولتی خاص، سبب همراه شدن دل‌های بسیاری با این حرکت عظیم شده است. تظاهر ملی و ملیت‌خواهی همانند انحصارطلبی مذهبی، می‌تواند یکی از آسیب‌های جدی برای ایجاد تفرقه باشد. مذهب و ملیت، همواره دو عنصر مهم برای ایجاد تفرقه در میان ملت‌های اسلامی و غیر اسلامی از سوی استعمارگران بوده است. برای باطل کردن نقشه‌های دشمنان در ایجاد تفرقه میان امت اسلامی، در راهپیمایی اربعین باید بُعد فراملی و فرامذهبی بودن آن برجسته‌تر و بستر میدانی و عملی آن را هر چه بیشتر فراهم شود.

۵. معنویت و خلوص

مادی‌گرایی و نگاه سودجویانه و منفعت‌طلبانه به هر چیزی، موجب ایجاد تفرقه در انسان‌ها می‌شود. همه جنگ‌ها و اختلاف‌ها در طول تاریخ، برای به دست آوردن سود و منفعت و سرمایه بیشتر است. همبستگی، انسجام و همدلی زمانی به وجود می‌آید که افراد فقط به دنبال سود و منفعت خویش نباشند. راهپیمایی بزرگ اربعین،

اوج قله کمال همدلی و همبستگی است. انسان‌ها در این حرکت نه تنها به فکر سود و منفعت‌طلبی نیستند؛ بلکه منافع مادی خود فدای رونق بخشیدن به این حرکت می‌کنند. یکی از زیباترین تصاویر این مراسم، سبقت گرفتن مردم به‌ویژه مردم عراق از یکدیگر برای خدمت‌رسانی به دیگران است. آنان از نظر مادی و معنوی هر چه در توان دارند، در طبق اخلاص می‌نهند و به زائران حسینی تقدیم می‌کنند. همگان در راهپیمایی بزرگ اربعین به دنبال برگزاری هر چه باشکوه‌تر این راهپیمایی عظیم هستند؛ اگر چه گاهی متأسفانه برخی نمادها و رفتارها بوی تظاهر و نمایان ساختن خود دارد؛ مانند نشانه‌های تبلیغی برخی مراجع بر روی عمودها که در کنار تبلیغات فروش برخی محصولات قرار می‌گیرد، ذهن انسان را به تشابه‌سازی و می‌دارد که شاید این نشانه‌ها نیز نوعی تبلیغ باشد. این تشابه‌سازی ذهن با توجه به سوابق آن رسانه مذهبی و رگه‌های اتصال آن به برخی مراکز خاص قدرت چندان استبعاد ندارد؛ در حالی که آیت‌الله سیستانی، مرجع عظیم عراق که از محبوبیت خاصی در قلوب مردم عراق برخوردار است و نقش تأثیرگذاری در برگزاری این راهپیمایی عظیم دارد، هیچ نشان انحصاری در این مسیر ندارد.

۶. یگانگی و یک‌نواختی نمادها

معنویت و خلوص در این حرکت عظیم، موجب می‌شود که همه نمادها، عاشورایی و به دنبال ارائه تصویری از عظمت امام حسین علیه السلام و قیام آن حضرت باشد؛ حتی حضور مسیحیان با نماد مسیحیت یا هر نماد خاص دیگری، صرفاً برای نشان دادن عشق به امام حسین علیه السلام و بیان حقانیت آن حضرت باشد. در واقع نماد او، تبلیغ مسیحیت نیست؛ بلکه تبلیغ و اعلام حقانیت امام حسین علیه السلام و عشق به آن حضرت است. هر گونه نشان از خود در این مراسم حتی اگر اندک و کوچک باشد، از جمله آسیب‌هایی است که می‌تواند به این حرکت عظیم، انسجام و وحدت جهانی آن آسیب برساند.

۷. تبلور خصلت‌های انسانی

تمام انسان‌ها بر فطرت الهی و خصلت‌های پاک انسانی آفریده شده‌اند و همین

مسأله، یکی از علل نزدیکی انسان‌ها به یکدیگر علی‌رغم تکثر نژادها، ملت‌ها و دین‌هاست. فضایل کلی اخلاق در میان همه ملت‌ها، یکسان است. هر انسانی از هر دین و آیین و ملتی، آزادی، یاری ستم‌دیدگان، مبارزه با ظلم، وفای به عهد، ایستادگی و مردانگی و ... را می‌ستاید؛ حتی اگر خودش از این خصلت‌ها و ارزش‌ها برخوردار نباشد. عاشورای حسینی، تبلور این ویژگی‌های پاک انسانی است و حرکت عظیم راهپیمایی اربعین، به نمایش گذاشتن ارزش‌های عاشوراست. بنابراین این ویژگی می‌تواند عامل مهمی برای ایجاد همبستگی جهان اسلام و بلکه همه ملت‌ها باشد.

فهرست منابع

کتاب

۱. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی؛ *المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم*؛ بیروت: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۱۲ق.
۲. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی؛ *مناقب آل أبیطالب*؛ چاپ اول، قم: علامه، ۱۳۷۹ق.
۳. ابن قولویه، جعفر بن محمد؛ *کامل الزیارات*؛ تهران: نشر صدوق، ۱۳۷۵ش.
۴. اکبریان، سیدمحمد و محمدرضا بهروز؛ *پرسمان محرم*؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۴ش.
۵. تفتازانی، سعدالدین؛ *شرح العقائد النسفیة*؛ تحقیق احمد حجازی سقا؛ قاهره: مکتبه الکلیات الأزهریه، ۱۴۰۷ق.
۶. دربندی، فاضل؛ *أسرار الشهاده*؛ تهران: طوبای محبت، ۱۳۹۲ش.
۷. صدوق، محمد بن علی؛ *کتاب من لایحضره الفقیه*؛ چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۸. طوسی، محمد بن حسن؛ *الأمالی*؛ تصحیح مؤسسة البعثة؛ چاپ اول، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ق.
۹. مفید، محمد بن محمد؛ *مناسک المنار*؛ تصحیح محمداقر ابطحی؛ چاپ اول، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.

مقالات:

۱. موسوی، سیدمحمد و رضا بیات؛ «کاوشی در آیین پیاده‌روی اربعین حسینی و اثرگذاری کارکردهای اجتماعی و سیاسی آن»؛ *دوفصلنامه نامه فرهنگ و ارتباطات*؛ سال سوم، شماره اول، پاییز و زمستان، ۱۳۹۷ش.

سایت‌ها:

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای مدظله‌العلی
۲. باشگاه خبرنگاران جوان؛ «بازتاب اربعین در نشریه آمریکایی هافینگتون پست»؛ ۱۳۹۳/۰۹/۱۲، کد خبر: ۵۰۶۰۹۸۹.

شاخص‌هایی از مکتب اخلاقی امام رضا علیه السلام

حجت‌الاسلام والمسلمین صادق مشکاتی*

مقدمه

آدمی دوستدار کمال و فضیلت‌های انسانی است و به افراد آراسته به فضایل و زیبایی‌های معنوی و حقیقی، عشق می‌ورزد و دوست دارد با الگو گرفتن از آنها، رفتارهای فردی و اجتماعی خویش را سامان دهد. از همین روست که اسلام با توجه به شناختی که از ماهیت انسان و سعادت او دارد، الگوهای برجسته‌ای را برای رشد و تعالی او قرار داده است. در مکتب اخلاقی اسلام که همه پیشوایان معصوم آن الگوهای بی‌نظیر اخلاق نیکویند، مکتب اخلاقی امام رضا علیه السلام یکی از پربرترین مکتب‌های اخلاقی است؛ زیرا آن حضرت به سبب اوضاع و احوال روزگار خویش در شرایط مختلفی قرار گرفت و در هر جایی به مناسبت‌ها و شرایط گوناگون، سخنان و رفتارهای ویژه آن شرایط از آن حضرت نقل شد که در نوع خود کم‌نظیر است. در این مقاله نمونه‌هایی از مکتب اخلاقی امام رضا علیه السلام همچون خوش‌خلقی، ساده‌زیستی، دستگیری از نیازمندان، تواضع و فروتنی بررسی می‌شود.

خوش‌خلقی

جامعه مطلوب در اسلام بر اساس محبت مردم به یک‌دیگر شکل می‌گیرد. اسلام می‌خواهد جامعه‌ای بسازد که همه مردم یک‌دیگر را برادر خود بدانند و نسبت به یک‌دیگر خوش‌اخلاق باشند. چنانکه خداوند متعال در قرآن کریم خطاب به

* کارشناس ارشد فلسفه علوم اجتماعی.

پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ»^۱ [ای پیامبر!] پس به مهر و رحمتی از سوی خدا با آنان نرم‌خوی شدی و اگر درشت‌خوی و سخت‌دل بودی از پیرامونت پراکنده می‌شدند. بر اساس این آیه، خوش‌اخلاقی تأثیر بسزایی در جلب و جذب مردم، متحد شدن دلهای ریمیده از طریق محبت و فراهم آوردن زمینه‌های پیشرفت و تکامل در جامعه دارد.^۲

اخلاق، ظرف دین است؛ یعنی کسی که به حسنات اخلاقی آراسته نباشد، نمی‌تواند دیندار باشد؛ زیرا خورشید دین از وجود کسی که فاقد حسنات اخلاقی است، طلوع نمی‌کند. دین آنجایی است که حسنات اخلاقی وجود داشته باشد. اهمیت این مسئله تا آنجاست که امام رضا علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «عَلَيْكُمْ بِحُسْنِ الْخُلُقِ فَإِنَّ حُسْنَ الْخُلُقِ فِي الْجَنَّةِ لَا مَحَالَةَ وَإِيَّاكُمْ وَسُوءَ الْخُلُقِ فَإِنَّ سُوءَ الْخُلُقِ فِي النَّارِ لَا مَحَالَةَ»^۳ بر شما باید به خوش‌خویی؛ زیرا خوش‌خلق سرانجام در بهشت است و از بدخلقی بپرهیزید که سرانجام در آتش است».

گاهی یک لبخند محبت‌آمیز سوءتفاهم‌ها را از بین می‌برد و بالعکس گاهی چهره عبوس، اختلاف‌ها و سوءتفاهم‌ها را تشدید می‌کند. بدخلقی می‌تواند زمینه‌ساز انباشته شدن کینه‌ها و نفرت‌ها شود که همه چیز را در کام خود فرو ببرد و سرمایه‌های مادی و معنوی را نابود کند. در حالی که اگر محبت‌ورزی اساس رفتارها شود، کینه‌ها، خشونت‌ها و... همچون برف در برابر آفتاب ذوب می‌شوند.

به حسن خلق توان کرد صید اهل نظر به بند و دام نگیرند مرغ دانا را^۴

در سیره اخلاقی امام رضا علیه السلام نقل شده است که آن حضرت بسیار خوش‌برخورد و خوش‌رو بود، با هر مسلمانی به سادگی ارتباط برقرار، و راه دوستی را با او باز می‌کرد. مردم به راحتی با حضرت انس می‌گرفتند و می‌توانستند به خانه حضرت

۱. آل‌عمران: ۱۵۹.

۲. ناصر مکارم شیرازی با همکاری جمعی از فضلا؛ اخلاق در قرآن؛ ج ۱، ص ۴۶.

۳. محمد بن علی صدوق؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام؛ ج ۲، ص ۳۱.

۴. سایت گنجور؛ غزلیات حافظ؛ غزل شماره ۴.

رفت و آمد کنند، در کنار امام بنشینند و هم‌سخن شوند.^۱ ابراهیم بن عباس درباره رفتار رئوفانه امام رضا علیه السلام نسبت به مردم می‌گوید: «امام رضا علیه السلام از مردم روی بر نمی‌گرداندند و همواره با خلق خوش و نیکو از آنان استقبال می‌کردند. این عمل حضرت همچون آهن‌ریایی پر قدرت، مردم را به سوی خویش جذب می‌نمود».^۲

اهمیت خوش‌خلقی تا آنجاست که خداوند هنگامی که به حضرت موسی علیه السلام فرمان می‌دهد به سوی فرعون برود و او را به خداپرستی دعوت کند، می‌فرماید: «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَحْسَنِي»^۳ و با او سخنی نرم گوید شاید که پند پذیرد یا بترسد».

مصدق این آیه شریفه را در سیره امام رضا علیه السلام آنجایی می‌توان دید که نقل کرده‌اند: «هرگز ندیدم امام رضا علیه السلام با زبانش کسی را بیازارد و یا سخن کسی را قطع کند تا هنگامی که او از سخن گفتن فارغ شود ... و هرگز ندیدم سخن درستی به خادمان خود بگویم».^۴

اخلاق، معیار سنجش در دنیا و آخرت است. اگر کسی اخلاق نداشته باشد، چیزی ندارد. از همین روست که امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «لَيْسَ لِبَخِيلٍ رَاحَةٌ وَلَا لِحَسُودٍ لَذَّةٌ وَلَا لِمُلُوكٍ وَقَاءٌ وَلَا لِكُذُوبٍ مَرْوَةٌ»^۵ بخیل را آسایشی نیست و حسود را خوشی و لذتی نیست و پادشاهان را وفایی نیست و دروغگو را مروت و مردانگی نیست».

ساده‌زیستی

یکی از فضایل ارزشمند اخلاقی، قناعت و ساده‌زیستی است که از سویی مانع حرص‌ورزی و زیاده‌خواهی می‌شود و از سوی دیگر یکی از راه‌های توسعه اقتصادی و پیشرفت همه‌جانبه جامعه است. خداوند در ارائه الگویی از ساده‌زیستی می‌فرماید:

۱. ر.ک: علی بن محمد صدوق؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام؛ ج ۲، ص ۱۷۹.

۲. همان، ص ۶۱۶.

۳. طه: ۴۴.

۴. محمد بن علی صدوق؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام؛ ج ۲، ص ۱۸۲.

۵. محمدباقر مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۷۵، ص ۳۴۵.

اعْلَمُوا أَنَّهَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْعُرُورِ^۱ بدانید که زندگی دنیا در حقیقت بازی و سرگرمی و آرایش و فخرفروشی شما به یکدیگر و فزون‌جویی در اموال و فرزندان است [مثل آنها] چون مثل بارانی است که کشاورزان را رستنی آن [باران] به شگفتی اندازد سپس [آن کشت] خشک شود و آن را زرد بینی؛ آن‌گاه خاشاک شود و در آخرت [دنیاپرستان را] عذابی سخت است و [مؤمنان را] از جانب خدا آمرزش و خشنودی است و زندگانی دنیا جز کالای فریبنده نیست.

امام رضا علیه السلام مصداق کاملی برای بخش آخر این آیه شریفه است که با وجود مقام ولیعهدی، زندگی دنیا را جز کالای فریبنده‌ای نمی‌دانست. از همین رو بود که وقتی مأمون مقام ولیعهدی را به آن حضرت تحمیل کرد، حضرت به معمر بن خلاد فرمود: **وَاللَّهِ لَئِنْ صِرْتُ إِلَى هَذَا الْأَمْرِ لَا أَكُلَنَّ الْجُشَبَ بَعْدَ الطَّيِّبِ وَلَا تَبَسَّنَّ الْخَشِنَ بَعْدَ اللَّيِّنِ وَلَا تَعْبَنَنَّ بَعْدَ الدَّعَةِ**^۲ اگر زمام حکومت را به دست گیرم، غذای ساده خواهم خورد؛ پس از غذای خوب (که قبل از دوره زمامداری روا بود) و لباس درشت و زبر خواهم پوشید؛ پس از لباس‌های نرم (دوران قبل از حکومت) و با سختی و سختکوشی خواهم زیست؛ پس از آسایش.

در واقع امام علیه السلام به صراحت اعلام می‌دارد که در دورانی که مانند دیگر مردم عادی زندگی می‌کرد، روا بود که خوراک و لباسی چون دیگران داشته باشد و مانند عامه مردم در آسایش باشد؛ اما اگر زمام جامعه را در دست بگیرد، باید هم‌مطراز با پایین‌ترین طبقات جامعه زندگی کند و همواره برای آسایش مردمان و سامان یافتن زندگی آن‌ها بکوشد. از همین روست که با وجود مقام ولایتعهدی، روایات حکایتگر زندگی ساده و عدم تأثیر مقام سیاسی و دسترسی به ثروت انبوه در سیره و منش زندگی امام علیه السلام است. در روایتی آمده است: «در تابستان فرش حضرت رضا علیه السلام حصیر و بوریا بود و روی آن می‌نشست و در زمستان، روی نم‌د و پیراهنی زبر و

۱. حدید: ۲۰.

۲. محمدباقر مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۷۶، ص ۳۱۴.

خشن می پوشید، مگر آنکه بخواهد پیش مردم آید که در آن وقت لباس سنگین و بهتر در بر می نمود»^۱.

ساده زیستی و زندگی مورد نظر اسلام، ساده زیستی عزتمند و راستین است که برداشت های ناصحیح صوفی گری با آن تطبیق نمی کند. متأسفانه در همه زمان ها زهدنماهای صوفی مسلک بوده و هستند که به دلیل عدم شناخت کامل از آموزه های دینی، نعمت ها را بر خود حرام کرده، لباس پشمینه پوشیده، برای خود ظاهری ژولیده، ژنده پوش و خشم آلود درست کرده اند. امامان معصوم علیهم السلام همواره در برابر افکار انحرافی این گروه، ایستادگی و با آنها مخالفت می کردند و روش آنان را خطا و باطل می دانستند. چنانکه وقتی برخی افراد نسبت به پوشش آراسته امام رضا علیه السلام به آن حضرت اعتراض می کردند، امام می فرمود: «یوسف بن یعقوب، پیغمبر و فرزند پیغمبر بود. پارچه های دیا می پوشید و در مجالس الفرعون می نشست و این لباس ها و معاشرت ها، او را از مقامش فرود نیاورد»^۲. در واقع لباس، مظهر خارجی انسان است و نمی توان نسبت به آن بی توجه بود. حرمت مؤمن ایجاب می کند که انسان در ملاقات با او، شئون خود و وی را رعایت کند و مقید به پاکیزه و خوش لباس بودن باشد.^۳

الگو برداری از سیره ائمه علیهم السلام و به ویژه امام رضا علیه السلام هرگز بدین معنا نیست که مردم خود را به سختی بیندازند و ظاهر سازی کنند؛ بلکه هدف درک پیام ساده زیستی و دل بسته نبودن به دنیا است که موفقیت و آرامش در زندگی را به ارمغان می آورد. مرحوم علامه محمد حسن نجفی رحمته الله معروف به صاحب جواهر، از علمای مشهور نجف و صاحب کتاب گران سنگ *جواهر الکلام*، عظیم ترین کتاب فقهی است. امام خمینی رحمته الله درباره ایشان می فرماید:

۱. علی بن محمد صدوق؛ *عیون اخبار الرضا علیهم السلام*؛ ترجمه حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری؛ ج ۲، ص ۱۴۶.

۲. حسن بن فضل طبرسی؛ *مکارم الاخلاق*؛ ص ۹۸.

۳. ر.ک: محمدباقر شریف قرشی؛ پژوهشی دقیق در زندگی علی بن موسی الرضا علیه السلام؛ ترجمه سید محمد صالحی؛ ص ۵۹.

صاحب جواهر یک همچو کتابی نوشته است که اگر صد نفر انسان بخواهند بنویسند، شاید از عهده بر نیایند و این، [یک انسان] کاخ‌نشین نبوده ... یک منزل محقر داشتند و در یک اتاقشان باز بوده به یک دالانی - از قراری که نقل می‌کنند - که در آن هوای گرم نجف یک نسیمی، نسیم داغی می‌آمده است و ایشان مشغول تحریر «جواهر» بودند. از یک آدمی که علاقه به شکم و شهوات و مال و منال و جاه و امثال اینها دارد، این کارها نمی‌آید.^۱

مدیران جامعه برای دنیاگرایی و جمع‌آوری ثروت و اعتبار، عهده‌دار مسئولیت نشده‌اند. هنر مردان خدا در این مسند، خدمت به مردم و دستگیری از مستمندان و مظلومان و مبارزه با ظلم و لازمه چنین امری، در ابتدا ساده‌زیستی و دوری از تجملات و ثروت‌اندوزی است که سیره امام رضا علیه السلام در مقام ولایتعهدی، الگوی جامع و کاملی برای مسئولان در این زمینه است. ساده‌زیستی مسئولان سبب می‌شود فرهنگ معنویت در میان مردم گسترش یابد و مردم از فرو افتادن در دام‌های حرص و طمع نجات پیدا کنند؛ زیرا مردم مسئولان را الگوی رفتاری خویش قرار می‌دهند؛ به‌ویژه اگر شخص مسئول متناسب به دین باشد، رفتار وی در نگاه مردم رنگ دینی به خود می‌گیرد. در واقع ساده‌زیستی مسئولان، عاملی است برای اینکه تجمل‌گرایی به عنوان یک ضد ارزش، رنگ و لعاب دینی به خود نگیرد.

حمایت از محرومان

انفاق و دستگیری، بخشی از رابطه فرد با جامعه است. انسان باید در برابر نعمت‌هایی که خداوند به او عطا کرده است، انفاق کند. در سیره اخلاقی امام رضا علیه السلام مهم‌ترین بخش، التفات و رسیدگی به آسیب‌دیدگان، محرومان، مستضعفان و ستم‌دیدگان است. حفظ کرامت نیازمندان، اولویت مهم برای امام علیه السلام بود؛ چنانکه در روایتی آمده است:

یکی از شیعیان مخارج بازگشت خود به وطنش را از دست داد. نزد امام رضا علیه السلام رفت و عرض کرد: «اگر به من مبلغی پردازید، در وطن خود به جای شما صدقه

۱. سیدروح الله موسوی خمینی؛ صحیفه نور؛ ج ۱۷، ص ۳۷۱.

می‌دهم». حضرت ۲۰۰ اشرفی را از پشت درب، در حالی که دست مبارکشان را لای درب بیرون آورده بود، به او داد و فرمود: «اُخْرِجْ فَلَا أَرَاكَ وَلَا تَرَانِي؛ بیرون برو تا نه من تو را بینم و نه تو مرا». یکی از حاضرین از امام علیه السلام پرسید: «دلیل پنهان کمک کردن شما چه بود؟». امام علیه السلام فرمود: «مَخَافَةَ أَنْ أَرَى ذُلَّ السُّؤَالِ فِي وَجْهِهِ لِقَضَائِي حَاجَتَهُ؛ از آن ترسیدم که شرمندگی سؤال را در چهره او بنگرم، از این رو که حاجتش را بر می‌آورم».^۱

امام رضا علیه السلام همنشین قشر محروم و تهیدست جامعه بود و همانند آنان می‌زیست و درباره رسیدگی به احوال آنان می‌فرمود: «أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى كَلَّفَ أَهْلَ الصَّحَّةِ الْقِيَامَ بِشَأْنِ أَهْلِ الزَّمَانَةِ وَالْبُلُوَى؛^۲ خداوند تبارک و تعالی افراد سالم و تندرست را مکلف به رسیدگی به امور بیماران و بلازدگان کرد». محروم‌نوازی امام رضا علیه السلام از تعالیم قرآنی سرچشمه گرفته است که بر رسیدگی و همیاری محرومان بسیار تأکید نموده و کسانی را که از این امر سر باز می‌زنند، توبیخ کرده است: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ؛^۳ پس وای بر نمازگزارانی که از نمازشان غافلند، آنان که ریا می‌کنند و از [دادن] زکات [و وسایل و مایحتاج خانه] خودداری می‌ورزند».

احسان امام رضا علیه السلام مرزی نداشت تا آنجا که حتی پیش از غذا خوردن، سهم مساکین را جدا می‌کرد. روایت است هر گاه سر سفره غذا می‌نشست، ظرفی پیش حضرت می‌گذاشتند و امام پیش از آنکه شروع به غذا خوردن کند، از غذاهای گوناگونی که در سفره حاضر بود، مقداری بر می‌داشت و در آن ظرف می‌گذاشت. سپس دستور می‌داد تا آن را به فقرا بدهند و آنگاه آیه «فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ»^۴ را تلاوت می‌کرد و می‌فرمود: «خداوند متعال می‌دانست همه بندگانش قدرت ندارند

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ *الکافی*؛ ج ۴، ص ۲۴.

۲. علی بن محمد صدوق؛ *کتاب من لا یحضره الفقیه*؛ ج ۲، ص ۸.

۳. ماعون: ۷ - ۴.

۴. بلد: ۱۱ و ۱۲: «و[لی] [نخواست از گردنه [عاقبت‌نگری] بالا رود و تو چه دانی که آن گردنه [سخت]

چیست».

برده بخرند و آزاد کنند؛ از این رو اطعام مساکین را مانند آزاد کردن بندگان تلقی کرده است و از این طریق بندگان را به طرف بهشت راهنمایی کرده است.^۱ در شرایط کنونی که ویروس کرونا کسب و کار اغلب مردم و زندگی بیماران را تحت تأثیر شدید قرار داده است، تمسک به رفتار امام رضا علیه السلام می‌تواند الگویی برجسته برای همگان در دستگیری و حمایت از اقشار محروم و نیازمند جامعه باشد. اگر چه به دعوت مقام معظم رهبری مدظله‌العالی رزمایش مواسات و کمک‌های مؤمنانه، مردم سرزمین اسلامی‌مان را در تمامی جهان به عنوان الگویی برجسته در همدلی مطرح کرده است؛ چنانکه طبق آمار ارائه شده توسط جمعیت هلال احمر، مجموع کمک‌های مردمی تا خردادماه ۱۳۹۹ به بیش از ۹۲۰ میلیارد ریال رسیده،^۲ اما باید در نظر داشت که الگوگیری از این اخلاق و سیره امام رضا علیه السلام نه فقط در شرایط کنونی جامعه، بلکه باید در تمامی لحظات زندگی در ارتباط با نیازمندان جاری و ساری باشد.

تواضع و فروتنی

یکی از مهم‌ترین و برترین صفات، تواضع و فروتنی است. از این رو خداوند به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که عالی‌ترین مخلوقات اوست، می‌فرماید: «وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»^۳ و برای آن مؤمنانی که تو را پیروی کرده‌اند، بال خود را فرو گستر». خاکساری و فروتنی افزون بر اینکه زینده هر انسانی است و سبب برتری مقام او نزد دیگران می‌شود، شخص متواضع را در زمره بندگان خاص پروردگار قرار می‌دهد: «و عِبَادَ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا»^۴ و بندگان (واقعی) خدای رحمان کسانی هستند که بر (روی) زمین با آرامش و فروتنی راه می‌روند». از نگاه

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ *الکافی*؛ ج ۴، ص ۵۴.

۲. خبرگزاری مهر؛ «مجموع کمک‌های مردمی برای مهار کرونا به مرز ۹۲۰ میلیارد ریال رسید»؛ ۱۳۹۹/۳/۷.

<https://www.mehrnews.com/news/4935383>

۳. شعراء: ۲۱۵.

۴. فرقان: ۶۳.

امام رضا علیه السلام تواضع در جاتی دارد که عبارتند از:

التَّوَّاضِعُ دَرَجَاتٍ مِنْهَا أَنْ يَعْرِفَ الْمَرْءُ قَدْرَ نَفْسِهِ فَيُنْزِلَهَا مَنْزِلَتَهَا بِقَلْبٍ سَلِيمٍ لَا يُحِبُّ أَنْ يَأْتِيَ إِلَى أَحَدٍ إِلَّا مِثْلَ مَا يُؤْتَى إِلَيْهِ إِنْ رَأَى سَيِّئَةً دَرَأَهَا بِالْحَسَنَةِ كَاظِمُ الْغَيْظِ عَافٍ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ؛^۱ تواضع در ارای درجاتی است. یکی از آن درجات این است که انسان قدر و منزلت خویش را بشناسد و خود را با قلب پاک و سالمی که دارد، در جایگاه مربوط به خود قرار دهد و هر آنچه را که دوست دارد به او داده شود، برای دیگران نیز همان را دوست داشته باشد. اگر از دیگران بدی دید، آن را با خوبی جبران نماید، خشم خود را فرو برد و به راحتی مردم را عفو کند؛ به درستی که خداوند نیکوکاران را دوست دارد.

امام رضا علیه السلام مصداق واقعی و عینی تواضع و فروتنی بود و همواره دیگران را به آن سفارش می نمود. با زیردستان و خادمان خود با ملائمت و مهربانی رفتار می کرد. هنگامی که تنها می شد، همه آنان از کوچک و بزرگ را جمع می کرد و با آنان سخن می گفت. هر گاه هنگام غذا خوردن تنها بود، خادمان و حتی دربان و نگهبان را به سفره خود دعوت می کرد و با آنان غذا می خورد. نقل است در سفر خراسان، روزی سفره غذا گسترده و امام علیه السلام همه خدمتگزاران و حتی بردگان سیاه را به سفره خود دعوت کرد. وقتی فردی به آن حضرت اعتراض کرد، فرمود: «مَهْ إِنَّ الرَّبَّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَاحِدٌ وَالْأُمَّ وَاحِدَةٌ وَالْأَبُّ وَاحِدٌ وَالْجَزَاءُ بِالْأَعْمَالِ»^۲ خاموش. پروردگار همه یکی، پدر و مادر همه یکی و پاداش هم به اعمال است». فروتنی امام علیه السلام تا آنجا بود که افراد به راحتی به حضور امام می رسیدند و سؤال و درخواست خود را مطرح می کردند. امام علیه السلام بعد از فراغت از نماز و سجده می نشست و مردم به خدمتش می رسیدند و احتیاجات خود را عرضه می کردند.^۳ در روایت است روزی شخصی که امام علیه السلام را نمی شناخت، در حمام از امام علیه السلام خواست تا او را کیسه بکشد. امام علیه السلام پذیرفت و مشغول شد. دیگران که این صحنه را دیدند، امام علیه السلام را به او معرفی کردند و او با

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۱۲۴.

۲. همان، ج ۸، ص ۳۲۰.

۳. محمد باقر پورامینی؛ سبک زندگی رضوی؛ ص ۸۱.

شرمندگی از امام علیه السلام عذرخواهی کرد؛ اما امام علیه السلام بی توجه به عذرخواهی اش همچنان او را کیسه می کشید و دلداری می داد.^۱
تأسی به سیره ائمه علیهم السلام در تواضع و فروتنی را می توان در سیره شهدا نیز مشاهده کرد. نقل است:

شهید مهدی باکری مدت کوتاهی شهردار ارومیه بود. روزی باران شدیدی بارید؛ به طوری که در شهر سیلاب به راه افتاد. شهید باکری با دیدن این وضعیت به همراه گروه های امدادی به محلات مستضعف نشین که گرفتار سیلاب شده بودند، رفت. در این میان متوجه پیرزنی شد که درخواست کمک می کرد. شهید باکری به سمت خانه پیرزن رفت و در خانه را هل داد تا باز شود. آب تا زانوهای او را گرفته بود. با کمک همراهانش سدی خاکی ایجاد کرد تا آب بیشتر وارد خانه نشود و سپس با پمپ، آب زیرزمین را که جهیزیه دختر آن پیرزن در آن بود، خالی کرد. پیرزن برایش دعا کرد و گفت: «پسرم خدا خیرت بدهد. آن شهردار قبلی کجاست تا کمی از غیرت تو یاد بگیرد». تا لحظه ای که شهید باکری وسایل را جمع کند و از خانه بیرون برود، پیرزن مشغول دعا کردن مهدی و نفرین شهردار ارومیه بود!^۲

نتیجه گیری

زندگی اجتماعی انسان ها در عصر کنونی، تحت تأثیر برخی الگوهای بدلی، گرفتار آسیب ها و انحرافات جدی است. در چنین شرایطی تمسک به اخلاق الهی امام رضا علیه السلام به عنوان یکی از الگوهای جامع و کامل در همه ابعاد، می تواند بشریت را به سعادت واقعی رهنمون شود.

فهرست منابع

کتاب

۱. ابن شهر آشوب، محمد بن علی؛ مناقب آل ابیطالب علیهم السلام؛ چاپ اول، قم: علامه، ۱۳۷۹ ق.

۱. محمد بن علی ابن شهر آشوب؛ مناقب آل ابی طالب علیهم السلام؛ ج ۴، ص ۳۶۱ و ۳۶۲.

۲. پایگاه خبری تابناک جوان؛ «خاطره ای جالب از شهید باکری در سیل ارومیه»؛ ۱۳۹۸/۰۱/۰۶.

۲. پورامینی، محمدباقر؛ سبک زندگی رضوی؛ چاپ دوم، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۹۲ ش.
۳. شریف قرشی، محمدباقر؛ پژوهشی دقیق در زندگی علی بن موسی الرضا علیه السلام؛ ترجمه سیدمحمد صالحی؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۲ ش.
۴. صدوق، علی بن محمد؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام؛ ترجمه حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری؛ چاپ اول، تهران: نشر صدوق، ۱۳۷۲ ش.
۵. _____؛ تصحیح مهدی لاجوردی؛ چاپ اول، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.
۶. _____؛ کتاب من لایحضره الفقیه؛ تصحیح علی اکبر غفاری؛ چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق.
۷. طبرسی، حسن بن فضل؛ مکارم الاخلاق؛ چاپ چهارم، قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۲ ق.
۸. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی؛ چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۹. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار؛ چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۰. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از فضلا؛ اخلاق در قرآن؛ چاپ اول: قم، انتشارات امام علی بن ابیطالب علیه السلام، ۱۳۹۲ ش.
۱۱. موسوی خمینی، سیدروح الله؛ صحیفه نور؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۴۰۳ ق.

سایت‌ها:

۱. پایگاه خبری تابناک جوان؛ «خاطره‌ای جالب از شهید باکری در سیل ارومیه»؛ ۱۳۹۸/۰۱/۰۶، کد خبر: ۲۹۳۱.
۲. خبرگزاری مهر؛ «مجموع کمک‌های مردمی برای مهار کرونا به مرز ۹۲۰ میلیارد ریال رسید»؛ ۱۳۹۹/۳/۷، کد خبر: ۴۹۳۵۳۸۳.
۳. سایت گنجور، غزلیات حافظ..

نقش والدین در مدیریت استفاده کودکان از تلویزیون

معصومه سادات موسوی*

مقدمه

کودکی به عنوان حساس‌ترین سن رشد و تربیت، در شکل‌گیری شخصیت و آینده کودک نقش بسیار مهمی دارد. آموزه‌هایی که کودک در این دوران کسب می‌کند، جزو مانا‌ترین اطلاعاتی هستند که در ذهنش ثبت می‌شوند؛ زیرا ذهن کودک سفید، ساده و بسیار تأثیرپذیر است. امروزه کودکان ناگزیر، همراه با رسانه‌ها بزرگ می‌شوند و تلویزیون به عنوان یکی از جذاب‌ترین پدیده‌های فرهنگی، عضو مشترک و جدانشدنی همه جوامع و خانواده‌ها، کودکان را حداقل از حدود دو سالگی به سمت خود می‌کشاند تا تماشاگر تصاویر و شنونده صداهاى آن باشند. میزان این تأثیرات برای همه کودکان یکسان نیست و به عوامل بسیاری، از جمله روش تربیتی و شیوه مدیریتی والدین مرتبط است.

بنابراین شناخت دقیق تأثیرات مثبت و منفی تلویزیون ضروری است؛ زیرا باعث تقویت هر چه بیشتر آثار مثبت آن و ارائه راهکارهای مقابله‌ای با تأثیرات منفی آن خواهد شد. در این نوشتار سعی شده است پس از بررسی کارکردهای تلویزیون، روش‌های کارآمدی برای مدیریت تماشای تلویزیون در کودکان ارائه شود تا والدین بتوانند رسالت خود در فرزندپروری را به انجام رسانند.

از نظر روان‌شناختی یا فلسفی، کودکی یا بزرگسالی چیزی مربوط به روح، روان و

ذهن فرد است. فردی که ذهن و روان او در پایین‌ترین حالت خود باشد، کودک است؛ صرف‌نظر از اینکه وی از نظر جسمانی چقدر بلندقامت یا عظیم‌الجثه است. اگر قدرت استدلال یا بهره‌هوشی فردی هنگام گفتار، رفتار، انتخاب یا تصمیم‌گیری پایین باشد، می‌توان وی را به عنوان فردی نابالغ و یک کودک در نظر گرفت.^۱

مدیریت تلویزیون

مدیریت تلویزیون، به معنای بکارگیری سازوکارهای مدیریتی در بهره‌مندی مخاطبان از تلویزیون است و شامل مهارت‌هایی مانند افزایش سواد در خصوص شناخت ویژگی‌های روانی و ادراکی انسان‌ها، فنون رسانه‌ای تأثیرگذار بر انسان‌ها، اهداف و ویژگی‌های ساخت برنامه‌ها و نیز برنامه‌ریزی، زمان‌بندی و کنترل تماشای برنامه‌ها می‌شود. اهمیت شناخت مدیریت تلویزیون از این روست که بتوان کارکردهای منفی تلویزیون را کاهش و کارکردهای مثبت آن را افزایش داد.

کارکردهای مثبت تلویزیون

۱. تقویت روحیه اجتماعی کودکان

تلویزیون با بهره‌گیری از تمام امکانات خود، به رشد کودکان از طریق برانگیختن تمایلات آنها به سمت خلاقیت کمک می‌کند و با ارائه تصویرهای پرمعنا، می‌تواند موجبات شکوفایی شخصیتی آنها را بدون ایجاد هر گونه منشی جانبدارانه فراهم کند. در واقع به نوعی درک نقش جنسیتی را به آنها می‌دهد؛ بدین معنا که آنها می‌فهمند چگونه فردی هستند، چگونه باید ویژگی‌ها و شخصیت خود را به نمایش بگذارند، چه جایگاهی در جامعه دارند و چگونه باید با دیگران تعامل داشته باشند. پرورش این عقاید در اذهان کودک، به وسیله کارکرد آموزشی رسانه‌ها و از طریق فرآیند یادگیری صورت می‌گیرد و این نوع یادگیری، جنبه‌ای از یادگیری اجتماعی به شمار می‌آید که برای پرورش افرادی سازگار شده‌اند که بتوانند در بزرگسالی، خود

۱. آی. جی. نوانکور، «رادیو و تلویزیون و تعلیم و تربیت اخلاقی کودک»؛ ترجمه سعید ایوبی؛ فصلنامه علمی تخصصی کودک، نوجوان و رسانه؛ ص ۱۲۴ - ۱۲۵.

را با هنجارهای اجتماعی به خوبی وفق دهند. به نظر هاج^۱ و تریپ^۲، معانی ای که از طریق تلویزیون به ذهن کودک رسوخ می‌کنند، تحت تأثیر زمینه‌های متفاوت است. از سویی زمینه ذهنی بیننده (یعنی مجموعه شرایط فردی) و از سوی دیگر شرایط و زمینه اجتماعی، در شکل‌گیری معانی و تجربه‌های تلویزیون دخالت دارند.^۳

۲. آموزش

از دیگر کارکردهای مثبت و مهم تلویزیون، آموزش به افراد است. امروزه رسانه‌ها با توجه به ارتقای فناوری‌های نوین، می‌کوشند به آموزش و مهارت‌های لازم برای فراگیری نحوه استفاده و کاربرد فنون جدید مبادرت ورزند. آنان مردم را به یادگیری مهارت‌های مختلفی که در زندگی به آنها نیاز دارند، تشویق می‌کنند و بدین ترتیب موجب ایجاد کنجکاوی و تشویق فراگیری علوم و فنون جدید در عامه مردم می‌شوند.^۴ برای مثال در رسانه ملی جمهوری اسلامی ایران، برنامه‌های بسیاری از جمله آموزش درس، ساخت کاردستی و عروسک، نقاشی و ... پخش می‌شود که می‌تواند باعث افزایش مهارت‌های کودکان شود. «با توجه به علاقه کودکان به تماشای فیلم، می‌توان برخی مطالب درسی آنان را در قالب فیلم تهیه کرد و در مدارس به عنوان بخشی از برنامه درسی در تلویزیون نمایش داد».^۵

۳. ایجاد همبستگی

بر اساس نظر لاسول^۶ و چارلز رایت^۷، یکی از کارکردهای اجتماعی مثبت رسانه‌ها و به‌ویژه تلویزیون، ایجاد همبستگی و بسیج افراد است. «همبستگی به معنای انتخاب و تفسیر اطلاعات در محیط است که به وحدت و یکپارچگی فکری جامعه اشاره دارد.

1. Hodge

2. Tripp

۳. رضا کریمی و محمد اصغرزاده؛ «کودک و رسانه: تهدیدها و فرصت‌ها»؛ فصلنامه علمی تخصصی کودک، نوجوان و رسانه؛ ص ۶۶.

۴. علی اسکندری و حسن بشیر؛ «فرهنگ‌سازی بازنمایی نهاد خانواده در تلویزیون با توجه به چشم‌انداز جمهوری اسلامی»؛ فصلنامه علمی پژوهشی نامه پژوهش فرهنگی؛ ص ۱۳.

۵. ریحانه جعفری؛ «ویژگی‌های سینمای کودک»؛ نشریه تکنولوژی آموزشی؛ ص ۱۱.

6. Lasswell

7. Charles Wright

کارکرد همبستگی، تقویت عادت‌های اجتماعی و حفظ اکثریت نظرات به وسیله نمایش انحراف‌ها و برجسته کردن افراد برگزیده است و از تهدید ثبات اجتماعی، پیشگیری و بیشتر افکار عمومی را کنترل و مدیریت می‌کند.^۱

یکی از جنبه‌های کارکرد همبستگی، تبیین، تفسیر و اظهار نظر درباره معنای رویدادها و اطلاعات است؛ چرا که رسانه با تبیین و تفسیر رویدادها، جامعه را از برداشت‌ها و تحلیل‌های گوناگون و گاه متضاد از یک امر باز می‌دارد و با همسان ساختن دیدگاه‌های مردم، بر همبستگی آنها می‌افزاید. دنیس مک کوایل،^۲ درباره کارکرد بسیج می‌نویسد:

تقریباً همه جا از رسانه‌های جمعی توقع می‌رود منافع ملی را به پیش ببرند و بعضی ارزش‌ها و الگوهای رفتاری کلیدی را تبلیغ و ترویج کنند، اما به خصوص در شرایط بحرانی این وظیفه اهمیت بیشتری می‌یابد. در برخی کشورهای در حال توسعه و نیز گروهی از ممالک سوسیالیستی، وظیفه تهییج و بسیج مردم، رسماً به رسانه‌ها محول شده است.^۳

کارکرد همبستگی و بسیج تلویزیون، نه تنها موجب افزایش عاطفه و علاقه کودکان نسبت به کشور می‌شود؛ بلکه باعث وحدت و یکپارچگی کودکان اقوام مختلف نیز می‌گردد. تقویت هویت دینی و ملی یکپارچه میان کودکان، از دیگر کارکردهای همبستگی و بسیج تلویزیون است که موجبات همبستگی افراد برای دفاع از ارزش‌های انقلاب و دفاع مقدس را فراهم می‌آورد.

۴. اطلاع‌رسانی

اطلاع‌رسانی، دیگر کارکرد مثبت تلویزیون است. وظیفه رسانه‌ها و به‌ویژه تلویزیون، نظارت و مراقبت، تهیه و رساندن خبر درباره محیط پیرامونی است و شامل مواردی چون گزارش اطلاعات درباره وقایع و اوضاع جامعه و دنیا، نمایان ساختن روابط

۱. فریده پیشوایی؛ صداقت و نقش رسانه ملی در ترویج آن؛ مرکز پژوهش‌های صدا و سیما.

<http://pajuhesh.irc.ir/product/book/show/id/2603>

2. Denis McQuail

۳. مجید مبینی مقدس و محمدرضا برزویی؛ «جوانان و مشارکت سیاسی از دیدگاه نظریه‌های کارکردی

رسانه‌ها»؛ فصلنامه علمی تخصصی مطالعات جوان و رسانه؛ ص ۱۰.

قدرت و نیز تسهیل نوآوری، سازگاری و پیشرفت می‌شود^۱ و کودکان از این طریق یاد می‌گیرند که در آینده نسبت به مسائل روز آگاه و به‌روز گردند.

کارکردهای منفی تلویزیون

۱. بلوغ زودرس

هورمون ملاتونین، تنظیم‌گر ساعت درونی بدن و کنترل‌کننده سرعت رشد بلوغ جسمی است و کاهش ترشح آن، می‌تواند به بلوغ زودرس منجر شود. تنظیم ترشح این هورمون، وابستگی شدیدی به کم شدن تابش نور به چشم دارد. تلویزیون، نقشی کلیدی در کاهش ترشح هورمون ملاتونین دارد. صفحه درخشان تلویزیون، اجازه تولید و ترشح این هورمون در شب را نمی‌دهد و میزان این هورمون در خون افرادی که تا نیمه شب پای تلویزیون می‌نشینند، بسیار کمتر از حد معمول است. کاهش این هورمون در بدن، سن بلوغ در نوجوانان را به شدت کاهش می‌دهد.^۲ تحقیقات ثابت کرده است جلوگیری از دسترسی کودکان به تلویزیون تنها به مدت یک هفته، باعث افزایش ۳۰ درصدی هورمون ملاتونین در بدن آنها می‌شود.^۳

برخی روان‌شناسان و روانکاوان معتقدند که مواجهه دایمی با برنامه‌های بزرگسالان، می‌تواند به نحوی غیر طبیعی تأثیر محیط زندگی بزرگسالان را بر روی کودک تسریع کند و او را به اجبار، به نوعی بلوغ زودرس بکشاند؛ بلوغی که ویژگی آن سردرگمی، اعتماد نکردن به بزرگسالان، داشتن رویکرد سطحی به مسائل بزرگسالان و حتی تمایل نداشتن به بزرگ شدن است.^۴

۱. رضا زعفریان؛ «شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های نقش تلویزیون در توسعه فرهنگ کارآفرینی»؛ دو

فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات میان رشته‌ای رسانه و فرهنگ؛ ص ۷۲.

۲. میترا محمد علی‌خانی؛ «تابش مداوم نور تلویزیون باعث بلوغ زودرس کودکان می‌شود»؛ شهر مینو: پایگاه خبری تحلیلی قزوین، ۱۳۹۴/۰۸/۲۳.

<http://shahreminoo.ir/?p=17630>

۳. پایگاه اطلاع‌رسانی آفتاب آنلاین؛ «۵ عامل بلوغ زودرس»؛ ۱۳۹۱/۰۹/۲۲.

www.aftabir.com/articles/view/social/family_home/c4_1355259811p1.php

۴. جک لایل، ویلبر شرام و ادوین بی. پارکر؛ «تلویزیون در زندگی کودکان ما»؛ ترجمه محمود حقیقت کاشانی؛ ص ۴۰.

۲. آگهی‌های تبلیغاتی

اگر چه به طور مطلق نمی‌توان همه آگهی‌های بازرگانی را دارای کارکردهای منفی دانست، اما با توجه به فقدان قدرت تشخیص و تمیز در کودکان و نیز رعایت نکردن مؤلفه‌های واقعی در ساخت محتوا و پرداختن به جذابیت هر چه بیشتر برای افزایش جذب مخاطب، بسیاری از آگهی‌ها بر کودکان تأثیرات منفی می‌گذارند. از این رو در این بخش صرف نظر از کارکردهای مثبت، فقط به تأثیرات مخرب آن پرداخته می‌شود.

کودکان به دلیل توانایی‌های محدود شناختی و تمیز ندادن واقعیت از غیر واقعیت، بسیار زودباور و ساده هستند و قادر به تشخیص مقاصد تجاری تبلیغات به طور خودآگاه نیستند. بنابراین «هر پیامی که به ذهن‌شان فرستاده شود، در حافظه‌شان می‌ماند. از همین روست که کلگریو معتقد است کودکان بسیار راحت تحت تأثیر تبلیغات قرار می‌گیرند. اغلب تبلیغ‌گران تلویزیون، از رابطه کودکان با والدینشان استفاده کرده و به آنها یاد می‌دهند که با تکرار مکرر تبلیغات، والدین خود را تحت تأثیر قرار دهند تا آنها نیز بدین وسیله بتوانند سود تجاری بالایی را به دست بیاورند»^۱. استفاده از شخصیت‌های مشهور برنامه‌های کودکان و کارتونها، بازیگران، ورزشکاران در تبلیغات، کودکان خردسال را در تمایز واقعیت از خیال به اشتباه می‌اندازد و سبب ادراک نادرست آنها از آگهی‌ها می‌شود.^۲

تبلیغات بر افزایش مصرف نیز تأثیر بسیاری می‌گذارند. اسمی و همکارانش در پژوهش خود، به این نتیجه رسیدند که میان میزان تماشای آگهی‌های بازرگانی تلویزیون و میزان استفاده از «مواد خوراکی»، «لوازم و وسایل» و «مکان‌های خدماتی و تفریحی» رابطه مثبتی وجود دارد.^۳ همچنین با توجه به گزارش «انجمن

۱. ر.ک: نیک کوهن؛ «کودکان: هدف تبلیغات تجاری»؛ ماهنامه سیاحت غرب؛ ص ۴۴.

۲. علی اکبر خوش‌گفتار مقدم و زهرا آقاعلی؛ «رسانه، کودکان و نوجوانان»، فصلنامه علمی تخصصی کودک، نوجوان و رسانه؛ ص ۴۰.

۳. رضا اسمی و همکاران؛ «رابطه تماشای آگهی‌های تبلیغاتی تلویزیون با الگوی مصرف در کودکان و نوجوانان تهرانی»؛ فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های ارتباطی؛ ص ۹۳.

مصرف کنندگان» انگلستان، نیمی از والدین تصور می‌کنند که تبلیغات بازرگانی باعث شده که کودکانشان آنقدر غذا بخورند تا تشنه شوند و آن‌گاه بتوانند نوشابه بنوشند.^۱ از جمله عواقب این آگهی‌ها بر کودکان، ترویج سبک زندگی ناسالم و الگوهای رفتاری و غذایی ناسالم و مضر، بدخوری، به وجود آمدن نیازهای کاذب و غیرضروری، مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی است. نمایش زندگی تجملاتی در تبلیغات، موجب اختلال در سلامت روانی کودکان به دلیل کاهش عزت نفس به سبب بهره‌مند نبودن از رفاه اقتصادی، نارضایتی از زندگی فعلی و حسرت برای داشتن زندگی مرفه خواهد بود.

۳. ترویج خشونت

گزارش دانشگاه VCLA درباره برنامه‌های تلویزیونی بیانگر آن است که مرتکبین فعالیت خشونت‌بار در ۷۳ درصد اوقات، مجازات نمی‌شوند. حدود ۲۵ درصد از فعالیت‌های خشونت‌بار با تفنگ انجام می‌شود، در ۴۷ درصد از وضعیت‌های خشونت‌بار، هیچ‌گونه صدمه‌ای به قربانیان وارد نمی‌شود و ۵۸ درصد از آنها هیچ‌گونه دردی احساس نمی‌کنند. این مسئله کودکان را در مورد عواقب به کارگیری خشونت فریب می‌دهد. قابل توجه است که تنها ۴ درصد از برنامه‌های خشونت‌بار از گزینه‌های ضد خشونت برای حل مشکلات خشونت‌بار استفاده می‌کنند.^۲ تماشای این حجم از خشونت‌های تلویزیونی، یادگیری و انجام خشونت، بی‌احساس شدن در برابر نتایج زیانبار خشونت و ترس غیرطبیعی از مورد حمله قرار گرفتن را در بردارد و سبب می‌شود تا کودک بیشتر به سمت خشونت تمایل پیدا کند. علت این مسئله نیز از این روست که وی تصور می‌کند خشونت، یک مسئله عادی در زندگی روزمره است؛ به‌ویژه در برنامه‌هایی که خشونت چهره‌ای طبیعی و نزدیک به واقعیت دارد، کودکان نیز در بیشتر موارد آن را تکرار می‌کنند و در صورتی که با واکنش اطرافیان روبه‌رو نشوند، آن را به صورت یک عادت می‌پذیرند.^۳

۱. ر.ک: نیک کوهن؛ «کودکان؛ هدف تبلیغات تجاری»؛ ماهنامه سیاحت غرب؛ ص ۴۴.

۲. رون کافمن؛ «تأثیر تصاویر تلویزیونی بر کودکان»؛ ماهنامه سیاحت غرب؛ ص ۴۷.

۳. داود رجبی‌نیا؛ غرب از رؤیا تا واقعیت، قاب جادو (آسیب‌های اینترنت و تلویزیون در غرب)؛ ص ۲۰.

بر اساس پژوهش ال راول هیوزمن، احتمال بروز رفتار پرخاشگرانه در کودکی که بیشتر اوقات به تماشای خشونت در تلویزیون می‌پردازد، بیشتر است. چنین کودکی باور دارد که این برنامه‌ها زندگی را همان‌گونه که هست، به تصویر می‌کشند و خود را به طور جدی، هم‌سان با شخصیت‌های خشن می‌داند.^۱ دکتر ارون نیز رفتار گروهی از جوانان را طی ۲۲ سال آزمود و دریافت افرادی که ساعات بیشتری را به تماشای تلویزیون اختصاص می‌دهند، در هشت سالگی خشن بوده‌اند و در ۳۰ سالگی، مرتکب جنایات هولناک بیشتری شده و کودکان خود را بی‌رحمانه‌تر از دیگران تنبیه می‌کنند.^۲

از دیگر تأثیرات منفی تلویزیون بر روان و جسم کودکان، می‌توان به پُر کردن تمامی اوقات با تماشا کردن برنامه‌ها، بی‌نظمی و اختلال در خواب، کاهش فعالیت‌های هنری، علمی، ورزشی، افزایش بی‌حرکی و چاقی، کاهش روابط عاطفی، انزواگرایی، ضعیف شدن چشم، تنبل شدن مغز و ... اشاره کرد.

چگونگی مدیریت والدین بر تماشای تلویزیون

۱. مدیریت دسترسی

الف) مدیریت زمان

هانسون، بر این باور است که مفاهیمی که الگو شده‌اند، باورپذیرترند و به راحتی می‌توان آنها را انتقال داد. به همین جهت وقتی صحبت از برنامه منظم تماشای تلویزیون در ساعات خاص می‌شود، هیچ‌الگویی بهتر از رفتار والدین نخواهد بود. همچنین وقتی مشاهده برنامه متناسب با ویژگی‌های کودک مطرح می‌شود، الگوی رفتاری وی والدین هستند. اگر هر یک از والدین در ساعات معین و کنترل‌شده‌ای برنامه خاص خود را نگاه کنند، این رفتار برای فرزندان الگو می‌شود.^۳ از این رو

۱. «تحقیق در مورد تأثیرات خشونت در رسانه‌ها»؛ ماهنامه سیاحت غرب؛ ص ۱۶ - ۲۵.

۲. بهنام رضاقلی‌زاده؛ «نگاهی به اثرگذاری رسانه‌ها بر ترویج خشونت در میان کودکان»؛ فصلنامه علمی تخصصی کودک، نوجوان و رسانه؛ ص ۶۳.

۳. محمد حسن عظیمی و یونس شکرخواه؛ «کودک، رسانه و ارتباط متقابل»؛ فصلنامه علمی پژوهشی علوم و فنون مدیریت اطلاعات؛ ص ۹۰.

والدین برای مؤثر بودن عملکرد محدودیت زمانی، ابتدا باید خود را مستلزم به برنامه‌ریزی برای کاهش زمان تماشای برنامه کنند. برای تحقق چنین امری، بهتر است در حضور کودک میزان تماشا یا روشن بودن تلویزیون را در طول روز محاسبه کنند و با همفکری کودک تصمیماتی برای اولویت‌دهی، برنامه‌ریزی و کاهش زمان تماشای برنامه‌های تلویزیونی خود بگیرند.

برای مدیریت مدت زمان تماشای تلویزیون توسط کودک نیز ابتدا باید میزان تماشای کودک را کنترل کرد تا مبدا بیشتر از محدوده زمانی برنامه‌ریزی شود و قبل از اتمام زمان، به او تذکر داده شود. در صورت خاموش نکردن تلویزیون و اصرار برای تماشای برنامه‌های برنامه‌ریزی نشده، تلویزیون را باید خاموش کرد. مداومت در انجام این کار، موجب می‌شود کودک بفهمد که در زمان مقرر باید دست از تماشا بکشد؛ زیرا خودش نیز در این زمانبندی نقش داشته است و باید نسبت به تصمیمات خود، مسئولیت‌پذیر باشد.

ب) مدیریت مکان

اختصاص دادن تلویزیون جداگانه در اتاق کودکان، امری اشتباه است و باید از آن پرهیز کرد؛ زیرا این کار موجب بی‌نظمی و آشفتگی در خواب و بیداری کودکان می‌شود. باید با قراردادن تلویزیون در سالن خانه افزون بر همراهی، با نظارت بر محتوای برنامه‌های تماشا شده و مدت زمان آن، مانع انزوای کودکان شوند.

۲. مدیریت شیوه تماشا

الف) مقررات محدود کننده

والدین برای مدیریت تماشای تلویزیون، باید مقررات محدود کننده‌ای در نظر بگیرند تا «کودک متوجه شود که تماشای تلویزیون مانند یک «حق» در اختیار او نیست و اگر روزی والدینش او را از دیدن نهی یا محروم کردند، گمان نکند از حق مسلم‌اش جدا مانده است»^۱. آنها باید با کمک کودک قوانینی را وضع کنند و همه را ملزم به

۱. مریم کمالی‌نژاد، «جادوگر خانه ما»؛ همشهری آنلاین، ۱۳۹۵/۰۵/۱۰.

رعایت آنها بدانند. در صورت نقض قانون نیز قانون توجه را ویژگی قانون‌گریزی فرد بدانند، نه اینکه با تأکید بر اهمیت تلویزیون، موجب ارزشمند جلوه شدن آن در ذهن کودک شوند. برخی از این قوانین عبارتند از: تماشا نکردن تلویزیون بیشتر از دو یا سه ساعت در روز، تماشای تلویزیون با توجه به برنامه‌ریزی مشخص و روشن نبودن پیوسته آن، نخوردن و نیشامیدن چیزی در مقابل تلویزیون، رعایت ساعت خواب و بیداری، مکرر تماشا نکردن سی‌دی‌های کارتونی و تماشای برنامه‌های زنده برای حفظ زمان‌بندی، اولویت قرار دادن انجام مسئولیت‌های خانوادگی، تکالیف تحصیلی و سپس تماشای تلویزیون.

همچنین باید پیوسته به کودک گوشزد کنند که در تمام برنامه‌هایی که می‌بیند، خانواده را نامحرم نداند و با همراهی آنها تماشا کند. همه اعضای خانواده هم باید در هنگام تماشا، با یکدیگر درباره درست یا نادرست بودن پیام‌های برنامه‌های تلویزیونی، محتوای برنامه‌ها و آگهی‌های تبلیغاتی گفت‌وگو کنند^۱ تا کودک نیز یاد بگیرد به سادگی از پیام‌های تلویزیون تأثیر نپذیرد.

ب) مدیریت محتوا

والدین افزون بر برنامه‌های کودکان، باید آنها را با برنامه‌های علمی، موسیقی، فیلم‌های کلاسیک و برخی اخبار و رویدادها آشنا^۲ و کودکان را تشویق کنند تا از میان انواع برنامه‌های تلویزیونی، برنامه‌های خاص، مورد علاقه و مناسب با سن و ویژگی‌های خود را انتخاب کنند؛ نه اینکه به طور تصادفی تماشاگر هر برنامه‌ای شوند. برای مثال انتخاب تصادفی فیلمی تخیلی که با دنیای واقعی کودکان بسیار بیگانه باشد، در آنها نوعی احساس ناامیدی، ضعف و سستی نسبت به حوادث پیش رو در فیلم به وجود می‌آید که میان آنان و دنیای واقعی خویش و آنچه در فیلم مشاهده کرده‌اند، فاصله زیادی ایجاد خواهد کرد. همچنین اگر برنامه‌های تلویزیونی

۱. محمدحسین شاه‌آبادی و مصطفی فتح‌الله بیاتی؛ «سواد رسانه‌ای برای کودکان با تأکید بر پویانمایی»؛ ص ۱۸۰.

۲. فیلیپ نیومن و باربارا نیومن؛ «اثرات تلویزیون بر رشد کودکان و نوجوانان»؛ ترجمه اسماعیل بیابانگرد؛ فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های ارتباطی؛ ص ۴۸.

بیش از اندازه رؤیایی و تخیلی باشد، کودکان افزون بر احساس نوعی حالت غربت و تنهایی نسبت به محیط اطراف خود، از انجام مسئولیت‌های زندگی عاجز و ناتوان می‌شوند. ادامه این وضعیت به تدریج موجب عصبان کودکان علیه واقعیتی که آنان را در بر گرفته خواهد شد. چنانچه برنامه‌های تلویزیونی در برگیرنده مطالب علمی فوق‌العاده و بیش از ظرفیت فهم و ادراک کودک یا فراتر از سطح علمی او، سبب سردرگمی و ایجاد حالت عصبی در کودک خواهد شد؛ زیرا آنچه را که از طریق تلویزیون مشاهده کرده، مطابق با محیط اطراف خود نمی‌بیند.^۱

والدین باید کودک را در انتخاب محتوا همراهی کنند و در صورت انتخاب مناسب، به کودکان پاداش دهند تا به طور غیرمستقیم زمینه خودکنترلی در انتخاب را به آنها آموزش دهند. همچنین باید با بکارگیری روش‌های هوشمندانه، کودکان را از تماشای محتوای نامناسب گروه سنی‌شان منع کنند. «برای نمونه می‌توان از نوارهای ویدئویی که از نظر سنی برای کودکان مناسب است، برای اوقاتی که آنها در خانه هستند و یا زمانی که یک برنامه تلویزیونی مناسب طبع یا سن کودک نیست، استفاده کرد».^۲

ذکر این نکته ضروری است که اگر در موقعیت‌های خاصی مانند مهمانی، امکان تماشا نکردن برنامه‌های نامناسب با سن و روحیات کودک فراهم نباشد، والدین باید نسبت به محتوای در حال پخش توجه و حساسیت بالایی داشته باشند تا وقتی صحنه نامناسبی دیدند، خلاقانه ذهن کودک را مشغول موضوعی در محدوده خارج از مکان تلویزیون کنند؛ زیرا گاهی این صحنه‌ها موجب بروز اختلالات روانی برای کودکان خواهد شد. برای نمونه پس از پخش سریال «او یک فرشته بود»، در یک مرکز مشاوره طی دو سه ماه حدود ۵۰ کودک مراجعه کردند که ۱۳ نفر از آنها مشکلاتی داشتند. از میان آنها تعدادی از کودکان و به‌ویژه دختر بچه‌ها، دچار فوبیای^۳

۱. ماندانا صنیعی؛ «تلویزیون با ما چه می‌کند؟»؛ فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های ارتباطی؛ ص ۱۷۱ و ۱۷۲.

۲. قاسم جوکار؛ «بررسی تأثیر تلویزیون بر کودکان»؛ نشریه معرفت؛ ص ۱۱۵.

۳. اضطراب خاص.

از مادر شده بودند؛ زیرا در قسمتی از فیلم، بازیگر نقش فرشته (شیطان) آتش شد و این کودک را به جاهای دیگر برد. شاید کل سریال روی کودک اثر نگذاشته باشد، ولی صحنه‌هایی از فیلم اثر خاص داشتند. بچه‌ها می‌گفتند هنگامی که شب‌ها می‌خوابیم و مادرمان می‌آید تا پتو رویمان بکشد، ناگهان صحنه‌های آن فیلم مجسم می‌شود و می‌گوییم نکنند این همان جن و آتش است.^۱

ج) همراهی فعال و افزایش سواد رسانه‌ای

والدین باید کودکان را در هنگام تماشا همراهی کنند و این همراهی نیز نباید منفعل باشد. «به عقیده ناتانسون، فقدان بحث و گفت‌وگوی والدین درباره برنامه‌هایی با پیام‌های منفی، نوعی تأیید مثبت و بی‌سر و صدای چنین برنامه‌هایی تلقی می‌گردد و کودکان چنین می‌پندارند که تماشای تلویزیون، فعالیتی ارزشمند و مفید است».^۲ از این رو بروز واکنش والدین توصیه می‌گردد. کودکان نباید یک برنامه یا کارتون را به طور پیوسته تماشا کنند؛ بلکه والدین باید با ایجاد وقفه و طرح پرسش‌هایی برای برانگیختن کنجکاوی، حدس اتفاقات‌های بعدی، تشخیص شخصیت‌های مثبت و منفی، واقعی یا تخیلی بودن داستان و ... تفکر انتقادی کودک را تحریک کنند؛ زیرا «راهکاری که جهان برای «سواد رسانه‌ای»^۳ پیشنهاد می‌کند، اندیشه انتقادی است. اندیشه انتقادی (سنجش‌گر)، یعنی درست اندیشیدن در تلاش برای پیدا کردن آگاهی

۱. رضا مهکام؛ «میزگرد نقد مجموعه تلویزیونی باب‌اسفنجی»؛ فصلنامه علمی تخصصی کودک، نوجوان و رسانه؛ ص ۱۱۳.
۲. کلی مندوزا؛ «بررسی وساطت والدین: روابط، چالش‌ها و پرسش‌هایی برای سواد رسانه‌ای»؛ ترجمه امیر یزدیان؛ فصلنامه علمی تخصصی رسانه و خانواده؛ ص ۱۱۰-۱۱۵.
۳. بر اساس تعریفی که کارشناسان حوزه ارتباطات ارائه داده‌اند، سواد رسانه‌ای توانایی دستیابی، تجزیه و تحلیل، نقد، ارزیابی و ایجاد ارتباط به گونه‌های مختلف است. بنابراین انگیزه سواد رسانه‌ای، ساماندهی رابطه‌ای خردمندانه و بر پایه هزینه - سود است. بر این پایه، پی می‌بریم که شخص در برابر زمان و هزینه‌ای که صرف استفاده از این رسانه‌ها کرده است، چه چیزهایی را به دست آورده و چه چیزهایی را از دست داده است. محمدحسین شاه‌آبادی و مصطفی فتح‌الله بیاتی؛ «سواد رسانه‌ای برای کودکان با تأکید بر پویانمایی»؛ فصلنامه علمی تخصصی کودک، نوجوان و رسانه؛ ص ۱۴۹.

قابل اعتماد در جهان. با توجه به اینکه قدرت تشخیص کودک، هنوز به اندازه کافی رشد نیافته که بتوان آن را به شمار آورد، همین قدر که او به رسانه اعتماد صددرصد نداشته باشد؛ زمینه‌ای را فراهم می‌کند تا در آینده بتواند به فراخور سن خود به تحلیل و نقد مطالب آن بپردازد.^۱ در این راستا وساطت فعال والدین، بسیار تأثیرگذار است. وساطت فعال از اظهارنظر مثبت یا منفی والدین درباره مشاهدات، قضاوت‌ها و ارزش‌های آنها تشکیل می‌شود و این راهبرد نوعی، یعنی حفاظت از فرزندان و اجتماعی کردن آنها درباره محتوا و مصرف رسانه‌ای مناسب و نامناسب، وساطت فعال، شک‌گرایی نسبت به اخبار تلویزیونی را افزایش می‌دهد و وساطت فعال منفی بر فرآیند اجتماعی شدن سیاسی کودکان تأثیر می‌گذارد. اظهار نظر والدین - مثبت یا منفی - در فرآیند وساطت فعال، راهی است برای ابراز ارزش‌ها و عقایدشان درباره رسانه‌ها و اثرگذاری بر ارزش‌های فرزندان.^۲

ناتانسون و بوت، با دسته‌بندی وساطت فعال (مثبت، منفی و خنثی) به طبقه‌بندی و تشریح گفته‌های والدین در جریان وساطت فعال کمک کرده‌اند. نمونه‌هایی از وساطت فعال مثبت، عبارتند از: «من عاشق این برنامه هستم» یا «این شخصیت واقعاً عالی است». برای وساطت فعال منفی نیز می‌توان به این نمونه‌ها اشاره کرد: «این واقعی نیست» یا «این برنامه نامناسب است». برای وساطت فعال خنثی نیز می‌توان به این مثال‌ها اشاره کرد: «فکر می‌کنی بعداً چه اتفاقی رخ می‌دهد؟» یا «این برنامه در نیویورک فیلم‌برداری و ضبط شده است».^۳

نیازی نیست کودک تا انتهای هر برنامه‌ای را ببیند. می‌توان وسط برنامه با طرح یک سؤال یا طرح یک بازی، حواس او را از آنچه تلویزیون پخش می‌کند، پرت نمود یا ذهنش را به سمت و سوی دیگری فعال کرد؛ «مانند به نظرت این آقا خرسه رفت

۱. همان، ص ۱۵۱.

۲. کلی مندوزا؛ «بررسی وساطت والدین: روابط، چالش‌ها و پرسش‌هایی برای سواد رسانه‌ای»؛ ترجمه امیر یزدیان؛ فصلنامه علمی تخصصی رسانه و خانواده؛ ص ۱۱۵-۱۲۰.

۳. همان.

جنگل چی کار کنه؟، بیا صدای این خانم مرغه رو در بیاریم»^۱. گفت‌وگوی والدین، به کودکان کمک می‌کند تا آنچه را دیده‌اند، تفسیر کنند. صحبت درباره قالب برنامه‌های تلویزیونی، محتوای برنامه‌ها، تفسیر و توضیح معانی، ارزیابی انگیزه‌ها، قضاوت‌های ارزشی و تمایز بین واقعیت و خیال^۲ و دیگر محتویات رسانه‌ای، موجب افزایش «سواد رسانه‌ای» کودکان شده و آنها را به مخاطبانی فعال‌تر، منتقدتر و نکته‌سنج‌تر تبدیل می‌کند.^۳

۳. مدیریت کارکردهای مثبت

برای نقش‌بندی تأثیرات مثبت در ذهن کودک، باید الگوهای رفتاری و گفتاری در فیلم‌ها، انیمیشن‌ها، دیالوگ‌های مجری‌ها، برنامه‌های آموزشی و ... را با همراهی کودک تحلیل و بررسی کرد تا به طور ناخودآگاه مهارت شناسایی آنها به کودک آموزش داده شود و با تأیید و تحسین به طور غیرمستقیم، باعث الگوبرداری از آنها شد. برای نمونه توجه به درس خواندن، مهربان بودن، مسئولیت‌پذیری و رفتارهای مناسب شخصیت فیلم (کودک) با والدین و دوستان بسیار راهگشاست. والدین می‌توانند کودکان را ترغیب کنند که اندیشه‌ها و پیشنهادهایی را که در برنامه‌های آموزشی ارائه می‌شود، با فعالیت‌هایی که در خانه یا کلاس صورت می‌گیرد؛ پی‌گیری کنند. چنین فعالیت‌هایی به کودکان کمک می‌کند تا از اطلاعاتی که به وسیله تلویزیون ارائه می‌شوند، فعالانه‌تر استفاده کنند.^۴ تلویزیون به کودکان کمک می‌کند تا کتاب‌های رمان و داستان‌های نمایشی را که در برنامه‌های تلویزیون

۱. سمیه اصلانی؛ «چه کسی کودک من را کنترل می‌کند؟»؛ همشهری آنلاین؛ ۱۳۹۳/۰۴/۲۹.

<http://www.hamshahrionline.ir/details/266333>

۲. عرفان ناصری و همکاران؛ «بررسی میزان، نحوه و انگیزه‌های کودکان در استفاده از رسانه‌های سنتی

و جدید»؛ فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های ارتباطی؛ ص ۵۴.

۳. محمدرضا رضایی بایندر و ثریا احمدی؛ «تلویزیون در کانون خانواده: نگاهی به اثرگذاری مثبت و

منفی تلویزیون بر کارکردهای خانواده»؛ فصلنامه علمی تخصصی رسانه و خانواده؛ ص ۷۲.

۴. عیسی زارعی و نیره خداداد شهری؛ «ارتباط مؤثر تلویزیون با کودکان: فرصت‌ها و تهدیدها»؛

فصلنامه علمی تخصصی کودک، نوجوان و رسانه؛ ص ۱۰۰.

دیده‌اند، از کتابخانه بگیرند و بدین وسیله آنان را تشویق می‌کنند به دنبال کتاب‌ها یا مجلاتی که در آنها، اطلاعات بیشتری در زمینه موضوعات تاریخی و علمی که در تلویزیون به نمایش در آمده، باشند. می‌توان کودکان را تشویق کرد تا درباره چیزهایی که در تلویزیون می‌بینند، پرس‌وجو کنند و از آنچه یاد گرفته‌اند، گزارشی به خانواده ارائه دهند.^۱ در این صورت به مرور زمان، نگرش استفاده مفید و هدفمند از تلویزیون در کودکان شکل خواهد گرفت.

۴. مدیریت کارکردهای منفی

الف) وابستگی

تلویزیون نباید جایگزین کارکردهای خانواده و وسیله‌ای برای برطرف‌سازی نیازهای کودکان، از جمله نیاز به بقاء، تفریح، محبت و ... شود. «والدین با الگوسازی و انتقال مفاهیم منفی، با بهره‌گیری از الگوهای مناسب، می‌توانند زمانی را که کودکانشان صرف تماشای تلویزیون می‌کنند که نباید بکنند، با رسانه‌ها و فعالیت‌های مطلوب‌تری جایگزین کنند»^۲ مانند رفتن به سینما، پارک، باشگاه ورزشی، کلاس‌های مختلف، ترغیب و تشویق به کتابخوانی، نقاشی درباره فعالیت‌های روزانه، داستان‌نویسی، خاطره‌نویسی، یادگیری موسیقی و نیز سپردن مسئولیت در کمک به آشپزی و انجام کارهای خانه، افزایش تعامل اجتماعی از طریق انجام فعالیت‌های رقابتی در جمع دوستان و

فعالیت‌های جایگزین، نه تنها میزان عادت و وابستگی کودکان را نسبت به تماشای تلویزیون کاهش می‌دهد؛ بلکه موجب تجربه هیجانات جدیدی می‌شود. پاداش والدین برای انجام هر کار مطلوبی غیر از تماشای تلویزیون نیز می‌تواند از سویی موجب تجربه احساس خوشایندی در کودکان شود و از سوی دیگر تأییدی برای

۱. محمدرضا رضایی بایندر و ثریا احمدی؛ «تلویزیون در کانون خانواده: نگاهی به اثر گذاری مثبت و

منفی تلویزیون بر کارکردهای خانواده»؛ فصلنامه علمی تخصصی رسانه و خانواده؛ ص ۶۸.

۲. محمد حسن عظیمی و یونس شکرخواه؛ «کودک، رسانه و ارتباط متقابل»؛ فصلنامه علمی پژوهشی

علوم و فنون مدیریت اطلاعات؛ ص ۹۰.

تجربه فعالیت‌های دیگری غیر از تماشای تلویزیون باشد. در این صورت نیاز به بقا و حیات، پیشرفت و تعالی، تعامل اجتماعی، روابط عاطفی و ... نیز تأمین می‌شود.

ب) پرخاشگری

خردسالان و کودکان نباید شاهد تصاویر و صحنه‌های جنگ و خونریزی از تلویزیون باشند. بنابراین عادت تماشای تلویزیون را باید به گونه‌ای تغییر داد که امکان تماشای این نوع صحنه‌ها برای آنان بسیار محدود شود. هنگام پخش برنامه‌های خشونت‌آمیز یا باید کانال را تغییر دهند یا تلویزیون را خاموش کنند. باید به کودک توضیح دهند که مشکل برنامه چیست؛ البته به گونه‌ای در خور منطق و فهم کودک باشد تا میل یا اصرار او برای تماشای این گونه برنامه‌ها کاهش یابد. در حضور کودکان نباید صحنه‌های خشونت‌آمیز را تأیید کنند و همانند کارهای خارق‌العاده‌ای با آنها برخورد نمایند؛ بلکه باید توضیح دهند که بدترین شیوه برای حل یک مشکل، روش خشونت‌آمیز است.^۱

از آنجا که بیشتر برنامه‌ها از عنصر خشونت به شدت استفاده می‌کنند و امکان مواجهه کودکان با چنین برنامه‌هایی وجود دارد، والدین باید به مرور زمان و با بهره‌گیری از تفکر انتقادی، کودک را از تماشای برنامه‌های خشن منع کنند. «آنها نباید درباره شخصیت خشن داستان با او مستقیم حرف بزنند و به یکباره او را از تماشا منع کنند؛ زیرا موجب حریص‌تر شدن کودک می‌شود. توهین به قهرمان داستان، باعث مقابله کودک با نظرات آنها خواهد شد. برای مثال درباره شخصیت کارتون «بن‌تن» می‌توانند از او بپرسند: «نظرت درباره بن‌تن چیه؟... به نظر من وقتی تغییر شکل می‌ده، خیلی ترسناک می‌شه، کاش قدرتش از خودش بود، نه از ساعتش... اگه ساعتش رو ازش بگیرن، دیگه هیچ نیرویی نداره، نه؟ بهتر نبود خودش باشه و تغییر حالت نده؟ قیافه خودش قشنگ‌تر نیست؟ چقدر خشن و عصبانیه؟».

با این رفتار کودک وادار به تفکر می‌شود و انگیزه تحلیل داستان را با کمک خانواده

۱. الهه ودودی؛ «آثار منفی تلویزیون بر سلامت کودکان»؛ فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های ارتباطی؛

پیدا می‌کند. فکر کردن درباره شخصیت‌های داستان‌ها، باعث می‌شود صد درصد تحت تأثیر قرار نگیرد و از آنها تقلید نکند. همچنین اگر والدین از قبل داستان قهرمانان واقعی مانند بزرگان و شخصیت‌های ایرانی و اسلامی را برای کودک گفته باشند، می‌توانند با استفاده از نظرات کودک، شخصیت‌های کارتون‌ی را با آنها مقایسه کنند.^۱

از جمله راه‌های دیگر برای الگوبرداری نکردن کودک از رفتارهای پرخاشگرانه، آگاه کردن کودک از عواقب بروز خشونت در زندگی واقعی و پیشنهاد و آموزش تکنیک‌های حل مسئله برای حل مشکل قهرمان داستان و مشکلات مشابه در زندگی واقعی کودک است. همچنین والدین باید از خرید دفتر، برچسب، پتو، پوستر و ... شخصیت‌های خشن خودداری کنند؛ زیرا وجود نمادها و تصاویر این شخصیت‌ها در دنیای واقعی زندگی کودک، نه تنها باعث همذات‌پنداری بیشتر و غرق شدن کودک در تخیل با آنها به‌ویژه قبل از خواب می‌شود؛ بلکه نشانه ارزشمند بودن و تأیید شخصیت‌های خشن در نظر والدین است.

ج) تبلیغات

تبلیغات با توجه به ویژگی زودبآوری کودک، بسیار سریع بر وی اثر می‌گذارند. از این رو خانواده‌ها باید به طور غیرمستقیم و برای پرورش دیدگاه انتقادی، با صحبت و پرسش، آنها را به تفکر وادارند تا با مسائلی مانند هدف‌های تجاری تبلیغات، ترویج مصرف‌گرایی و ... در حد فهم‌شان آشنا شوند. به عبارتی با «صحبت درباره محصولات تبلیغاتی به یک مصرف‌کننده مقتصد و صرفه‌جو تبدیل شوند. برای همین والدین باید از کودک سؤالاتی بپرسند که ذهن او را تحریک کند؛ برای مثال «از چه چیز این محصول خوشت می‌آید؟»، «فکر می‌کنی واقعاً به همان خوبی است که در تلویزیون نشان می‌دهد؟»، «فکر می‌کنی این خوراکی سالم است؟»، «فکر می‌کنی تو نیاز به خرید این وسیله را داری؟»^۲.

۱. سمیه اصلانی؛ «چه کسی کودک من را کنترل می‌کند؟»؛ همشهری آنلاین؛ ۱۳۹۳/۰۴/۲۹.

<http://www.hamshahrionline.ir/details/266333>

۲. «تلویزیون اضافه خاموش»؛ ماهنامه شهرزاد؛ ص ۱۰۴.

والدین می‌توانند با ترغیب کودکان به تماشای آگهی‌هایی با محتوای آموزشی، موجب توجه بیشتر آنها به آگهی‌های کم‌ضرر شوند. در صورت اصرار کودک برای خرید کالاهای غیرضروری و تبلیغ‌شونده، او را در برنامه‌ریزی‌های مالی خانواده شریک کنند تا با درک وضعیت اقتصادی خانواده، دست از خواسته‌های نابجا بردارد. همچنین با بازی‌های معمایی و توجیه‌های منطقی، کودک را با ضررهای تنقلات، نوشیدنی‌های مضر و ... آشنا کنند.

د) تمایز فیلم و واقعیت

والدین باید به طور پیوسته و با تأکید بسیار و بهره‌گیری از استدلال‌های منطقی و مثال‌های ساده، تمایز فیلم از واقعیت را به کودک بفهمانند تا با الهام از آنها فعالیت خطرناکی انجام ندهد؛ «چنانکه در سال ۱۳۵۵ در تهران، کودکی با دیدن فیلمی از چتربازان و فرود آرام و زیبایشان، چتر پدر را برداشت و خود را با آن از پشت‌بام به زمین انداخت. اگر چه کودکان امروزه بسیار هوشمندند، اما ویژگی‌های کودکانه آنان باعث می‌شود که دنیای فیلم را با دنیای واقعی یکسان بیندارند و درصدد پیدا کردن آن در واقعیت بر بیایند و گاه از این رهگذر برای خود و اطرافیانشان، خسارات جبران‌ناپذیری بیافرینند»^۱.

ه) کاهش تماشا

ایجاد محیطی شاد و بازی‌های خلاقانه و هیجان‌انگیز، موجب کاهش وابستگی کودک به تلویزیون می‌شود. برای نمونه می‌توان از بازی «پنهان کردن تلویزیون» بهره برد. «تلویزیون یک تفریح راحت و وسوسه‌کننده است، اما اگر کودک شما آن را تماشا نکند، دیگر برایش وسوسه‌کننده نیز نیست. والدین می‌توانند با پنهان کردن تلویزیون با یک روکش، با کودک خود بازی کنند و بدین وسیله میزان ساعت تماشای تلویزیون را کاهش دهند»^۲. پانتومیم، تکمیل کردن پازل، برگزاری مسابقه

۱. الهه ودودی؛ «آثار منفی تلویزیون بر سلامت کودکان»؛ فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های ارتباطی؛ ص ۱۰۱.

۲. ر.ک: پایگاه اطلاع‌رسانی ویستا؛ «ترک عادت تلویزیون نگاه کردن»؛ ۱۳۹۴/۰۹/۱۱.

آشپزی، خوانندگی و ... نیز جزو موارد مؤثری است که می‌تواند سبب کاهش میزان تماشای تلویزیون توسط کودک شود..

(و) کاهش آسیب‌های پزشکی

والدین باید به کودکان بیاموزند که میزان فاصله مجاز برای تماشای تلویزیون را رعایت کنند و به جای تمرکز دائمی چشم‌ها، در هر چند دقیقه یک‌بار، به فضای اطراف نگاه کنند تا چشم‌هایشان ضعیف نشود.

هماهنگی والدین با دوستان و همکلاسی‌های کودک برای به‌کارگیری سازوکارهایی جهت مدیریت تماشای تلویزیون، موجب تشویق کودک به رعایت قوانین و کاهش تأثیرات منفی دیگر دوستان بر وی شده و احتمال پشیمانی‌اش از رعایت قوانین را بسیار کم می‌کند.

فهرست منابع

کتاب

۱. پیشوایی، فریده؛ صداقت و نقش رسانه ملی در ترویج آن؛ مرکز پژوهش‌های صدا و سیما، فروردین ۱۳۹۳، نشر الکترونیک.
۲. رجبی‌نیا، داود؛ غرب از رؤیا تا واقعیت، قاب جادو (آسیب‌های اینترنت و تلویزیون در غرب)؛ قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۹ ش.
۳. لایل، جک و ویلبر شرام و ادوین بی. پارکر؛ تلویزیون در زندگی کودکان ما؛ ترجمه محمود حقیقت کاشانی؛ چاپ اول تهران: مرکز تحقیقات صدا و سیما، ۱۳۷۷ ش.

مقالات

۱. اسکندری، علی و حسن بشیر؛ «فرهنگ‌سازی بازنمایی نهاد خانواده در تلویزیون با توجه به چشم‌انداز جمهوری اسلامی»؛ فصلنامه علمی پژوهشی نامه پژوهش فرهنگی؛ سال ۱۲، شماره ۴۶، تابستان ۱۳۹۰.
۲. اسمی، رضا و همکاران؛ «رابطه تماشای آگهی‌های تبلیغاتی تلویزیون با الگوی مصرف در کودکان و نوجوانان تهرانی»؛ فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های ارتباطی؛ دوره ۱۷، شماره ۶۱، بهار ۱۳۸۹.
۳. «تحقیق در مورد تأثیرات خشونت در رسانه‌ها»؛ ماهنامه سیاحت غرب؛ شماره ۶۷، بهمن ۱۳۸۷.
۴. «تلویزیون اضافه خاموش»؛ ماهنامه شهرزاد؛ شماره ۲۹، اسفند ۱۳۸۹.
۵. جعفری، ریحانه؛ «ویژگی‌های سینمای کودک»؛ نشریه تکنولوژی آموزشی؛ شماره سوم، ۱۳۷۲.
۶. جوکار، قاسم؛ «بررسی تأثیر تلویزیون بر کودکان»؛ معرفت؛ شماره ۱۱۷، شهریور ۱۳۸۶.
۷. خوش‌گفتار مقدم، علی‌اکبر و زهرا آقاعلی؛ «رسانه، کودکان و نوجوانان»؛ فصلنامه علمی تخصصی کودک، نوجوان و رسانه؛ شماره ششم، زمستان ۱۳۹۱.
۸. رضاقلی‌زاده، بهنام؛ «نگاهی به اثرگذاری رسانه‌ها بر ترویج خشونت در میان کودکان»؛ فصلنامه علمی تخصصی کودک، نوجوان و رسانه؛ سال اول، شماره سوم، بهار ۱۳۹۱.
۹. رضایی بایندر، محمدرضا و ثریا احمدی؛ «تلویزیون در کانون خانواده: نگاهی به اثرگذاری مثبت و منفی تلویزیون بر کارکردهای خانواده»؛ فصلنامه علمی تخصصی رسانه و خانواده؛ شماره دوم، بهار ۱۳۹۱.

۱۰. زارعی، عیسی و نیره خداداد شهری؛ «ارتباط مؤثر تلویزیون با کودکان: فرصت‌ها و تهدیدها»؛ فصلنامه علمی تخصصی کودک، نوجوان و رسانه؛ سال دوم، شماره دوم، زمستان ۱۳۹۱.
۱۱. زعفریان، رضا؛ «شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های نقش تلویزیون در توسعه فرهنگ کارآفرینی»؛ دو فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات میان رشته‌ای رسانه و فرهنگ؛ سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰.
۱۲. شاه‌آبادی، محمدحسین و مصطفی فتح‌الله بیاتی؛ «سواد رسانه‌ای برای کودکان با تأکید بر پویانمایی» فصلنامه علمی تخصصی کودک، نوجوان و رسانه؛ شماره هشتم و نهم، پاییز ۱۳۹۳.
۱۳. صنیعی، ماندانا؛ «تلویزیون با ما چه می‌کند؟»؛ فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های ارتباطی؛ دوره ۱۴، شماره ۵۲، زمستان ۱۳۸۷.
۱۴. عظیمی، محمد حسن و یونس شکرخواه؛ «کودک، رسانه و ارتباط متقابل»؛ فصلنامه علمی پژوهشی علوم و فنون مدیریت اطلاعات؛ سال اول، شماره اول، زمستان ۱۳۹۴، ص ۹۰.
۱۵. کافمن، رون؛ «تأثیر تصاویر تلویزیونی بر کودکان»؛ ماهنامه سیاحت غرب؛ سال سوم، شماره ۲۶، شهریور ۱۳۸۴.
۱۶. کریمی، رضا و محمد اصغرزاده؛ «کودک و رسانه: تهدیدها و فرصت‌ها»؛ فصلنامه علمی تخصصی کودک، نوجوان و رسانه؛ سال اول، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۱.
۱۷. کوهن، نیک؛ «کودکان: هدف تبلیغات تجاری»؛ ماهنامه سیاحت غرب؛ سال دوم، شماره ۱۵، مهر ۱۳۸۳.
۱۸. مبینی مقدس، مجید و محمدرضا برزویی؛ «جوانان و مشارکت سیاسی از دیدگاه نظریه‌های کارکردی رسانه‌ها»؛ فصلنامه علمی تخصصی مطالعات جوان و رسانه؛ شماره پیاپی دهم، تابستان ۱۳۹۲.
۱۹. مندوزا، کلی؛ «بررسی وساطت والدین: روابط، چالش‌ها و پرسش‌هایی برای سواد رسانه‌ای»؛ ترجمه امیر یزدیان؛ فصلنامه علمی تخصصی رسانه و خانواده؛ شماره پنجم، زمستان ۱۳۹۱.
۲۰. مهکام، رضا؛ «میزگرد نقد مجموعه تلویزیونی باب‌اسفنجی»؛ فصلنامه علمی تخصصی کودک، نوجوان و رسانه؛ شماره هشتم و نهم، پاییز ۱۳۹۳.
۲۱. ناصری، عرفان و همکاران؛ «بررسی میزان، نحوه و انگیزه‌های کودکان در استفاده از رسانه‌های سنتی و جدید»؛ فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های ارتباطی؛ سال ۱۹، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۱.

۲۲. نوانکور، آی. جی؛ «رادیو و تلویزیون و تعلیم و تربیت اخلاقی کودک»؛ ترجمه سعید ایوبی؛ فصلنامه علمی تخصصی کودک، نوجوان و رسانه؛ سال دوم، شماره دوم، زمستان ۱۳۹۱، ص ۱۲۴ - ۱۲۵.
۲۳. نیومن، فیلیپ و باربارا نیومن؛ «اثرات تلویزیون بر رشد کودکان و نوجوانان»؛ ترجمه اسماعیل بیابانگرد؛ فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های ارتباطی؛ شماره ۱۵ و ۱۶، پاییز و زمستان ۱۳۷۷.
۲۴. ودودی، الهه؛ «آثار منفی تلویزیون بر سلامت کودکان»؛ فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های ارتباطی؛ دوره ۱۴، شماره ۵۰، تابستان ۱۳۸۶.

وبسایت‌ها، سایت‌ها و روزنامه‌ها

۱. اصلانی، سمیه؛ «چه کسی کودک من را کنترل می‌کند؟»؛ همشهری آنلاین؛ ۱۳۹۳/۰۴/۲۹.
۲. پایگاه اطلاع‌رسانی آفتاب آنلاین؛ «۵ عامل بلوغ زودرس»؛ ۱۳۹۱/۰۹/۲۲.
۳. پایگاه اطلاع‌رسانی ویستا؛ «ترک عادت تلویزیون نگاه کردن»؛ ۱۳۹۴/۰۹/۱۱.
۴. محمد علی‌خانی، میترا؛ «تابش مداوم نور تلویزیون باعث بلوغ زودرس کودکان می‌شود»؛ شهر مینو: پایگاه خبری تحلیلی قزوین، ۱۳۹۴/۰۸/۲۳.
۵. کمالی‌نژاد، مریم؛ «جادوگر خانه ما»؛ همشهری آنلاین، ۱۳۹۵/۰۵/۱۰.